

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

۱. دکتر محمدباقر آخوندی
۲. دکتر حبیب‌الله احمدی
۳. دکتر بی‌بی اقدس اصغری
۴. دکتر الکساندر چولوخادزه
۵. دکتر محمد بهنام‌فر
۶. دکتر محمدعلی بیدختی
۷. دکتر هادی پورشافعی
۸. دکتر محمدتقی راشد محصل
۹. دکتر مفید شاطری
۱۰. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی
۱۱. دکتر احمد کامیابی مسک
۱۲. دکتر محمدرضا مجیدی
۱۳. دکتر جواد میکانیکی
- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند
- استاد جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز
- استادیار مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، مطالعات ایران و خاورمیانه، رئیس بخش شرق‌شناسی دانشگاه گرجستان
- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند
- استادیار پژوهش و هنر دانشگاه بیرجند
- دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند
- استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند
- دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند
- استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران
- دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران
- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند

ویراستار ادبی و فنی: سیدنورالله نصراللهی

مترجم و ویراستار انگلیسی: شهرزاد دهقانی

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

امور فنی: انتشارات چهاردرخت

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی-هنری افق هزاره سوم کویر

شمارگان: ۱۰۰

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی

خراسان جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳ دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۲۷۷

سامانه پست الکترونیک فصلنامه: pazhoheshkhorasanj@farhangmail.ir

وبگاه: <http://Farhangekhorasan.ir>

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست.
نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند.
نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند.
فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر محمدباقر آخوندی	استادیار دانشگاه بیرجند
دکتر محمد اسکندری ثانی	استادیار دانشگاه بیرجند
دکتر سمیرا پور	استادیار دانشگاه بیرجند
دکتر محمد حجی پور	استادیار دانشگاه بیرجند
دکتر سیدسعید حسینی	استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد
دکتر یعقوب خزائی	استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
دکتر مجتبی خلیفه	استادیار دانشگاه بیرجند
دکتر مفید شاطری	دانشیار دانشگاه بیرجند
دکتر زهرا علیزاده بیرجندی	دانشیار دانشگاه بیرجند
دکتر مسعود مرادی	دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان
علی نجف زاده	مربی دانشگاه بیرجند
دکتر حسن هاشمی زرج آباد	دانشیار دانشگاه مازندران



پیشینه: فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۹ با عنوان "فصلنامه فرهنگ خراسان جنوبی" آغاز به کار نمود. در جلسه کارگروه علوم انسانی کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۲ با عنوان "مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" موافقت گردید. به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴ کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه "مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه علمی - ترویجی گردیده است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

طبق آخرین مجوز از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بر اساس آیین‌نامه نشریات علمی مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۰۲ در ارزیابی سال ۱۳۹۸، این فصلنامه موفق به کسب رتبه ب گردیده است.

فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com و پایگاه سیویلیکا به آدرس <https://civilica.com/1/60837> پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور به نشانی ww.inti@magiran.com و پایگاه مجلات تخصصی نور به نشانی www.noormags.com نمایه می‌شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.

۲. مقاله در محیط واژه‌پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B. nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.

۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.

۴. معادل‌های لاتین اسامی غیر فارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح ۳۰۰ dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.

۶. ارجاعات درون‌متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۷-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۷-۲- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول،

ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۳-۷- مجموعه مقالات همایش

میکانیکی، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۴-۷- پایان‌نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۵-۷- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی [چاپ نشده].

۶-۷- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). «شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی». [پیوسته] قابل دسترس در:

[http://www.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html\[1388/8/2\]](http://www.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html[1388/8/2])

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ به دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

- بازخوانی متن و تحلیل محتوای وقفنامه مدرسه علمیه حاج محمدرفع طبس
محمد باقری، حمیدرضا ثنائی ۷
- نگرش زائرین آستان قدس رضوی نسبت به مردم مشهد با رویکرد توسعه گردشگری
شهرهای مذهبی
میلاد پوررجبی، مجید فولادیان ۳۵
- تحلیل رابطه خودکارآمدی و نشاط کاری با نقش میانجی امیدواری در معلمان مقطع
ابتدایی شهر بیرجند
حسین خسروی، هادی پورشافعی، فاطمه طاهرپور ۶۵
- جایگاه خراسان بزرگ در تحولات مذهبی و هنری شرق در دوره اشکانیان
مریم ظهوریان، سامان فرزین ۸۳
- تحلیلی بر سکه‌های ناصرالدین‌شاه قاجار ضرب شده در هرات با استفاده از تجزیه
عنصری پیکسی
حسین کوهستانی‌اندرزی، زهره جوزی، زهرا نصراللهی، محمدامین سعادت‌مهر، مریم یاغی‌زهی،
هانیه حسین‌نیا امیرکلایی ۱۱۵
- وقف علمی و تأثیر آن در توسعه فرهنگی بیرجند
الهام ملک‌زاده، اکرم ناصری ۱۴۳

بازخوانی متن و تحلیل محتوای وقفنامه مدرسه علمیه حاج محمدرفیع طبس

محمد باقری^۱

حمیدرضا ثنائی^۲

نوع مقاله: علمی-ترویجی

شماره صفحه: ۷-۳۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۱۷

چکیده

وقف، سنت دیرپا و زنده اسلامی، از دیروز تا امروز با انگیزه‌های مختلف در سرزمین‌های اسلامی و بویژه ایران رواج داشته است. سابقه وقف در ایران دوره اسلامی به سده‌های نخستین هجری باز می‌گردد و غالباً به وقف مستغلات برای دو نهاد دینی و آموزشی مسجد و مدرسه اختصاص داشته است. در نیمه دوم سده ۱۲ قمری حاج محمدرفیع پسر علی نقی دیهشکی بنای مدرسه‌ای را در شهر طبس پی ریخت و آن را وقف آموزش علوم دینی ساخت. هدف مقاله پیش‌رو، بازخوانی وقفنامه و بررسی محتوا و دستیابی به اطلاعات متنوع مندرج در آن است و برای نیل به این مقصود از روش توصیفی-تحلیلی بهره می‌برد. بررسی وقفنامه، باور راسخ بانی مدرسه به آموزه‌های شیعی را نشان داده و اطلاعاتی دست اول و سودمند از طبس در زمان وقف، چگونگی اداره مدرسه، متولی و شرایط استفاده از وقف را در اختیار خواننده قرار می‌دهد. بر پایه آنچه در وقفنامه آمده، تولیت این مدرسه به عهده بانی و پس از وی، پسر ارشد و آنگاه اولاد ذکور از نسل وی گذاشته شده است. اگر اولاد ذکور نیز از میان بروند، متولی وقف امام جمعه طبس خواهد بود. از جمله اطلاعات سودمند تاریخی متن وقفنامه در روزگار شکل‌گیری

m84bagheri@gmail.com

hr.sanaei@um.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسؤول

وقف، می‌توان به نام برخی از بزرگان طبس بویژه خواجه محمدعلی دیهشکی برادر واقف و ملا محمد مهدی پسر حاجی محمد صالح امام جمعه طبس و نیز حضور جماعت چیت‌گر اصفهانی در بازار و همچنین اطلاعات مربوط به مدار آب در این شهر اشاره کرد.

واژگان کلیدی: وقف، وقف‌نامه، طبس، مدرسه حاج محمد رفیع

۱- مقدمه

تخصیص ملک یا مالی برای صرف در اموری که وقف‌کننده تعیین کرده است، وقف خوانده می‌شود. به عبارت دیگر، وقف ملک یا مالی است که از طرف مالک آن هرگز فروخته و یا به گرو گذاشته نشود و سود و بهره آن در راه خدا، موافق نظر واقف به مصارف خیر برسد (رحیمی، ۱۳۸۳: ۱۷). از منظر علم حقوق، وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل^۱ شود (بیات، ۱۳۹۸: ۶۲). اگر چه آیه‌ای درباره وقف و حکم فقهی آن در قرآن به چشم نمی‌خورد، اما آیات بسیاری به انفاق، احسان، صدقه، قرض الحسنه، تعاون و اعمال خیر سفارش و تأکید کرده‌اند (محمدی، ۱۳۸۸: ۲۱).

فارغ از چنین بحث‌های نظری درباره وقف، بررسی پیشینه آن و کنکاش در احادیث و سیره رسول اکرم (ص) و ائمه هدی^۲، از اهتمام فراوان آن بزرگان به گسترش وقف حکایت دارد. با تأسی از سیره این بزرگان، به تدریج اوقاف چشمگیری در شهرهای مهم جهان اسلام پدید آمد (رحیمی‌فر و عبدالقهار، ۱۳۹۲: ۴۲) و عواید وقف از انحصار بر فقیران خارج شد و تأمین مخارج تأسیس و گسترش مراکز علمی چون مدارس، مساجد و کتابخانه‌ها و گذران معیشت دانشجویان، مدرسان و خدام آنها را نیز دربرگرفت (الهی‌زاده، عارف‌نژاد و عدالتی، ۱۳۹۴: ۶).

نظام و سنت وقف، از نقطه نظری گسترده‌تر، به عنوان نمونه‌ای از برنامه‌ریزی پایدار در جوامع انسانی مطرح می‌شود. با مطالعه تاریخ جوامع اسلامی، مجموعه بناهایی را می‌توان یافت که از جهت این سنت، پایداری طولانی‌تری نسبت به دیگر بناها داشته‌اند و امروز نیز همچنان کاربری اولیه خود را از

۱. انفاق در راه خدا

۲. جهت اطلاعات بیشتر، ر. ک. به: ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۶۵۹.

دست نداده‌اند (رحیمی، ۱۳۸۳: ۱۷). با توجه به این که وقف سنتی اسلامی است و در عقاید عامه مسلمانان ریشه دارد، برپایی بخش عمده‌ای از بناهای دینی در جهان اسلام و غالباً مسجد و مدرسه، وامدار این سنت بوده و تداوم حیات دینی و فرهنگی آنها به سرنوشت این سنت اسلامی گره خورده است. از طرفی، هزینه نگهداری و مرمت این بناها نیز از طریق موقوفات تأمین می‌شده است (شهابی، ۱۳۴۳: ۱۰). چنین موقوفاتی مرهون دست و جیب سرشار توانگرانی بود که با توجه به موقعیت اجتماعی خود، با انگیزه‌ها و تمایلات مختلفی قدم در این راه می‌گذاشتند که از آن جمله می‌توان به این انگیزه‌ها اشاره کرد: کسب ثواب اخروی، مقبولیت نزد عامه، یافتن اعتبار دنیوی و مصون نگهداشتن اموال از مصادره (رحیمی فر و عبدالقهار، ۱۳۹۲: ۵۸).

واقفان غالباً وقف و شرایط مورد نظر خود را از طریق وقفنامه‌ای برقرار و ثبت می‌کردند. اگر چه وقفنامه‌ها برای نشان دادن عمل وقف و رسمیت بخشیدن به آن تنظیم می‌شوند، ولی اطلاعات تاریخی کم و بیش سودمند و گاه منحصر به فردی در موضوعات مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دربردارند. فارغ از جملات تکراری تمام وقفنامه‌ها، اطلاعات ضمنی این اسناد ارزشمند، طیف گسترده‌ای از موضوعات در زمینه چپاول و ستم‌های مالی و مالیاتی حکومت‌داران، اسامی شخصیت‌ها و اعلام جغرافیایی، اصطلاحات خاص اوزان و مقیاس‌ها، ارزش برخی از کالاها بر پایه پول رایج زمانه، سیر تطور واژگان و ... را دربرمی‌گیرند. افزون بر آن، رجوع به این گونه اسناد و طبقه‌بندی و مقایسه تطبیقی آنها تاحدودی می‌تواند از سیر تحولات و تفاوت‌های فرهنگی-اجتماعی ادوار مختلف تاریخی، از قبیل سیر تحول شهرنشینی و رشد و رکود اقتصادی را نشان دهد. هم‌چنین می‌توان به وقفنامه‌ها به‌عنوان منبع ارزشمندی در زمینه تاریخ معماری و شهرسازی نگریست و با نظر به اطلاعاتی از این دست، می‌توان طرح کلی شهر یا بخش‌هایی از آن، مانند بازار را ترسیم کرد (احمدی، ۱۳۹۳: ۵).

۲- پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش قابل ذکر و جامعی درباره سنت وقف و اوقاف در اسناد تاریخی طبس به انجام نرسیده است، با وجود این، اخیراً وقفنامه‌هایی به‌صورت موردی و در قالب مقالاتی صرفاً بازخوانی

شده‌اند. نقدی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان "معرفی وقف‌نامه مسجد و موقوفات حاجی ابومحمد در طبس" به بازخوانی این وقف‌نامه پرداخته است. هم‌چنین انزابی‌نژاد و دیگران (۱۳۸۸) در مقاله "وقف‌نامه امیرمحمدحسن‌خان طبسی" به بازخوانی یکی از وقف‌نامه‌های امیرمحمدحسن‌خان، سومین حاکم سلسله عرب شیبانی طبس، پرداخته‌اند. دیگر این‌که شیخ‌الحکامی (۱۳۸۸) در کتاب *اسناد معماری/یران*، دفتر اول به بازخوانی وقف‌نامه‌های عمادالملکی طبس، از حاکمان سلسله عرب‌تبار شیبانی طبس، پرداخته است. حسینی (۱۳۹۱) نیز در مقاله "یک وقف‌نامه از دو مسجد تاریخی" به بازخوانی وقف‌نامه دو مسجد تاریخی که به‌وسیله امیرحسن‌خان از دیگر حاکمان سلسله مذکور وقف شده، پرداخته است. افزون بر آن، فتحایی (۱۳۹۸) در مقاله "کارکرد نهاد وقف در زنده نگاه‌داشتن و ترویج معارف شیعی در شهرستان طبس" برش‌هایی از پنج وقف‌نامه را که در آن تمام یا بخشی از عواید موقوفه، صرف برگزاری و بزرگداشت آیین‌های مذهبی در طبس شده، ذکر کرده است.

در این میان، در موضوع مدارس طبس و موقوفات آنها، مقاله "مدارس قدیم طبس" در دو صفحه و به اختصار به موضوعاتی مانند زمان ساخت، نام بانی، درآمد سالانه و شمار طلاب چهار مدرسه دومنار، وکیلی، میدان و حاج‌رفیع پرداخته است (فاضل، ۱۳۵۲، ۶۰۹-۶۱۰). باید بدین نکته اشاره کرد که میان این پژوهش‌های اندک و موقوفات فراوان طبس تناسبی دیده نمی‌شود. در ادامه این تکاپوها، پژوهش حاضر نیز هم‌زمان، تصحیح متن وقف‌نامه^۱ و درک مضامین و فوائد و فهم بستر نگارش آن را در نظر دارد و از اطلاعات شفاهی مستند به مطالعات میدانی و هم‌چنین اطلاعات منابع مکتوب بویژه آنچه در خود وقف‌نامه آمده، بهره جسته است. گفتنی است که قلت اطلاعات مکتوب و شفاهی درباره مدرسه حاج‌رفیع، مانعی مهم در مسیر کشف زوایای بیشتری از تاریخ این مدرسه و چگونگی وقف آن است و بنابراین، مطالب این مقاله تنها اطلاعات موجود و ارزشمند از تاریخچه مدرسه کهن‌سال حاج‌رفیع طبس و وقف‌های آن شمرده می‌شود. در مجموع، از آنجا که تاکنون وقف‌نامه مدارس علمیه طبس بازخوانی و تحلیل نشده، این مقاله در نوع خود نخستین اثر شمرده می‌شود.

۱. آقای عبدالرضا رفیعی از اخلاف بانی مدرسه مورد نظر، متن اولیه وقف‌نامه و آقای محمدرضا باقری، تصاویری از مدرسه را در اختیار نویسندگان قرار دادند. نویسندگان لازم می‌دانند که مراتب سپاسگزاری خویش را از این عزیزان اعلام دارند.

۳- مروری بر تاریخ طبس و نهضت وقف در زمانه واقف

شهرستان طبس به مرکزیت شهر طبس از شهرهای حاشیه کویر مرکزی ایران، در خراسان جنوبی واقع است و از شمال، غرب و جنوب به کویر و از شرق به شهرهای فردوس و گناباد منتهی می‌شود. طبس به‌عنوان دروازه خراسان در خلافت عثمان فتح شد (۲۹ق.). فارغ از گزارش‌های فتح طبس در صدر اسلام، عمده اطلاعات تاریخی و جغرافیایی پیرامون این شهر در سده‌های نخستین، در آثار جغرافیایی سده چهارم قمری به چشم می‌خورد. اصطخری و مقدسی در این سده آن را شهری پرجمعیت با خانه‌های خشت و گلی، نخلستان‌های فراوان، مجاری آب روباز و محصور در بارو بدون ارگ دانسته‌اند. به نوشته آنان، مردم در این زمان از ناامنی و راهزنان در رنج بوده‌اند (اصطخری، ۱۹۲۷م.: ۲۳۲؛ مقدسی، ۱۹۰۶م.: ۳۰۱).

در نیمه قرن پنجم قمری ناصر خسرو که در راه سفر طولانی خود پانزده روز در طبس اقامت کرده و شرح مبسوطی درباره آن نوشته، از صلح و امنیت حاکم بر طبس سخن گفته است. کوشش‌های امیر طبس، گیلکی بن محمد، در این زمان سبب شده بود که در آن شهر قتل و سرقتی رخ ندهد (ناصر خسرو، ۱۳۷۳: ۱۶۹). پس از مدتی، ناحیه طبس به یکی از مراکز فعالیت اسماعیلیان بدل شد و در سال ۴۹۴ قمری توسط یکی از امرای سلجوقی از دائرة تسلط آنان خارج شد. شهر طبس در حمله مغولان آسیب ندید و در دوره‌های ایلخانی و تیموری نیز همانند دیگر شهرهای جنوب خراسان، بخشی از قلمرو حکومت‌های مرکزی ایران بود. در زمان شاه عباس صفوی (حک: ۹۹۶-۱۰۳۸ق.) ازبک‌ها به طبس یورش آوردند و آن را ویران ساختند (لباف خانیکی، ج ۱۰: ۴۸۲).

در سده ۱۲ قمری، در اواخر دوره صفوی و در زمان حکمرانی نادرشاه (حک: ۱۱۶۰-۱۱۴۸ق.) طایفه عرب شییبانی بر طبس حکم می‌راندند. آنان در عرب‌آباد دیهوک^۱ ساکن بوده و به دامپروری اشتغال داشتند. نادرشاه در بازگشت از فتح هند، هنگامی که از کرمان به سوی خراسان می‌آمد، در کویر گم شده و سپاهیانش به

۱. عرب‌آباد روستایی در بیست و دو فرسنگی شهر طبس، محل زندگی اعراب بنی‌شیبان پیش از حکومت بر طبس بوده است (طبس گلشن، ۱۳۲۰: ۲۲).

بی‌آبی مبتلا شدند. رئیس طایفه عرب شیبانی و جد این حکومت، میرافتخار، ساکن دهکده عرب [آباد]، مواد غذایی و آب به اردوی نادر فرستاد و تا نزدیکی اردوگاه شاه کانال آبی کشید. از این‌رو، نادر حکومت طبس را به پسر وی، علیمردان (۱۱۴۶-۱۱۶۴ ق.) اهدا کرد و بنی‌شیبان (۱۱۵۹-۱۳۲۵ ق.) از این پس اریکه قدرت در این شهر را از آن خود کردند. پس از علیمردان‌خان، دو پسرش به ترتیب میرمحمدخان (د. ۱۲۰۲ ق.) و میرحسن‌خان (۱۲۰۴-۱۲۳۵ ق.) بر طبس حکم راندند (نادری، ۱۳۵۷: ۵۹). در این میان، امیرمحمدخان بیشتر عمر خویش را صرف فعالیت‌های نظامی بی‌سرانجامی کرد که عاقبت جانش را هم در همین راه از کف داد (قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۶۲؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ج ۲: ۱۴۰۲).

اقدامات میرحسن‌خان بویژه اقدامات عمرانی‌اش طبس را در دوره امارتش به رونق و شکوفایی چشمگیری رساند. او بر گرد شهر حصاری چهارضلعی با برج‌های استوار و استحکامات مناسب برآورد و بازاری سرتاسری نیز در شهر احداث کرد. هم‌چنین در مدخل بازار، میدانی مربع‌شکل ساخت و در اطراف آن، آب‌انبارهای بزرگ و حمام ایجاد کرد. افزون بر آن، خیلانی عریض احداث کرد که به باغ زیبایی به نام "باغ گلشن" منتهی می‌شد (لباف‌خانیکی، ج ۱۰: ۴۸۲). او در دو مرحله در سال‌های ۱۲۱۸ و ۱۲۳۴ قمری اموال زیادی را وقف مصارف گوناگون کرد. این موقوفات اکنون به موقوفات میرحسن‌خانی مشهور است (قصابیان، ۱۳۸۸: ۹۰۵).

۴- مدرسه حاج محمدرفیع و بانی آن

چنان‌که گذشت، طبس در زمان بنی‌شیبان (۱۱۵۹-۱۳۲۵ ق.) شاهد گسترش فرهنگ وقف و شکل‌گیری اوقاف فراوان بود. این فرهنگ وقف پس از آن، در این شهر رونق و تداوم یافت و وقفی بودن حدود یک سوم املاک طبس در حال حاضر (باقری، ۱۳۹۸: ۵۰) شاهدهی بر این مدعاست. مدرسه حاج محمدرفیع نیز در شمار همان اوقاف بوده است. این مدرسه که در بافت تاریخی و در مرکز شهر طبس واقع شده، در زلزله سال ۱۳۵۷ شمسی طبس تخریب و پس از چندی بازسازی شد. در سال ۱۳۵۲ شمسی سه دانشجوی علوم دینی در آنجا اسکان داشته‌اند

و رقبات موقوفه نود فنجان آب طبس بوده که درآمد سالانه آن معادل ۸۶۰۰ ریال صرف حقوق طلاب و مدرس مدرسه می‌شده است (فاضل، ۱۳۵۲: ۶۱۰).

دانش‌دوست (۱۳۶۹، ج ۱: ۷۸) که در معماری بناهای طبس پیش از زلزله سال ۱۳۵۷ شمسی صاحب‌نظر است، درباره این مدرسه چنین می‌نویسد: «از کوچه‌ای که از زیر فضای سرپوشیده جلوی مدرسه دومنار^۱ می‌گذرد، به این مدرسه کوچک می‌توان راه یافت. افزون بر آن، از کوچه‌ای نیز که در امتداد ضلع جنوبی بازار و تقریباً در روبه‌روی مسجد جامع واقع است، می‌توان بدان رسید. از آنجا که در مکان این مدرسه، سر قمه‌زن‌ها را می‌تراشیده‌اند و کار زخم کردن سر، در این جا انجام می‌شده، این مدرسه با نام حسینیّه قمه‌زن‌ها نیز شناخته می‌شده است. بنای مدرسه حاج‌رفیع از طرح معماری مدرسه پیروی نمی‌کند، بلکه خانه‌ای است کوچک و کهن‌سال که برای فعالیت‌های آموزشی متداول در یک مدرسه وقف شده است، چنان‌که در وقفنامه نیز خانه یا سرای بودن آن تصریح شده است». مشخص نیست که چه مدت زمانی از این مدرسه برای قمه‌زدن استفاده می‌شده است. اما گفتنی است که در حال حاضر از آن برای اسکان خانواده یکی از طلاب علوم دینی استفاده می‌شود (تصویر ۲، ۴۳).

با وجود جست‌وجو و بررسی‌های فراوان نویسندگان، اطلاع چندانی درباره زندگانی حاج محمدرفیع، واقف مدرسه در دست نیست و چهره او در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. حقیقت آن است که در بررسی تاریخ وقف، برخی از واقفان صاحب‌منصب و از شهرت اجتماعی و سیاسی برخوردار بوده‌اند و از این‌رو، نام و نشانی از خود به‌جا گذاشته‌اند، اما نام بسیاری از واقفان مانند محمدرفیع که از توده مردم برخاسته و به خاندان‌های بانفوذ و مالکان بزرگ محلی تعلق داشتند، از میان رفته است. آنچه درباره وی می‌دانیم، مختصر اطلاعاتی است که متن وقفنامه در اختیار ما گذاشته است و بر پایه آن، او فرزند علی‌نقی دیهشکی و برادر خواجه محمدعلی، از اهالی آبادی دیهشک بوده که به سفر حج رفته است. به هیچ رو نمی‌توان دریافت که محمدرفیع

۱. این مدرسه یکی از بناهای معروف و با اهمیت شهر طبس است. مدرسه دومنار مدرسه کوچکی است که در داخل حصار کهن و در ربع گوشه جنوب غربی حصار و در جنوب امتداد بازار و شمال غربی ارگ طبس قرار دارد و علت شهرت آن، دومنار کهنی است که در دو سوی ایوان ورودی آن قرار دارد (دانش‌دوست، ۱۳۶۹، ج ۱: ۴۴).

بنای کدام اوقاف دیگری را جز مدرسه یاد شده پی ریخته است. ولی قدر مسلم می‌توان درباره او گفت که با توجه به وقف یکی از املاکش، از بزرگان و توانگران طبس بوده است. همچنین شاید بتوان گفت که وقفنامه مدرسه مورد نظر، احتمالاً در دوران کهنسالی او تنظیم شده است. افزون بر آن، گویا برادر واقف خواجه محمدعلی، با داشتن لقب خواجه، از جایگاه اجتماعی و شاید سیاسی برجسته‌ای برخوردار بوده است.

۵- مضامین وقفنامه

وقفنامه‌ها عموماً بر حسب احتیاجات اجتماعی هر زمان تنظیم می‌شده‌اند و انواع خدمات اجتماعی در متن آنها پیش‌بینی می‌شده است (مصطفوی رجالی، ۱۳۵۱: ۱۲۸)؛ وقفنامه مدرسه مورد نظر ما نیز به تناسب کارکرد مدارس، از این قاعده مستثنا نیست و برای اهداف و خدمات آموزشی - که خود از انواع خدمات اجتماعی موقوفات محسوب می‌شود - تنظیم شده است. ساختار و اجزای وقفنامه‌ها بر حسب نوع کاربری، تفاوت‌های اندکی با یکدیگر دارند. ساختار وقفنامه حاضر عبارت است از: نیت و هدف واقف، رقبات، مصارف و شرایط، متولی، چگونگی مصرف وقفنامه و سجلات. در ادامه، مهم‌ترین مضامین این وقفنامه از نظر خواهد گذشت.

۵-۱- واقف و انگیزه وقف

واقف، حاج محمدرفیع پسر علی نقی دیهشکی بوده است. او مدرسه را به نام خویش نام‌گذاری و گویا با انگیزه کسب رضایت خداوند و به‌جا گذاشتن باقیات صالحاتی برای حیات اخروی وقف کرده است.

۵-۲- موارد وقف

رقبات وقفی این مدرسه به استناد وقفنامه مورد مطالعه عبارتند از:

- ۱- خانه‌ای در بافت تاریخی شهر طبس با چهار اتاق کوچک و بزرگ و تمام ملحقات آن؛
- ۲- دو اتاق دیگر در جنب خانه؛
- ۳- مغازه‌ای که در آن زمان در اجاره چیت‌گران اصفهانی بوده است؛

۴- دویست و بیست فنجان از آب قنات طبس به اضافه بیست فنجان و ده فنجان دیگر به همراه سود اجاره مغازه به عنوان حق الزحمه متولی مدرسه؛

۵- سالانه صدوپنجاه من غله برای خادم مدرسه و هزینه انتقال خاکی که در بیرون مدرسه جمع می شود.

۵-۳- شرایط وقفنامه

۱- اداره مدرسه و تولیت آن بر عهده شخص حاج محمدرفیع و پس از وی، پسر ارشد و سپس اولاد ذکورش خواهد بود. اگر اولاد ذکور وی از میان بروند، متولی وقف امام جماعت مسجد جامع طبس خواهد بود. این امام جماعت در زمان حیات واقف، ملا محمد مهدی پسر حاجی محمد صالح بوده است.

۲- پرداخت هزینه تحصیل چهار طلبه علوم دینی که باید در محل تحصیل ساکن باشند و هر سال دوازده خروار غله میان آنان تقسیم شود و سهم هر یک سه خروار است.

۳- پرداخت سالیانه چهار خروار غله به یک مدرس که آن طالبان علم را تحت آموزش خویش دارد. این شخص در زمان حیات واقف، مدرسی به نام مولانا رضی الدین محمد بوده است.

۱- پرداخت سالیانه چهار خروار غله به معلمی که الزاماً باید در جایی غیر از مدرسه به کودکان و نوجوانان تدریس کند.

۲- طلاب و مدرس مدرسه هر یک روزی یک جزء قرآن را تلاوت کنند و از آن اجزاء، برای پدر، مادر و برادر واقف خواجه محمدعلی، هر کدام یک جزء در نظر گرفته شود. همچنین دو جزء دیگر نیز به معصومان (ع) هدیه می شود.

۳- اگر هر یک از طلاب یا مدرسان مدرسه به سفر زیارتی عتبات عالیات یا حج مشرف شوند، باید کسی را به نیابت از خود در مدرسه بگمارد تا وظایفش را انجام دهد.

۴- تأمین مایحتاج مدرسه و بازسازی آن در زمان حیات واقف، بر عهده وی است و بازسازی مدرسه پس از او، از همان مبلغی که برای طلاب و مدرسان در نظر گرفته شده، کسر خواهد شد.

۵- پیش از استفاده از عواید وقف در هر سال، باید عوارض دیوانی که شبیه به مالیات امروزی است، پرداخت شود.

۵-۴- اطلاعات تاریخی وقفنامه

افزون بر مواردی که در متن وقفنامه ذکر شده و از جهت تاریخ فرهنگی و اقتصادی طبس در اواخر سده ۱۲ قمری و پس از آن حائز اهمیت است، وقفنامه دربردارنده برخی اطلاعات سودمند تاریخی دیگری نیز هست که در منابع دیگر یافت نمی‌شود، از آن جمله می‌توان به آنچه درباره جماعت چیت‌گر اصفهانی که در این وقفنامه آمده، اشاره کرد. بر این پایه، گویا این جماعت از مدتی پیش، از اصفهان به طبس مهاجرت کرده و در آنجا به چیت‌گری مشغول بوده‌اند. وقفنامه مشتمل بر اطلاعات اجتماعی و اقتصادی دیگری نیز هست، از آن جمله می‌توان به ذکر "من تبریزی"، از واحدهای اندازه‌گیری وزن اشاره کرد که بر پایه این وقفنامه، دست کم در نیمه دوم سده ۱۲ قمری به جهت فراگیری کاربرد این واحد وزنی حتی در شرق ایران، در طبس نیز به کار می‌رفته است. هم‌چنین از اطلاعات مربوط به مدار آب در وقفنامه، می‌توان دریافت که آب طبس در زمان وقف در سال ۱۱۸۰ قمری، در هر شبانه روز معادل ۳۶۴ فجان بوده و مدار تقسیم آب نیز ۲۶ روزه بوده است. از دیگر فواید وقفنامه آن‌که نام شماری از بزرگان طبس از جمله امام جماعت مسجد جامع در آن به چشم می‌خورد و افزون بر آن، شمار دیگری از بزرگان نیز به‌عنوان شاهد در سجلات وقفنامه نام برده شده‌اند. به‌علاوه چنان‌که گذشت، از متن وقفنامه می‌توان دریافت که برادر واقف خواجه محمدعلی دیهشکی، فرزند علی نقی دیهشکی در آن روزگار جایگاه اجتماعی و شاید سیاسی برجسته‌ای داشته است.

۵-۵- سبک و ادب نگارش

سبک نگارش متن وقفنامه به زبان فارسی، مانند بسیاری از اسناد وقفی ایران، از ارزش ادبی برخوردار و نشانگر سبک نگارش اسناد دوره خویش است. نظر به عبارات «حمد و ثنا ... و دخل مطلب نداشت» و «قَدْ قُوبِلَ هَذَا مَعَ أَصْلِهِ الْأَصِيلِ مِنْ بَعْدِ الْبَسْمَلَةِ وَ التَّحْمِيدِ وَ كَانَ مَبْدُئُهُ بنابر این‌که» در سجلات وقفنامه، صدر وقفنامه در سواد موجود عامدانه حذف شده است، اما گویا در نسخه اصل مانند دیگر وقفنامه‌ها با یاد خدا و درود بر پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) و با عبارت «حمد و ثنا ...» یا تحمید آغاز می‌شده است. با نگاه به نثر

وقفنامه، مهم‌ترین نکته و مشخصه ادبی اسناد وقفی، کثرت لغات و عبارات عربی بویژه آیات و روایات، آشکارا خودنمایی می‌کند. استناد به شعری از سعدی نیز در این متن دیده می‌شود. گفتنی است که هجده مورد از اشکال گوناگون فعل "نمودن" (نمود، می‌نموده باشد، نموده باشد و ...) نیز در متن وقفنامه به کار برده شده و در مقابل، از افعال متناظر آن، "کردن" و "گردانیدن"، هر کدام دو بار استفاده شده است. در این متن، صورت برخی از لغات مانند "اوطاق‌ها" و "وقفنامه" و افعالی مانند "می‌خواهد خواند" (به معنی لازم است بخواند، باید بخواند) و "می‌شده باشد" نیز شایسته توجه است. همچنین اغلاط املائی محفوظ (به جای محظوظ)، ملحوظ (به جای ملحوظ)، مذبوره (به جای مزبوره) و حاجی (به جای حاج) می‌تواند نشان دهنده بی‌دقتی کاتب سواد در استنساخ متن یا دانش اندک او باشد، چنان‌که استفاده از "الارضین" (به جای الارضون) از ضعف عربی‌دانی وی حکایت دارد.

۶- متن وقفنامه

در این متن، از عباراتی مانند «السَّوَادُ مُطَابِقٌ لِأَصْلِهِ الْأَصِيلِ بَعْدَ الْمَقَابَلَةِ» در سجلات وقفنامه، می‌توان دریافت که متن در اختیار ما، سواد یا رونوشتی از اصل وقفنامه است. اصل وقفنامه در سال ۱۱۸۰ قمری تنظیم و به نگارش درآمده بوده است. بر این پایه، اندازه و نوع کاغذ اصل سند بر ما پوشیده است. با وجود این، ابعاد کاغذ سواد آن تقریباً ۴۰×۲۰ سانتی‌متر است. رنگ آن نخودی و از جنس کاغذهای معمولی مورد استفاده در امور دیوانی این دوران است. متن وقفنامه با مرکب سیاه و خط نستعلیق نوشته شده و کل کاغذ را دربر گرفته است. همچنین متن آن تقریباً در بیشتر مواضع بدون حاشیه است. در حاشیه راست سجلات نه نفر از شهود نام برده شده‌اند و در میان ایشان، ابن ملاعلی اکبر خوری دو بار ذکر شده است. در این جا شش مهر به چشم می‌خورد که نیمی از آن‌ها بیضی و نیم دیگر مربع شکل‌اند. تنها آسیب‌دیدگی و پارگی کاغذ وقفنامه بخش کوچکی از حاشیه چپ آن است. سند وقفنامه و سجلات آن مشتمل بر یک صفحه است. در ادامه، متن وقفنامه و تصویر آن از نظر خواهد گذشت. این وقفنامه با مشخصات شماره کلاسه پرونده ۴۱ و کد تفصیلی ۱۰۱۲۴۴۵۱۰۰۰۰۰ در اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان طبس نگهداری می‌شود.

۶-۱- هدف و انگیزه وقف

در مورد هدف و انگیزه واقف در این وقفنامه آمده: «بنابراین، چون حضرت نجابت و رفعت و عزت و معالی پناه^۱، توفیق و تأیید آثار عزت و مکرمت^۲ و موالی^۳ عوالی دستگاه^۴، حاج الحرمین الشریفین^۵، حاجی محمدرفیع، خلف^۶ مرحمت و رضوان جایگاه، حاجی علی نقی دیهشکی^۷ - رَحِمَهُ اللهُ - از هاتِفِ غیب، مشحون^۸ «ما عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ ما عِنْدَ اللَّهِ باقی»^۹ استماع کرده به زبان حال می گفت قوله تعالی: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ [يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ] فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ»^{۱۰} خواست که از اَطْيَب^{۱۱} مال خود از آنچه باز پس خواهد گذاشت، قدری از پیش فرستد. فرموده:

برگ عیشی به گور خویش فرست کس نیارد ز پس، تو پیش فرست^{۱۲}
تا هم چنان که از نعمت های دنیا به عزت و دولت مُتَمَتَّع^{۱۳} و برخوردار
است، در آخرت نیز به نعیم جنّات و نیل درجات، به نصیب اکْمَل^{۱۴} و حَظّ^{۱۵}

۱. معالی جمع "معلاه" است و معلاه به معنی بزرگی قدر و مرتبه است (برای توضیح لغت های دشوار وقفنامه از لغتنامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین استفاده شده و به جهت اختصار از ذکر ارجاعات آنها در موارد بعدی خودداری می شود).

۲. جوان مردی

۳. دوستدار

۴. عوالی جمع عالی است، به معنی بلند. در اصل: موالی دستگاه

۵. حرم مکه و مدینه

۶. فرزند شایسته

۷. دیهشک دهی است از دهستان مزی بخش طبس

۸. مضمون

۹. سوره نحل، آیه ۹۶: آنچه نزد شماست، تمام می شود و آنچه نزد خداست، ماندگار است.

۱۰. سوره منافقون، بخشی از ابتدای آیه ۹ و تقریباً کل آیه ۱۰ (به جز واو اول آیه): ای کسانی که ایمان آوردید ... از آنچه روزی شما گردانیده ایم انفاق کنید، پیش از آن که یکی از شما را مرگ فرا رسد و بگوید پروردگارا مرگ مرا اندکی به تأخیر نمی اندازی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم.

۱۱. پاک ترین

۱۲. دیباچه گلستان سعدی

۱۳. بهره مند

۱۴. تمام تر

۱۵. بهره

أَوْفَرَ^۱ محظوظ^۲ و ملحوظ^۳ گردد. کَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ تَقَدَّسَ: «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ»^۴ لهذا وقف نمود و حبس گردانید - تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ^۵ - در حالت صحت نفس و لزوم اقوال و افعال و عدم حجر^۶ و جبر و اکراه، بَلْ طَائِعاً^۷ راغباً مختاراً از خالص مال خود خالصاً مخلصاً لوجه الله و طلباً لمراضیه^۸ ...

۶-۲- رقبات

همگی و تمامی یک باب سرای^۹ واقع در بطن^{۱۰} شهرستان که اندرونِ حصارِ قصبه طبس گیلکی^{۱۱} است. قریب به دروازه بازار مشهور^{۱۲} مشتمل بر یک صَفَه^{۱۳} شمالی و موازی چهار خانه^{۱۴} بزرگ و کوچک مُسَقَّف با جمیع ملحقات و منضّمات شرعیّه و عرفیه از مَمَر^{۱۵} و مدخل^{۱۶} و هوا و فضا و ابواب و جدار و مفتاح^{۱۷} و مغالِق^{۱۸} و هر چه اهل خِبرَت از آن دانند و شمرند. سیّما^{۱۹} همگی

۱. بیشتر

۲. اصل: محفوظ

۳. اصل: ملحوظ

۴. سوره شوری، آیه ۲۲: آنچه را بخواهند نزد پروردگارشان خواهند داشت.

۵. خدا از او بپذیرد.

۶. منع کردن، بازداشتن

۷. فرمانبردار

۸. جمع مرضی، برای رضای خدا

۹. خانه، بنای عالی

۱۰. درون، میان

۱۱. از آن جا که در سده‌های ۵-۷ قمری خاندان امیرگیلکی بر طبس حکم می‌راندند، از این شهر در برخی از متون نیز با نام طبس گیلکی یاد شده است.

۱۲. بازار طبس قبل از زلزله سال ۱۳۵۷ در منتهی‌الیه مشرق خیابان شرقی - غربی داخل حصار طبس قرار داشت. این بازار سرپوشیده بود و به نظر می‌رسید در گذشته از وسعت بیشتری برخوردار بوده است (امینی، ۱۳۸۵: ۱۸۶).

۱۳. خانه تابستانی سقف‌دار

۱۴. اتاق

۱۵. راه

۱۶. محل ورود

۱۷. جمع مفتاح، کلیدها

۱۸. جمع مغلاق، کلیددان

۱۹. خاصّه

و تمامی صحن که واقع است در درب سرای مذکور و غیره و مایتعلق به^۱ به جهت این که سرای مذکور محل تعلیم و تعلم باشد و مسمی گردانید به مدرسه حاجی محمدرفع، واقف سابق الاقباب و شرط دارد که از حال تحریر^۲ الی ظهور حضرت صاحب الامر - صلوات الله علیه - پنج نفر که از جمله آنها یکی فاضل و چهار نفر طلبه علوم دینی باشند، در محل تدریس ساکن و به تعلیم و تعلم مشغول باشند و از آن جمله، یکی مدرس و چهار نفر متعلم باشند.

و ایضاً دو خانه مُسَقَّف که واقع است در جنب سرای مذکور و همگی و تمامی یک باب دکان چیت‌گری^۳ که حال، جماعت چیت‌ساز اصفهانی در آن جا ساکن می‌باشند، نیز داخل موقوف^۴ است و همگی و تمامی موازی مجاری^۵ دویست و بیست فنجان میاه شربیه نصفیه^۶ از چشمه و قنّوات قصبه طبس گیلک که مدار آن میانه شرکاء بر بیست و شش شبانه روز جاری و دائر است و هر شبانه روز بر سیصد و شصت و چهار فنجان است، بر مدرسه مزبوره^۷ وقف نمود.

۳-۶- مصارف و شرایط وقف‌نامه

... و تولیت آن را مادام‌الحیوة به خود مفوض^۸ و بعد متولی معزی‌الیه^۹ هر که را تعیین نماید، مختار خواهد بود و شرط نمود واقف مشارالیه که حاصل و منافع میاه مزبوره و یک باب دکان چیت‌گری بعد از وضع وجوهات و عوارضات دیوانی به هر اسم و رسم که باشد، هر ساله مقدار دوازده خروار^{۱۰} غله مناصفه^{۱۱} تسلیم چهار نفر متعلم می‌نموده باشند، از قرار هر نفری سه خروار

۱. آنچه بدان تعلق دارد

۲. از زمان نگارش وقف‌نامه

۳. چیت، پارچه نخی نازک و گلدار دارای رنگ‌های گوناگون است.

۴. ملکی که در راه خدا وقف شده

۵. جمع مجرا به معنی محل جریان آب

۶. إناء نصفان: ظرف نیم‌پر، قریة نصفی: مشک نیم‌پر (معلوف، ذیل "نصف")

۷. اصل: مذبوره

۸. واگذار شده

۹. مشارالیه

۱۰. واحدی است برای وزن

۱۱. دو بخش کردن

به وزن سنگِ کهنه قصبه مزبوره که یکصد و پنجاه مَن^۱ به وزن تبریز باشد و مقدار چهار خروار وظیفه^۲ مدرس خواهد بود که به تعلیم چهار نفر متعلم قیام می‌نموده باشد و ایضاً مقدار چهار خروار غله مناصفه تسلیم یک نفر معلم خواهند نمود که به تعلیم اطفال مسلمانان مشغول باشد به شرط آن که معلم مزبور در بیرون مدرسه به تعلیم اطفال مشغول باشد.

... و واقف مشارالیه شرط نمود که مادام‌الحیوة اخراجات^۳ و تعمیرات مدرسه و ملحقات آن، که محل تدریس است در عهده خودم خواهد بود و بعدالموت هرگاه مدرسه و متعلقات آن محتاج به تعمیر باشد، متولی مدرسه بالنسبه^۴ از وظیفه مدرس و معلم و متعلم خرج تعمیر خواهد نمود.

... و ایضاً واقف مشارالیه شرط نمود که مادام‌الحیوة متولی، پنج نفر ساکنین مدرسه به غیر مدرس، هر کدام هر یوم یک جزو قرآن تلاوت می‌نموده باشند.

اگر چنانچه میاه مذکور را مدرس و معلم و متعلم فی‌مابین^۵ خود از قرار وظیفه خود هر کدام متصرف شوند، خوب خواهد بود و وجوهات و عوارضات دیوانی آن را میانه خود موافق حصّه^۶ و رسد^۷ تقسیم خواهند نمود.

... و واقف مشارالیه شرط نمود که مادام‌الحیوة خود، وجوهات و عوارضات دیوانی به هر اسم و رسم که بر میاه مزبوره حواله شود، خود [پرداخت] می‌نموده باشند.

۴-۶- شرایط مدرس و دانشجویان

در مورد شرایط مدرس و دانشجویان در این وقفنامه آمده است: «... و مدرسِ مدرسه مزبوره^۸ نمود عالی‌حضرت رفیع‌منزلتِ قدسی‌طینت^۹، [به]

۱. واحدی برای وزن برابر با سه کیلوگرم

۲. مقرری

۳. مخارج

۴. به‌طور نسبی و به تناسب

۵. در میان خود

۶. بهره، نصیب

۷. بهره، سهم مالیاتی

۸. اصل: مذبوره

۹. پاک‌سرشت

افادت^۱ و افاضت^۲ دستگاه حقایق و معارف آگاه، کشاف^۳ مشکلات الحقایق، مَجْمَع^۴ رموز الدقایق،^۵ مفسر مَفْضَلَاتِ کلامِ افاضل^۶ المتقدمین و المتأخرین، الحبرُ المَدَقِّق^۸ و النحریر^۹ المحقق، مولانا الافضل الأمجد^{۱۰}، حاج^{۱۱} الحرمین الشریفین، کھف^{۱۲} الحجاج، مولانا رضی الدین محمد را - لازال ایامُ إفادته و إفاضته^{۱۳} و مَدَقَّ^{۱۴} الله ایامَ بَرَکَتِهِ علی مفارق^{۱۵} الطلبة الی یوم الموعود بحق محمد و علی و آلهمما المحمود^{۱۶} - که مادام الحیوة^{۱۷} به تدریس متعلمین و طلبه در مدرسه مذکور مشغول باشند و تلاوتی که شرط شده که پنج نفر مزبور هر یک هر یک [یک] جزو می خوانده باشند، یک جزو به جهت آب واقف و یک جزو به جهت والده واقف و یک جزو به جهت اخ واقف و هو خواجه محمدعلی و دو جزء دیگر مادام الحیوة واقف به جهت حضرات عالی درجات ائمه معصومین صلوات الله و الملائکة و الناس اجمعین مادامت السموات و

۱. سود رساندن

۲. فیض رساندن

۳. بسیار کشف کننده

۴. محل گردآمدن

۵. رمز و رازهای امور پوشیده و لطیف

۶. برتری داده شده

۷. دانشمندان

۸. کار دقیق کننده

۹. دانا، عاقل

۱۰. بزرگوارتر

۱۱. اصل: حاجی

۱۲. پناه

۱۳. ایام تدریس و سود رساندن او همیشه برقرار باد

۱۴. طولانی کردن

۱۵. جمع مَفْرَق و مَفْرَق: فرق موی سر (معلوف، ذیل "فرق")

۱۶. ستوده

۱۷. تا زمانی که عمر باقی باشد.

الارضین^۱ خواهد بود و بعد از فوت واقف به جهت واقف خواهد بود و بیست فنجان که زیاده بر دویست فنجان میاه^۲ است بر چهار نفر متعلم هر کدام پنج فنجان قسمت خواهد شد و یک جزو معلم می‌خواهد خواند^۳ که جمیعاً پنج جزو در یومی قرائت می‌شده باشد».

۶-۵- متولی وقف

... و تولیت میاه مذکوره و مدرسه و ملحقات و منضمت آن مادام‌الحیوه واقف تعلق به واقف و بعد به وکد ارشد اکبر و همچنین به اولاد ذکور بطناً بعد بطن^۴ و نسل^۵ بعد نسل ما تناکحوا و تناسلوا^۶ و العیاذ بالله اگر منقرض شوند، کسی که در مسجد جامع قصبه طبس به امر امامت قیام می‌نموده باشد، مَفَوَّض^۷ و مرجوع خواهد بود و از جمله اوطاق‌ها خواه به معلمی و خواه متعلمی، اگر کسی باشد از اولاد ذکور فضیلت و افادت پناه^۸ ملا محمد مهدی، خَلَفِ حاجی محمد صالح، از دیگران اولی‌اند اذا کانوا علی طریقه اجدادهم^۹.

۶-۶- چگونگی مصرف وقف

هر کدام از شش نفر ساکنین مدرسه اگر اراده عتبات عالیات نمایند، مختارند که تا وقت مراجعت غائبی به جهت خود تعیین و بعد از مراجعت، او را مرخص و به سر عمل خود روند و اگر اراده کعبه معظمه - زاده الله شرفاً و تعظیماً^{۱۰} - نمایند بعد از رفتن، شخصی دیگر به عمل

۱. برپایه قواعد نحوی، "الأرضون" صحیح است و نویسنده یا ناسخ از جهت هم‌وزن بودن "الارضین" با "معصومین" و "اجمعین" به چنین خطی دچار شده است.

۲. آب‌ها

۳. باید بخواند

۴. نسل به نسل

۵. آنچه آنها تلاش کرده‌اند و تبلیغ می‌کنند.

۶. سپرده شده

۷. پناه سود رسانندگان

۸. تا زمانی که بر طریقه اجدادشان باشند.

۹. خداوند عزت و جلال آن را افزایش دهد.

ایشان مشغول خواهد بود و نائب آن جا مُجزی^۱ نخواهد بود.

ثانی، الحال^۲ واقفِ مشارالیه فوق، موازی سی فنجان میاهِ قصبه مزبوره بر دویست و بیست فنجان به میاه واقف مستزاد^۳ نمودند که از جمله سی فنجان میاه، بیست فنجان به جهت حق التّولیه و تعلق به متولی خواهد داشت که خرج خود نموده، چنانچه باید و شاید به امر تولیت و مایتعلقبه قیام و اقدام نماید و از بدل الاجاره^۴ ده فنجان میاه دیگر و مداخل^۵ و منافع یک باب دکان چیت‌گری که حال جماعت اصفهانی در آنجا ساکن‌اند که در فوق قلمی^۶ شده، هر ساله مقدار یکصد و پنجاه مَن غله مناصفه تسلیم یک نفر نموده که به امر خدمت مدرسه [ناخوانا] و اگر از بدل الاجاره ده فنجان میاه بعد از وضع وجوهات و منافع یک باب دکان چیت‌گری چیزی اضافه باشد، بعد از وضع یک صد و [ناخوانا] اجرت خادم و خاک‌انباری که در بیرون مدرسه و بیرون مکتب‌خانه جمع شود، در نزد متولی حبس خواهد بود که اگر مدرسه و اوطاق‌ها محتاج به فرشی باشد، خریده شود.

تحریراً بتاریخ هفتم شهر رمضان المبارک، لسنه ثمانین و مائه بعد الالف^۷.

۶-۷- سجل‌ها^۸

- قَدْ صَحَّ مَا زُبِرَ فِيهِ لَدَى^۹

حَرَّرَهُ^{۱۱} الْعَبْدُ الْمُسِيءُ^{۱۲} ملا محمد بن حاجی رضی‌الدین

۱. جانشین (معلوف، ذیل "جزی، اجزی")، یعنی نائب نمی‌تواند برای همیشه جانشین شخص شود.

۲. در حال حاضر

۳. زیاد

۴. کمک هزینه اجاره

۵. درآمد بویژه درآمد فرعی و جانبی

۶. نوشته

۷. در تاریخ هفت رمضان سال هزار و صد و هشتاد پس از هجرت نوشته شد.

۸. سجل کردن: تأیید کردن، تصدیق کردن. سجل‌ها: تصدیق‌ها و تأییدها

۹. آنچه در بالا آمده است.

۱۰. آنچه در بالا نوشته شد، صحیح است.

۱۱. نوشت آن را

۱۲. گناهکار

محل شهادت^۱ مرحوم آخوند

- قَدْ قُوبِلَ هَذَا مَعَ أَصْلِهِ الْأَصِيلِ^۲ مِنْ بَعْدِ الْبِسْمَلَةِ^۳ وَ التَّحْمِيدِ^۴ وَ كَانَ مَبْدُئُهُ «بِنَابِرِ اَيْنَ كَه»
عِنْدِي حَرَّرَهُ^۵
الْعَبْدُ الْأَقْلُ^۶

مُهر الرَّاجِي مُحَمَّدابراهیم حسینی

- السَّوَادُ^۷ مُطَابِقٌ لِأَصْلِهِ الْأَصِيلِ بَعْدَ الْمَقَابِلَةِ^۸

حَرَّرَهُ ابْنِ مَرْحُومِ مِيرْزَا عَلِيِّ نَقِيِّ

مُهر محمد حسینی

- وَقَعَ صِيغَةُ الْوَقْفِ عَلَى النَّهْجِ^۹ الْمَسْطُورِ^{۱۰} بِحَضُورِي^{۱۱}

حَرَّرَهُ الْعَبْدُ عَبْدِ الْوَهَّابِ

محل شهادت مرحوم آخوند ملاعبد الوهاب

- السَّوَادُ مُطَابِقٌ لِأَصْلِهِ الْأَصِيلِ بَعْدَ الْمَقَابِلَةِ^{۱۲}

الْعَبْدُ ابْنِ مَلَا عَلِيٍّ اكْبَرِ خُورِي

مُهر ادرکنی یا محمد

۱. گواهی

۲. با اصل آن مطابق است.

۳. گفتن بسم الله

۴. ستایش کردن

۵. آن را نزد من نوشت.

۶. بنده کمترین

۷. رونوشت

۸. مقایسه کردن نسخه‌های یک متن با یکدیگر

۹. روش

۱۰. نوشته شده

۱۱. صیغه وقف بر روش نوشته شده در حضور من نوشته شد.

۱۲. پس از تطبیق دادن رونوشت برابر اصل بود.

- الشَّاهِدَ عَلٰی مَا زُبِرَ فِیْ هَذِهِ الْوَرَقَةِ^۱

العَبْدُ الْأَقْلُ^۲ محمد بن ملا عبدالله

محل شهادت مرحوم آخوند ملا محمد ملا عبدالله علی سلطان

- بِسْمِ اللَّهِ، تحدید^۳ وقف تا زمان ظهور قائم سلام الله علیه و جعلناه فداء^۴ منشأ بطلان نمی شود

و بیع به جهت تحدید، فاسد است و الله یَعْلَمُ حَدَّ^۵

مُهر العبد المذنب، محمد بن حمزه

- معلوم بوده باشد که از لفظ "بنابراین" این سواد مطابق است با اصله^۶ بعد از مطابقت کردن

المذنب^۷ محمد حسین ابن عبدالله الحسینی

- حمد و ثنا ... [ناخوانا] و دخل مطلب نداشت^۸ ایضاً العبد حسین بن عبدالله

— وقف مسطور صحیح و شروط مندرجه در وقفنامه چه چون هر یک محل صحیح و آن

منافاتی با صحت وقف ندارد و تحدید زمان ظهور امام (ع) که از آن عدم تأیید مفهوم می شود،

بر فرض تسلیم موجب حکم به رجوع به حبس^۹ است، پس تا آن زمان عمل به آن لازم است.

بعد از ظهور، خود اعلم به احکام جد خود است. هر چه بخواد چنان خواهد شد. مبیعه^{۱۰}

میاه موقوفه محبوسه مزبوره البته باطل است. باید به مصرف مزبور در وقفنامه چه واگذارند،

والله العالم.

۱. شاهد آنچه در بالای این برگه نوشته شد.

۲. کمترین

۳. محدود ساختن وقف

۴. مرا فدای او گردان

۵. خدا اندازه آن را می داند.

۶. اصل آن

۷. گناهکار

۸. یعنی آن بخش از ابتدای وقفنامه که متضمن حمد و ثنای الهی بوده و در اصل سند به چشم می خورد، حاوی نکته و فائده ای

نبوده و از همین رو، حذف شده است.

۹. وقف

۱۰. خرید و فروش کردن

مُهر عبده الرَّاجی^۱ اسمعیل حسینی

- توضیحاً آن‌که از لفظ "بنابرابینی" که سابق آن حمد و ثنای الهی است موافق است تا تاریخ

ابن ملاعلی اکبر خوری

مُهر ادرکنی یا محمد

نتیجه

در دوره حکومت امیرحسن خان (حک: ۱۲۰۴-۱۲۳۵ق.) از امرای عرب شیبانی طبس و سیاست‌های عمرانی و فرهنگی وی، املاک وقفی در این شهر رشد و گسترش چشمگیری یافت و به فرهنگی عام و خاص‌پسند تبدیل شد. این فرهنگ وقف، با اوقاف فراوان خود او آغاز شد و به‌وسیله دیگر حاکمان بنی‌شیبان بویژه عمادالملک اول (حک: حدود ۱۲۶۸-۱۳۱۲ق.) پی گرفته شد. در همین زمان و در چنین فضای فرهنگی، ملامحمدرفیع با هدف تربیت طلاب علوم دینی خانه خود را وقف کرد تا از آن به‌عنوان مدرسه استفاده شود. این خانه با تغییر کاربری از آن پس به نام مدرسه ملامحمدرفیع خوانده شد.

اطلاع‌چندانی درباره زندگانی حاج محمدرفیع واقف مدرسه، در دست نیست و چهره او در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، اما بر اساس متن وقف‌نامه، وی فرزند علی‌نقی دیهشکی و برادر خواجه محمدعلی، از اهالی آبادی دیهشک بوده که به سفر حج رفته است. با توجه به وقف یکی از املاکش، به نظر می‌رسد او از بزرگان و توانگران طبس بوده است. همچنین احتمالاً وقف‌نامه مدرسه مورد نظر، در دوران کهنسالی او تنظیم شده است. او مدرسه را به نام خویش نام‌گذاری و گویا با انگیزه کسب رضایت خداوند و به‌جا گذاشتن باقیات صالحاتی برای حیات اخروی وقف کرده است.

وقف‌نامه در حقیقت شناسنامه وقف محسوب شده و در آن اطلاعاتی درباره واقف، موارد، مصارف و شرایط وقف و شاهدان آن درج می‌شود. سواد وقف‌نامه مدرسه علمیه ملامحمدرفیع طبس تا امروز به‌جا مانده است. با نظر به این سواد و بازخوانی متن آن می‌توان دریافت که

تداوم عمل به شرایط مورد نظر واقف، سبب پایداری بنای این مدرسه در بافت تاریخی طبس بوده است. به عبارت دیگر، سنت وقف و اجرای آن سبب حفظ، نگهداری و پایداری این مدرسه و بنای آن بوده است.

وقفنامه متضمن اطلاعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اندک و در عین حال، اطلاعات ارزشمندی درباره طبس در نیمه دوم سده ۱۲ قمری است و از آن جمله، می‌توان به چگونگی تقسیم آب و مقدار و زمان مدار آن، استفاده از "من تبریزی" در طبس و نام برخی از بزرگان این شهر در آن زمان (مذکور در سجلات وقفنامه به عنوان شاهد) از جمله، امام مسجد جامع و وجود چیت‌گرهای اصفهانی در بازار این شهر اشاره کرد. هم‌چنین از متن وقفنامه می‌توان دریافت که برادر واقف، خواجه محمدعلی دیهشکی فرزند علی‌نقی دیهشکی در آن روزگار، جایگاه اجتماعی و شاید سیاسی برجسته‌ای داشته است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۲). *تحف/العقول*. ترجمه صادق حسن‌زاده. قم: آل علی علیهم السلام.
- اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان طبس، شماره کلاسه پرونده ۴۱م، کد تفصیلی ۱۰۱۲۴۴۵۱۰۰۰۰۰.
- احمدی، زهت (۱۳۹۳). "تأثیر موقوفات گنجعلی‌خان بر کالبد شهری کرمان با تکیه بر اسناد وقفنامه‌های گنجعلی‌خان". *مطالعات تاریخ/اسلام*، سال هفتم، ش ۲۳ (زمستان): ۵۵-۳۱.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد (۱۹۲۷م). *مسالك الممالك*، تحقیق ابوزید احمد بن سهل. بیروت: دارصادر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری*. تصحیح محمداسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- الهی‌زاده، محمدحسن؛ عدالتی، رضا؛ عارف‌نژاد، ابوالقاسم (۱۳۹۴). "موقوفات بشرویه، پرتوی از باورهای دینی". *مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان*، دوره ۶، ش ۴، پیاپی ۳۶ (تابستان): ۲۸-۷.
- امینی، محمود (۱۳۸۵). *جغرافیای تاریخی طبس*. یزد: نیکوروش.
- انزابی‌نژاد، رضا، و دیگران (۱۳۸۸). "وقفنامه امیرمحمدحسن خان طبسی". *بیست وقفنامه از خراسان*، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی: ۲۳۲-۲۵۵.
- باقری، محمد (۱۳۹۸). "طبس پژوهی؛ پیشینه و آسیب‌شناسی". *تاریخ پژوهی*، سال بیست و یکم، ش ۷۷ (تابستان): ۵۷-۳۹.
- بیات، فرهاد (۱۳۹۸). *شرح جامع حقوق مدنی*. تهران: ارشد.
- حسینی، سیدمحسن (۱۳۹۱). "یک وقفنامه از دو مسجد تاریخی". *پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی*، سال اول، ش ۱ (زمستان): ۲۲۳-۲۲۹.
- دانش‌دوست، یعقوب (۱۳۶۹). *طبس شهری که بود*، ج ۱. تهران: سروش.
- رحیمی، مرتضی (۱۳۸۳). "وقف در قرآن". *وقف میراث جاودان*، ش ۴۵ (بهار): ۲۷-۱۴.

- رحیمی فر، مهناز؛ عبدالقهار، سعیداف (۱۳۹۲). "موقعیت اجتماعی واقفان در عصر صفویه با استناد به وقف‌نامه". *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال چهارم، ش ۱۲ (پاییز): ۴۱-۷۰.
- شهابی، علی اکبر (۱۳۴۳). *تاریخچه وقف در اسلام*. تهران: اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین (۱۳۸۸). *اسناد معماری ایران*، دفتر اول. تهران: فرهنگستان هنر.
- طبس گلشن (۱۳۲۰). *اطلاعات هفتگی*، سال اول، ش ۵۱: ۲۱-۲۲.
- فاضل، محمود (۱۳۵۲). "مدارس قدیم طبس". *وحید*، ش ۱۱۷: ۶۰۹-۶۱۰.
- فتحایی، جواد (۱۳۹۸). "کارکرد نهاد وقف در زنده نگاه‌داشتن و ترویج معارف شیعی در شهرستان طبس". در: *مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی تاریخ محلی ایران با تأکید بر تاریخ محلی طبس*. به کوشش محمد باقری. مشهد: کتیبه میراث شیعه: ۷۱-۸۵.
- قزوینی، ابوالحسن (۱۳۶۷). *فوائد/الصفویه*. تصحیح مریم میراحمدی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- قصابیان، محمدرضا (۱۳۸۸). "نگاهی به سلسله‌نسب و شجره بنی‌شیبان؛ حکمرانان تون و طبس". *پیام بهارستان*، سال دوم، ش ۶ (زمستان): ۹۰۳-۹۰۸.
- لباف خانیکی، رجبعلی (۱۳۹۰). "طبس". *دایره‌المعارف تشیع*، ج ۱۰: ۴۸۱-۴۸۲.
- محمدی، جلیل (۱۳۸۸). *فرهنگ لغات و اصطلاحات وقف*. همدان: همسفر.
- مصطفوی رجالی، مینودخت (۱۳۵۱). *وقف در ایران*. بی‌جا: بی‌نا.
- مقدسی، شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن احمدالبنا (۱۹۰۶). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. بغداد: بریل.
- نادری، بقرات (۱۳۵۷). "تاریخ طبس؛ سفرنامه‌ها و آثار تاریخی". *هنر و مردم*، ش ۱۸۶: ۵۴-۶۳.
- ناصر خسرو، ابومعین (۱۳۷۳). *سفرنامه حکیم ناصر خسرو قبادیانی مروزی*. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: زوار.
- نقدی، رضا (۱۳۸۷). "معرفی وقف‌نامه مسجد و موقوفات ابومحمد در طبس". *دفتر اسناد*، ج ۴: ۳۰۹-۳۳۴.



تصویر ۲) سردر ورودی مدرسه



تصویر ۳) نمایی از بیرون مدرسه



تصویر ۴) نمایی از داخل مدرسه

نگرش زائرین آستان قدس رضوی نسبت به مردم مشهد با رویکرد توسعه گردشگری شهرهای مذهبی

میلاد پوررجبی^۱

مجید فولادیان^۲

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

شماره صفحه: ۶۴-۳۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۰

چکیده

گسترش گردشگری در مناطق مختلف سبب شده گردشگری به منزله بزرگ‌ترین صنعت جهان معرفی شود. فضای مناسب گردشگری منجر به رشد اقتصاد منطقه و ناحیه می‌شود و بازتولید آن بر سازوکارهای فرهنگی و رفتارهای مردم در منطقه تأثیرگذار است. روش تحقیق این پژوهش پدیدارشناسی است. برای جمع‌آوری داده‌ها نمونه‌گیری از ۳۷ مشارکت‌کننده که بین سنین ۱۹ تا ۶۵ سال بودند، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گرفته شده است و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل تماتیک استفاده شد. یافته‌ها در زمینه بسترهای معنایی شامل ۳۰ گزاره مرتبط با نگرش زائران را نشان می‌دهد که به پنج زیرمضمون معنایی تقبیل یافتند و در سه حوزه طبقه‌بندی شدند. این سه حوزه عبارتند از نگرش فردی (سامانه‌ی بودن نگرش)، خانواده (چرخشی بودن عوامل شکل‌دهنده به نگرش) و جامعه (روابط ساختاری میان بسترهای معنایی که نگرش را تدویم می‌بخشند). توجه به نگرش زائران و نسبت آن با گردشگری منطقه، نقش کلیدی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی- اجتماعی دارد که در این زمینه باید به روابط ساختاری، چرخشی و چند علتی توجه شود.

واژگان کلیدی: توسعه، گردشگری، ایستارهای فرهنگی، بستر معنایی، شهرهای مذهبی

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسؤول milad.porrajabi@gmail.com

۲. استادیار جامعه‌شناسی علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد fouladiyan@um.ac.ir

۱- مقدمه

انگاره‌ها و کلیشه‌هایی در رابطه با افراد منسوب به شهرهای مختلف وجود دارد که در نگرش سایر افراد نسبت به آنها، جذب گردشگر، ترغیب یا ممانعت از سفر دوباره به آن شهر، بالا رفتن ظرفیت‌های اقتصادی و ... تأثیر دارد. این موضوع در رابطه با شهر مشهد به‌عنوان دومین شهر مذهبی جهان که هر ساله میزبان بیش از بیست میلیون زائر از داخل و یک میلیون زائر از خارج از کشور است (نودهی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۹۴؛ کشاورز و دلبری، ۱۳۹۶: ۴۱)، حائز اهمیت بیشتری دارد. با در نظر گرفتن این آمار، علاوه با این که صنعت گردشگری، به‌عنوان ابزاری برای توسعه در مقاصد گردشگری در نظر گرفته می‌شود (پوررجبی، ۱۳۹۷: ۱۸۱)، این توانایی را دارد که صرف نظر از تأثیرگذاری بر شهر مشهد، به‌عنوان مقصد گردشگری بر مناطقی که در مسیر عبور گردشگران واقع هستند نیز اثرگذار باشد که مثبت یا منفی بودن تأثیر گردشگری، به مدیریت این فرایند بستگی دارد (Rastegar, 2009: 209; Chen & Chen, 2010: 30). بدین صورت که گردشگری جزئی از یک سلسله خلاقیت‌ها و ابتکار عمل‌هایی است که موجب رونق اقتصادی می‌شود و اثرات آن در نواحی و مناطق مختلف، متفاوت است (پوررجبی، ۱۳۹۷: ۱۸۹). از این رو، گردشگری تبدیل به یک فعالیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در بسیاری از جوامع کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه شده است و در این میان اهمیت جنبه اقتصادی گردشگری، به‌کارگیری آن را به‌عنوان یک راهبرد^۱ جایگزین جهت توسعه ملی، منطقه‌ای و محلی، ضروری می‌سازد (Ryu, L'Esper Decosta & Andéhn, 2016: 299, Monterrubio & Bello, 2011: 13). برنامه‌ریزی برای جذب گردشگر یکی از مهم‌ترین سیاست‌گذاری‌های مدیران شهر مشهد به‌حساب می‌آید که تنها از طریق تدوین برنامه‌های مناسب، مدیریت صحیح و تأمین شدن خواسته‌های زائرین میسر است (پوررجبی و مجدی، ۱۳۹۸: ۴۱). گسترش و آموزش فرهنگ میزبانی در شهر مشهد به‌منظور توسعه صنعت گردشگری، یک ضرورت است. نخستین قدم در راه افزایش ماندگاری زائر و ایجاد نگرش مثبت و رضایت خاطر وی، فرهنگ‌سازی میزبانی مردم است. به نظر می‌رسد در کنار عواملی چون کمبود زیرساخت‌های مناسب شهری، کمبود امکانات

تفریحی سالم و مناسب و عدم توسعه پارک‌ها و فضاهای گردشگری، عواملی چون برخورد نامناسب شهروندان با زائرین و عدم خدمت‌رسانی مناسب به آنها، در شکل‌گیری نگرش منفی به مردم شهر مشهد مؤثر است. با توجه به نکات فوق، این مقاله سعی بر آن دارد تا نگرش زائرین نسبت به مردم شهر مشهد و عوامل مؤثر در شکل‌گیری این نگرش را مورد بررسی قرار دهد.

۲- بیان مسأله

گردشگری زیارتی، نقطه و رکن بسیار مهمی برای جذب گردشگران زیارتی کشورهای مسلمان در دنیاست (Popescu & Corbos, 2010: 74; Meleddu, Paci & Pulina, 2015: 162). از آنجا که نشان گردشگری مشهد، نماد^۱ فرهنگی- مذهبی است، زائرانی که به این شهر سفر می‌کنند، فرصت مغتنمی برای معرفی شهر مشهد در سطح جهان محسوب می‌شوند و می‌توانند پیام‌آور و سفیر جاذبه‌های فرهنگی، مذهبی و گردشگری برای سایر کشورها باشند. بنابراین، این حوزه نیازمند نگاه و توجه ویژه و اتخاذ تصمیمات و فراهم‌سازی زیرساخت‌های مناسب برای جذب زائرین است و اینجاست که وظیفه سیاست‌گذاران ملی، محلی و منطقه‌ای در خصوص تصمیم‌گیری، نظارت و سیاست کنترل شهری، با اقداماتی هم‌چون کنترل بازار و نظارت بر قیمت‌ها و بازار خرید مردم، تأمین شرایط مناسب برای اسکان زائران و نظارت بر قیمت‌های محل اسکان، ایجاد مسیرهای ویژه با بار شدامدی^۲ روان در مسیرهای منتهی به حرم، ایجاد خدمات رفاهی هم‌چون سرویس حمل‌ونقل مناسب و ارزان و افزایش وسایل حمل‌ونقل عمومی، نظارت بر اتوبوس‌رانی و تاکسی‌رانی، ارائه محصولات باکیفیت و ارزان، تنظیف و بهداشت عمومی شهر، توسعه پارک‌ها و مناطق تفریحی، استقرار اطاقک‌های^۳ اطلاع‌رسانی راهنمای زائر و گردشگر و ... به‌منظور ایجاد نگرش مثبت در میان زائران، ضروری می‌نماید (پوررجبی، میرزایی و یداللهی‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۰۱). گستردگی و پیچیدگی مسائل شهری و رشد و توسعه روزافزون شهرها، مدیریت

1. brand

2. traffic

3. Kiosk

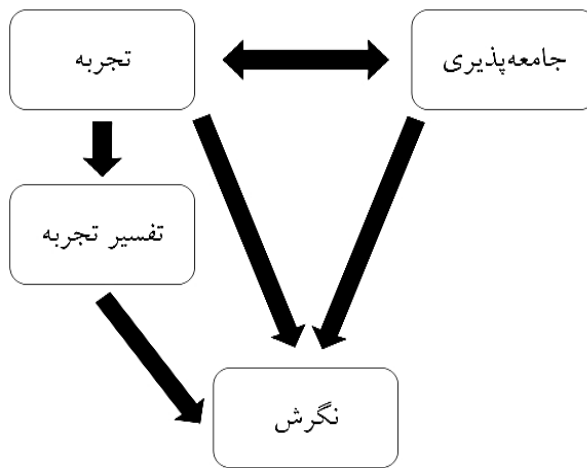
امور شهری را به وظیفه دشوار تبدیل نموده است (قبادی و پوررجبی، ۱۳۹۷: ۷۸)، از این رو است که بسیاری از مسئولان شهری، به گردشگری به مثابه عاملی برای تسریع روند بهبود شهری می‌نگرند.

ایجاد رضایت خاطر و نگرش مثبت در زائرین به منظور جذب گردشگر، همواره یک دغدغه برای مدیران شهر مشهد به حساب می‌آید (Brida, Nogare & Scuderi, 2017: 290). ورود زائرین به هر تقدیر، نوعی از تنوع بخشی فرهنگی به جامعه مقصد است که در بلندمدت می‌تواند به باز شدن فضای اجتماعی- فرهنگی و تعامل پذیری بیشتر افراد جامعه محلی منجر شود. هم چنین ورود و حضور زائرین به منطقه همراه با انجام هزینه از سوی ایشان است که این امر، خود عاملی برای اشتغال زایی و کسب درآمد برای جامعه مقصد است و کمک شایانی به رشد و توسعه پیکره اقتصادی شهر می‌کند. از این رو، گسترش و آموزش فرهنگ میزبانی جهت جذب زائرین، یک ضرورت است.

ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه به صورت مستقیم و غیرمستقیم، گرایش‌های افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند (پوررجبی، میرزایی و یداللهی زاده، ۱۳۹۸: ۱۲۰). در واقع، تغییرات اجتماعی^۱، نقش‌های اجتماعی^۲، انتقال نقش^۳، ویژگی‌های شغلی زمینه و بستر اجتماعی^۴، پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی و رسانه‌های جمعی و غیره، هر کدام به نوعی نگرش‌های فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. با این حال، می‌توان ارتباط دوطرفه‌ای را بین ساختار اجتماعی و نگرش پذیرفت (Adongo, Taale & Adam, 2018: 255). نگرش‌های افراد نسبت به جامعه، رابطه‌شان را با جامعه شکل می‌دهد و این رابطه درک از پدیده‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد (Pourrajabi & Asgharpour Masouleh, 2019: 98). بنابراین نگرش‌ها دارای یک سری از نتایج واقعی‌اند و به نوعی پیامدهای آن ساختار اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (پوررجبی، میرزایی و یداللهی زاده، ۱۳۹۸: ۱۱۲). نگرش‌ها به محض موجودیت یافتن، مواد خامی می‌شوند

-
1. Social change
 2. Social roles
 3. Transferring role
 4. Social context

که افراد می‌توانند از آنها در ایجاد نگرش‌ها جدید بهره‌گیرند (نمودار ۱). به عبارت دیگر، زائرین می‌توانند ایستارهای جدید را از اعتقادات و ایستارهایی که به لحاظ منطقی با آن ایستارها ارتباط دارند، استنباط کنند.

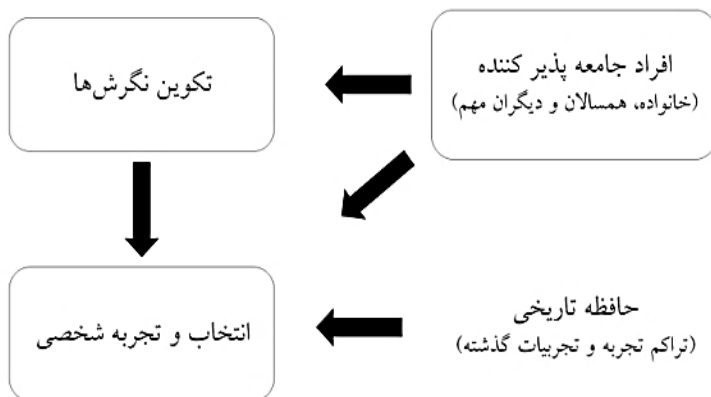


نمودار ۱) شکل‌گیری نگرش بر اساس جامعه‌پذیری

بنابراین، رفتار زائرین در پی زنجیره‌ای از عوامل تکوین می‌یابد، نیت^۱ رفتاری آنان تعیین‌کننده رفتارهای آنان است. مهم‌ترین عامل در نگرش افراد، مجموعه‌ی تجارب فردی در حافظه است. این تجارب، ذهن او را در شرایط مختلف آماده کنش می‌کند و این محصول ارتباطات و تعاملات^۲ اجتماعی است. هر چه ارتباطات و تعاملات مستقیم‌تر باشد، اطلاعات مربوط به کلیشه‌ها توسعه پیدا می‌کند و هر چه کلیشه‌ها به هم فشردتر شوند، مورد استفاده بیشتری قرار می‌گیرند و به‌عنوان واحدهای کارآمد اطلاعاتی، جزئی از فرهنگ می‌شوند (Bender, et al., 2009: 89; Mohammadi & khalifah, 2010: 222). باید توجه داشت کلیشه‌های ذهنی هر چه باشد، اثر مستقیم بر کیفیت ارتباطات بین فرهنگی گروه‌ها بر یکدیگر

1. Intention
2. Experience

خواهد داشت و به نوعی حساسیت بین فرهنگی گروه‌ها، تابعی از میزان و کیفیت طرح‌واره‌های ذهنی افراد و گروه‌ها از یکدیگر خواهد بود (نمودار ۲). در برخی کشورها مانند نیوزیلند که دولت‌ها وضعیت مسافرت‌ها را سروسامان داده‌اند و در پذیرش مسافirin قواعد و قوانین خاصی را که به نفع کشور میزبان است وضع کرده‌اند، نگرش مردم نسبت به مسافirin مثبت است (Yasong & Robert, 2008: 232).



نمودار ۲) مدل تکوین‌یابی نگرش شخصی

علاوه بر این، ضرورت بررسی نگرش زائرین از آنجا اهمیت می‌یابد که هر چه زائرین در محیط مقصد احساس ناراضایتی و بدبینی از مردم محلی داشته باشند، در نتیجه، نگرش منفی نسبت به مردم در آنها شکل گرفته و باب تعامل‌شان بسته می‌شود و این امر باعث جلوگیری از سفر مجدد آنها به این شهر و کاهش مدت زمان ماندگاری آنها می‌شود که به نوبه‌ی خود موجب ضربه زدن به بخش خدمات و اشتغال و صدمه خوردن به پیکره اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر می‌گردد و زائرین که از ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مقصد بهره لازم را نبرده، به واسطه نگرش منفی ایجاد شده از شهر مقصد فاصله خواهند گرفت. از این رو، می‌بایست با سیاست‌گذاری‌های مناسب در جهت رفع و حتی کاهش این ناراضایتی، اقدامات فوری به عمل آید. در طی این تحقیق، بر مبنای شناخت صحیحی که از وضعیت زائرین و عوامل به وجود آورنده نگرش آنها به دست می‌آید، این امکان نیز برای سیاست‌گذاران به وجود خواهد آمد تا

برخورد صحیح‌تر و مؤثرتری با مسائل و مشکلات زائرین داشته باشند و در جهت ایجاد نگرشی مثبت در آنها اقدام کنند.

۳- پیشینه پژوهش

از جمله تحقیقات انجام گرفته در این حوزه باید به پژوهش وانگ، پفیستر و موریس (Wang; Pfister & Morais, 2006: 413)، اشاره کرد که با هدف بررسی رابطه بین ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی و جمعیتی ساکنان با نگرش آنها نسبت به گردشگری در واشنگتن انجام گرفته است. این سه محقق به ارائه پیشنهادی به منظور توسعه گردشگری پرداختند. نتایج تحقیق انجام رفته گویای آن است که آموزش مردم محلی در به‌دست آوردن حمایت آنان از گردشگری و توسعه این صنعت امری مهم است. در پژوهشی که توسط امبروز (Ambroz, 2008: 67) با عنوان نگرش ساکنان محلی نسبت به توسعه گردشگری در اسلوونی انجام گرفت، به این نتیجه دست یافت که طول مدت سکونت افراد، رابطه نزدیک و قوی با نگرش مثبت نسبت به توسعه گردشگری دارد. در تحقیق حاضر، ابتدا اقدام به سنجش تعلق مکانی ساکنین شده و در ادامه بر اساس احساس تعلق، نگرش افراد نسبت به توسعه گردشگری مورد ارزیابی قرار گرفته است. در تحقیقی که توسط سانچس و آمپ (Sanchez & Amp, 2009: 37) با عنوان نگرش ساکنان نسبت به توسعه گردشگری در ایالت هول‌های اسپانیا انجام یافته، به این نتیجه رسیده‌اند که گردشگری در نوع خود دارای مزایا و معایب است، ولی در شرایط فعلی مزایای گردشگری نسبت به زیان‌های آن بیشتر است. در پژوهش دیگری که توسط چن و چن (Chen & Chen, 2010: 29) با عنوان نگرش ساکنان نسبت به توسعه بازی و گردشگری در ماکائو؛ تئوری ماشین رشد به عنوان زمینه‌ای برای شناخت موافقان و مخالفان انجام گرفته است، به این نتیجه رسیده‌اند که ساکنان به دو دسته موافق و مخالف توسعه بازی و گردشگری تقسیم می‌شوند و این امر باید در برنامه‌ریزی‌ها و توسعه‌های آتی مد نظر باشد. طبق مطالعات کیم و گری (Kim & Gray, 2003: 208) که درباره نگرش نسبت به مهاجرین خارجی در آمریکا، فرانسه و آلمان انجام داده است، عوامل حاشیه‌ای

گویای این واقعیت است که مهاجران به سرعت جذب جامعه اطراف خود می‌شوند. در عین حال برخورد این افراد جدید با فرهنگ محلی منجر به اعوجاج یا تحولات فرهنگ^۱ محلی می‌گردد. نامبردگان معتقدند منافع شخصی که عامل اقتصادی است، تاثیر بیشتری نسبت به دو عامل دیگر (احساس تعلق و تحولات فرهنگی) که غیر اقتصادی می‌باشند، دارد. (Teye, 2002: 672) Sirakaya & Sönmez به همین دلیل کیم و گری بیشتر بر روی تأثیر شرایط اقتصادی در احساسات مردم بومی نسبت به مسافرین تأکید داشته‌اند. در عین حال سایر عوامل مانند سطح تحصیلات نیز مد نظر برخی از محققین بوده است. به‌عنوان مثال، تی، سیراکایا و سانمز (Teye, Sirakaya & Sönmez, 2002: 674) و اوریم (Evrin, 2013: 22) معتقدند تحصیلات پایین‌تر باعث می‌شود احساسات ضد مسافرتی نیز بیشتر شود. ارویم (ibid:19) در تحقیق خود با عنوان چه کسانی بر علیه مسافران هستند، نشان می‌دهد که در کشورهای با اقتصاد متنوع - اقتصادهایی که تنوع کالاهای تجاری بیشتر از تولیدات کارخانه‌ای است - تحصیلات تأثیر معنی‌داری در تبیین نگرش مردم نسبت به مهاجران ندارد، زیرا تأثیر مهاجرت بر عرضه نیروی کار کم است. در پژوهشی که از مردم نیوزیلند نسبت به دانشجویان مسافر انجام شده نشان می‌دهد که نگرش ۸۱٪ مردم نسبت به این نوع مهاجرین خارجی مثبت است (Sanchez & Amp, 2009: 31). تحقیقی توسط هوانگ و میائو (Huang & Miao, 2016: 668) در مورد نگرش مردم نسبت به مسافرین در ۲۶ کشور اروپایی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد نگرش اروپاییان به مسافرین ارتباط زیادی به ویژگی‌های شخصیتی پاسخگویان، ویژگی‌های کشور، نگرش مردم نسبت به مؤسسات آن کشور و امنیت اقتصادی اجتماعی آن دارد.

با توجه به پیشینه و تحقیق‌های انجام گرفته در این حوزه، به نظر می‌رسد که انجام تحقیقاتی مبتنی بر سنجش نگرش نسبت به توسعه گردشگری در حوزه تحقیقات داخلی کم‌رنگ بوده و پژوهش حاضر در محدوده مورد مطالعه بدیع است. در عین حال در پژوهش حاضر استفاده از برخی متغیرها و هم‌چنین بررسی نگرش در دو بازه قبل و بعد از توسعه گردشگری گامی به جلو است. از این‌رو، هدف از این پژوهش بررسی

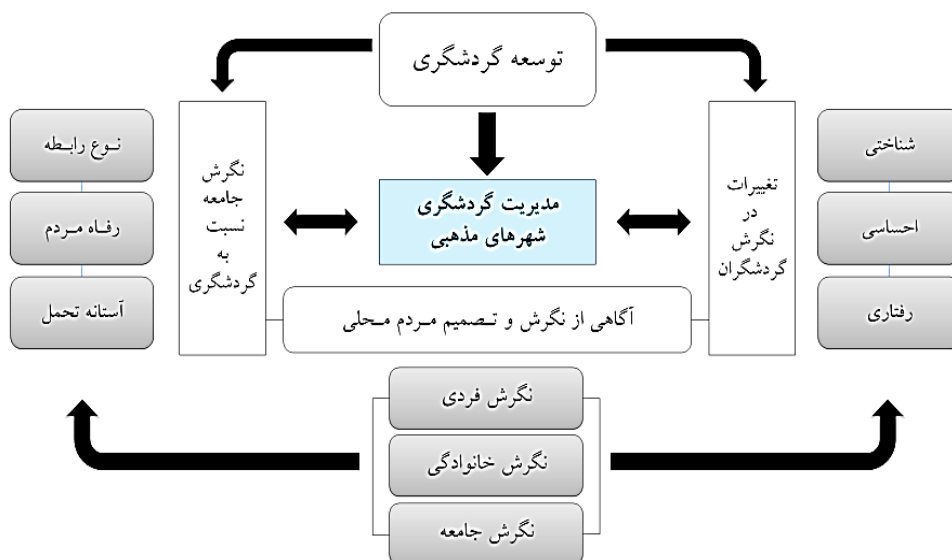
ایستارهای زائران آستان قدس رضوی نسبت به مردم شهر مشهد با رویکرد توسعه گردشگری شهرهای مذهبی است.

۴- چارچوب نظری

گردشگری به عنوان راهی مؤثر در احیای اقتصاد مقاصد گردشگری، شناخته شده است. با این حال توسعه گردشگری به شدت بر نگرش مردم محلی نسبت به آن وابسته است، چرا که حمایت مردم محلی از اقدامات توسعه، در پایداری یک مقصد گردشگری مؤثر است. بنابراین آگاهی از نگرش و تصمیم مردم محلی نسبت به توسعه گردشگری، در دستیابی به حمایت جامعه میزبان از توسعه گردشگری امری ضروری است. چن و چن (Chen & Chen, 2010: 26)، به طور گسترده ای مشخص کرده اند که توسعه صنعت گردشگری یک شمشیر دولبه برای جوامع میزبان است و نه تنها دارای منافع، بلکه هزینه هایی را نیز بر آنها تحمیل می کند (Pfister & Morais, 2006: 414). با ارزیابی این فواید و هزینه ها نگرش ساکنان محلی نسبت به گردشگری توسعه می یابد (Huang & Miao, 2016: 668, Wang, Jucan & Jucan, 2013: 84).

از سویی لازم است که اهداف و راهبردهای توسعه گردشگری، نگرش و دیدگاه مردم محلی را در جهت کمک به برنامه ریزان در راستای برنامه ها و سیاست های توسعه ای در بر داشته باشد، چرا که در غیر این صورت، سیاست ها و برنامه های اجرا شده کارایی خود را نداشته و حتی با احتمال شکست روبه رو می شوند. پیسونرو (Pisonero, 2011: 31) و کیم و گری (Kim & Gray, 2003: 171) در نگرش جوامع محلی نسبت به گردشگری در محافل علمی، توجه خاصی را به دست آورده اند. بررسی نگرش مردم محلی در حمایت یا طرد گردشگری در یک جامعه مؤثر است و از این امر به منظور برنامه ریزی مقاصد و اهداف مدیریتی استفاده می شود. به عبارتی، می توان گفت که توجه به نگرش مردم محلی، عاملی مؤثر در تعیین اثرات اجتماعی گردشگری است (Adongo, Taale & Adam, 2018: 255 ; Monterrubio & Bello, 2011: 14). از آنجایی که جوامع محلی به عنوان ذی نفعان اصلی در مدیریت گردشگری می باشند (قبادی و پوررجبی، ۱۳۹۷: ۶۹؛ Mohammadi & khalifah, 2010: 220)، چگونگی واکنش هر جامعه نسبت به

فرصت‌ها و چالش‌های ایجاد شده توسط گردشگری، بستگی به میزان نگرش افراد آن جامعه نسبت به گردشگری دارد (با توجه به نمودار ۳). نگرش به‌عنوان یک متغیر شخصی و پیچیده است، اما در نگرش جامعه نسبت به گردشگری، سه عامل تعیین‌کننده وجود دارد. اول، نوع رابطه بین مردم محلی و گردشگران که می‌تواند حمایت مردم محلی را در پی داشته باشد. دوم، اهمیت نسبی گردشگری از نظر رفاه مردم محلی که در صورت جبران عوامل مزاحم ناشی از گردشگری، تحمل این عوامل برای مردم امکان‌پذیر خواهد بود. سوم، سطحی از آستانه تحمل مورد انتظار از طرف مردم محلی در ارتباط با حجم گردشگران وارد شده به منطقه به منظور گردشگری تجاری (Murphy Peter, 1985: 120; Brida, Nogare & Scuderi, 2017: 283). پس لازم است که به منظور انجام برنامه‌ریزی‌های مرتبط با گردشگری به‌صورت هر چه بهتر و افزایش میزان مشارکت مردم هر جامعه، به بررسی نگرش و دیدگاه مردم هر جامعه نسبت به توسعه گردشگری اقدام کرد.



نمودار ۳) مدل نظری پژوهش

۵- روش پژوهش

این پژوهش در صدد است تا ساختار و ماهیت تجربه یک پدیده را توسط مردم مورد شناسایی قرار دهد. برای این هدف روش پدیدارشناسی می‌تواند به صورت ویژه تجربه زیسته^۱ یا زیست جهان^۲ مردم را مورد مطالعه قرار دهد (Shank, 2006: 331). مریام (Merriam, 1998: 321) از این روش برای گفته‌های شرکت‌کنندگان به عنوان یک منبع اعتباری دانش که ارائه کننده تجاربشان از پدیده تحت مطالعه هستند، ارزش قائل بوده است. این روش برای نیل به تجربه ذهنی مشارکت‌کنندگان^۳ مناسب است (Corbin & Strauss, 2008: 243).

این پژوهش نیز مبتنی بر پدیدارشناسی تأویلی، تلاش دارد تا بسترهای معنایی ایستارهای افراد که بر اساس تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان تحقیق است را بررسی کند. جامعه پژوهش حاضر، افراد گردشگری هستند که مدت حداقل سه روز را در شهر مشهد سکونت داشته‌اند. مشارکت‌کنندگان در این مطالعه بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. بنابراین با حجم گسترده‌ای از افراد مواجه می‌شدیم که به دلایل محدودیت زمانی و هزینه‌ای، ناگزیر بودیم نمونه‌های مورد مطالعه را بر اساس معیارها و ضوابطی انتخاب کنیم تا نمونه محدود شود و اهداف ما را از بررسی تحقق بخشد. لذا این مطالعه جهت انتخاب شرکت‌کنندگان با روش نمونه‌گیری هدفمند، معیارهایی برای داخل شدن و در نظر گرفتن افراد در این مطالعه به صورت زیر مد نظر قرار داد: شرکت‌کنندگان اهل یکی از استان‌های نسبتاً دور از خراسان رضوی باشند و هم‌چنین مدت سکونت آنان در شهر مشهد بیشتر از سه روز بوده باشد (جدول ۱). سن شرکت‌کنندگان کمتر از ۱۹ سال و بالای ۶۵ سال نباشد. شرکت‌کنندگان نیز قادر و مایل به صحبت کردن در مورد تجاربشان از زندگی در شهر مشهد و اتفاق‌هایی که برای‌شان رخ داده است، باشند.

-
1. Lived experince
 2. Life world
 3. Participant

تعداد	شرح	
۲۱	مرد	جنس
۱۶	زن	
۹	کمتر از ۲۵ سال	سن
۶	بین ۲۶ تا ۳۵ سال	
۸	بین ۳۶ تا ۴۵ سال	
۱۴	بیشتر از ۴۵ سال	
۷	زیر دیپلم	تحصیلات
۱۱	دیپلم	
۶	فوق دیپلم و لیسانس	
۱۳	فوق لیسانس و بالاتر	
۱۴	سه روز	مدت حضور
۹	بین سه الی پنج روز	
۱۰	یک هفته	
۴	بیشتر از یک هفته	

برای تحلیل پدیدارشناختی داده‌ها از تحلیل تماتیک^۱ (مضمون) به‌عنوان روش پژوهش برای تفسیر تجربه شرکت‌کنندگان مورد استفاده قرار گرفت.

۶- یافته‌های پژوهش

از گردشگران در شهر مشهد پیرامون جاذبه‌ها، بافت شهر، خرید، اسکان و فعالیت‌های جنبی که در رویکرد به موزه‌ها، تئاترها، نمایشگاه‌ها، مراکز تفریحی و نظیر این‌ها بود، پرسیده شد. در این راستا، انگیزه‌های متفاوتی در بین زائران وجود داشت که نقطه اصلی آن به زیارت امام رضا (ع) اختصاص پیدا می‌کرد، اما نکته‌های دیگری نیز از انگیزه‌های آنان دریافت شد، مانند دیدار دوستان و خویشاوندان، حضور در نمایشگاه‌ها و اجلاس‌ها، خریدهای تفریحی، بازدید از میراث

1. Thematic analysis

فرهنگی و دلایل شخصی بر مبنای این انگیزه‌ها، گاهی حالت چندبعدی به خود می‌گرفت که برآیند یک رویکرد به درون، در پاسخگویی به نیازهای اقتصادی و یک رویکرد به بیرون، در کنش متقابل فرهنگی یا در بعضی موارد تضادهای ناشی از آن بود که این پژوهش در راستای تبیین کنش فرهنگی افراد، مواردی به‌دست آورده که آن را متذکر می‌شود. در ادامه برخی از مضامین نهایی آورده می‌شود و برای آن شاهد مثال‌هایی نیز ذکر خواهد شد.

۶-۱- منفعت‌طلبی به‌مثابه تشدید فردگرایی

یکی از مهم‌ترین مقولاتی که در بسیاری از مصاحبه‌ها به آن اشاره شد، موضوع منفعت‌طلبی و پول‌دوستی در مشهد است. نخستین موضوعی که در این مبحث به خاطر می‌آید، بحث فردگرایی در میان شهروندان مشهدی است. فردگرایی از عناصر مهم جامعه‌ی مدرن است و کلان‌شهری هم‌چون مشهد به‌واسطه‌ی عوامل متعدد در این زمینه به شکلی پیشرو حرکت کرده است، به‌نحوی که بسیاری از مخاطبان این ویژگی را به‌عنوان یک شاخص مرکزی عنوان کرده‌اند (نمودار ۴). این عنصر در مناسبات و رفتارهای مختلف مردم مشهد، به‌خصوص مناسبات اقتصادی به شکل ویژه‌ای در چشم مخاطبان جلوه کرده است. به همین منظور روایت‌های مختلفی را که از سوی مصاحبه‌شوندگان ذکر شده است را در اینجا خواهیم آورد، تا به انواع مناسباتی که این موضوع در آن دیده شده است، پرداخته باشیم.

جواد ۳۳ ساله‌ای از رشت می‌گوید: «روزی که برای رفتن به یکی از مناطق دیدنی مشهد، سوار تاکسی شده بودم، پول خود را گم کردم و تا رسیدن به محل اقامت از رانندگان درخواست کردم که مرا برسانند تا بتوانم از داخل هتل برایشان پول بیاورم، اما دریغ از این رانندگان. به همین سبب مجبور شدم تا مسیر زیادی را پیاده بیایم، تا این‌که بالاخره یک نفر درخواست مرا اجابت کرد. هیچ موضوعی غیر از پول نمی‌تواند یک راننده را مجاب کند تا مسافری را جابه‌جا کند. در شهر ما این‌طور نیست و تعداد دفعات زیادی به خاطر نداشتن پول خرد، راننده اصلاً از من پول نگرفت».^۱

۱. مصاحبه با جواد اکبری از گیلان، مورخ ۹۸/۰۷/۲۱

مصطفی ۴۸ ساله از اهالی یکی از روستاهای استان گلستان نیز از دیگر مصاحبه‌شوندگانی است که از روابط خشک مالی در بازارهای مشهد ناراحت بود. او می‌گفت: «در محل ما بسیاری از افراد به‌دفعات مختلف، در مواقع سختی و دشواری بدون پرداخت پول و تنها با وجود روابط مبتنی بر اعتماد، گذران زندگی کرده‌اند، اما اینجا حرف اول را پول می‌زند و بدون آن حتی دو روز هم نمی‌توان طاقت آورد».^۱

عماد ۲۰ ساله از استان هرمزگان از مقایسه‌ی روابط اقتصادی در بازارهای شهرشان می‌گوید: «پدر من از بازاریان قدیمی است و به‌خاطر دارم که در مواقع بسیاری، افرادی که دارای مشکلات و سختی‌هایی می‌شدند، می‌توانستند از بازار با شرایطی که در توان‌شان باشد کالا تهیه کنند. این موضوعات در شهر ما بسیار رایج است، اما نمی‌دانم چرا در مشهد به هیچ‌وجه نمی‌توان چیزی را بدون پول نقد معامله کرد. در اینجا در صورتی که پول نداشته باشی و نتوانی تهیه کنی، فقط خود خدا باید به دادت برسد و گر نه بازاریان هیچ‌گونه نگاهی به شما نمی‌اندازند».^۲

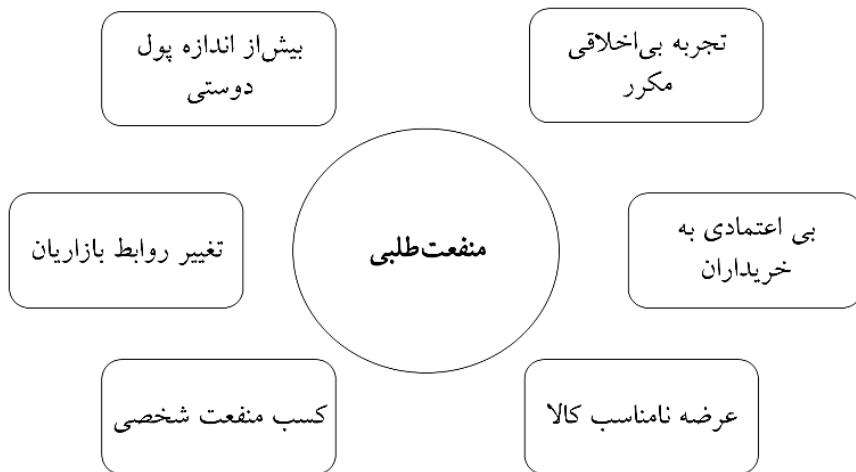
اما برخی از افراد هم بودند که تصور می‌کردند خیلی از مغازه‌دارها، اجناس خود را ارزان می‌فروشند. لازم به ذکر است که مشهد یکی از شهرهایی است که به‌واسطه‌ی کارخانه‌های تولیدی بزرگ و همین‌طور محل وارداتی مستقیم برخی از محصولات نسبت به برخی از استان‌های دیگر، از محصولات ارزان‌تری به‌خصوص در حوزه‌ی پوشاک برخوردار است. از این‌رو، بسیاری از مردم هستند که از سفرهای زیارتی خود به عنوان زمان مناسب خرید پوشاک استفاده می‌کنند.

مرتضی از شهر لاهیجان می‌گوید: «همیشه در مشهد مقدار زیادی لباس می‌خرم، تقریباً لباس سالانه‌ی خود را در مغازه‌های اینجا می‌خرم، چون محصولات خیلی ارزان فروخته می‌شوند».^۳ تصور بر این است که محصولات ارائه شده، با سود حداقل به فروش می‌رسند. این شرایط، باعث ایجاد انتظار جهت خرید با قیمت مناسب می‌شود. با توجه به وضعیت معمول سودآوری بازاریان، برای برخی نگرش "منفعت‌طلب" شکل گرفته است.

۱. مصاحبه با مصطفی حبیب‌زاده از گلستان، مورخ ۹۸/۰۹/۰۱

۲. مصاحبه با عماد طالبی‌فر از گلستان، مورخ ۹۸/۰۶/۳۰

۳. مصاحبه با مرتضی سعیدی از گیلان، مورخ ۹۸/۰۶/۳۰



نمودار (۴) مؤلفه‌های مفهوم منفعت طلبی

۶-۲- تقلب به مثابه امری سودآور

مقوله‌ی دیگری که از میان تجارب زائرین قلیل توجه بود، مسئله‌ی تقلب بود. همان‌طور که تاکنون ملاحظه کردیم، اکثر مقولاتی که در سخنان زائران مصاحبه‌شونده وجود داشت، ناظر بر کنش‌هایی است که آنها تاکنون در مواجهه‌های گوناگون با مشهدی‌ها داشته‌اند (نمودار ۵). تقلب هم یکی از مواردی است که همواره در کنش‌های اقتصادی بازار، مورد توجه زائران بود و به‌ظاهر در این زمینه نیز خاطره‌های مختلفی از عملکرد شهروندان مشهدی در ذهن داشته‌اند. در مصاحبه با خانم عابد ۴۸ ساله‌ی زنجان، یکی از موضوعاتی که ایشان از مشهدی‌ها گله داشتند، این بود که کالاهای بد را جای خوب به ما می‌فروشند و ما هم که آشنا به محصولات مشهدی نیستیم، لاجرم فریب می‌خوریم و چاره‌ای جز اعتماد کردن نداریم. وی می‌گوید: «دفعه‌ی گذشته که آمده بودیم و به‌دنبال زعفران خوب می‌گشتم تا برای خانواده سوغات ببرم، به مغازه‌دار تأکید کردم که مبلغ آن مهم نیست و تنها می‌خواهم جنس خوبی باشد. با این حال وقتی به شهر خود برگشتم و از محصولات استفاده کردم، دیدم کیفیت لازم را ندارد. چگونه

می‌شود دیگر به این‌ها اعتماد کرد».^۱

آقای کیانی ۵۰ ساله‌ی ما از استان همدان، این‌طور برای ما گفت: «نمی‌دانم چه باید بگویم، ناسلامتی اینجا مشهد است، ما می‌آییم تا خود را در جوار حضرت رضا (ع) پاک کنیم و اما بازاریان و کاسبان اینجا تمام تلاش خود را برای فریب و حيله به کار می‌گیرند تا مالی بیشتر از مردم ببرند. واقعاً باورکردنی نیست این مردم تا این اندازه به دنبال کسب سود، دست به هر حيله‌ای می‌زنند».^۲ سهراب ۲۲ ساله‌ی اهل قم، برای ما این‌طور گفت: «سال گذشته که با دوستان خود با کاروان آمده بودیم زیارت، من با چند تن از دوستانم رفتیم و نفری یک ساعت مچی خریدیم، طرف هم کلی تعریف می‌کرد که جنسش اصل است و فلان و فلان ... اما همین که برگشتیم، ظرف یک ساعت ما خراب شد. فکر می‌کردیم اینجا قسم‌ها دیگر دروغ از آب در نمی‌آید. البته تنها ساعت یکی از دوستانم هست که هنوز کار می‌کند. اجمالاً او شانس آورده و جنسش خوب از آب درآمد بود».^۳

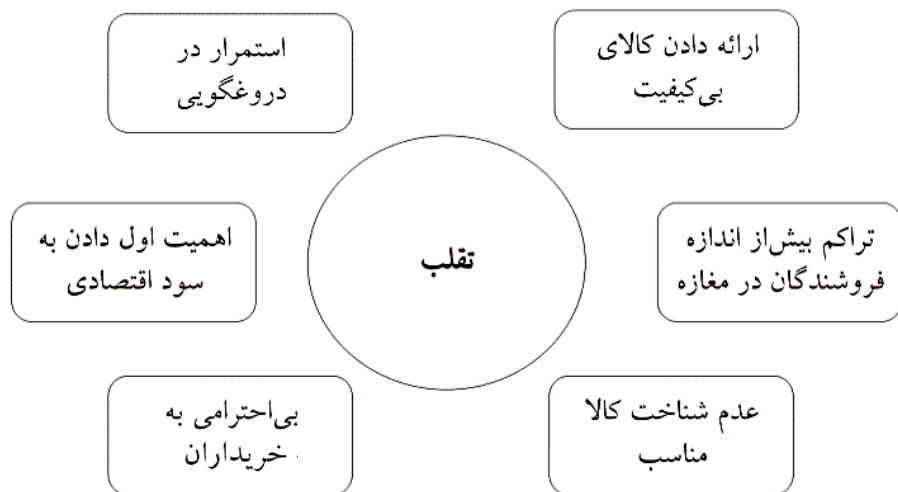
خانم کشاورز ۴۷ ساله از استان مازندران می‌گفت: «هر وقت مشهد می‌آیم، باید سری به بازارچه فردوسی برای خرید چادر بزنم. چون پارچه‌های خوبی دارند، اما خیلی باید مواظب باشیم تا اجناس را بیش از قیمت معمول به ما ندهند. گاهی چون خبر از قیمت‌ها نداریم، با ارقام خیلی زیادی جنس‌های خود را به ما می‌فروشند. خیلی باید مواظب باشیم. گاهی که برای فرزندان و بچه‌های فامیل خرید می‌کنیم نیز اسباب‌بازی‌ها را که ظاهراً از چین می‌آورند، به اسم شرکت‌های اروپایی به ما با قیمت بیشتری می‌دهند. واقعاً خیلی سخت است خرید کردن و اعتماد کردن به مغازه‌دارها. اگر سرت را برگردانی سریع کلاهت را برمی‌دارند. باید چهارچشمی مواظب باشیم».^۴ وجود بازار پروتق و حجم گستره زائرین در مشهد، فرصت را برای برخی از بازاریان فراهم می‌آورد که سودآوری و کسب منفعت اقتصادی را با تقلب کردن و اجناس نامناسب پوشش دهند.

۱. مصاحبه با زهرا عابد از زنجان، مورخ ۹۷/۱۲/۱۸

۲. مصاحبه با رسول کیانی از همدان، مورخ ۹۸/۰۲/۱۲

۳. مصاحبه با سهراب پورغلامی از قم، مورخ ۹۷/۱۲/۱۸

۴. مصاحبه با نرگس کشاورز از مازندران، مورخ ۹۸/۰۳/۲۰



نمودار ۵) مؤلفه‌های مفهوم تقلب

۳-۶- دین‌داری به مثابه یک انتخاب شخصی، برخلاف انتظار زائرین

دین‌داری به شکل نظری دارای ابعاد مختلفی است و می‌توان از انواع دسته‌بندی‌های گوناگون برای آن استفاده نمود (نمودار ۶). اما همان‌طور که گفته شد، آنچه در این مقاله مد نظر است، قضاوت ناظران اجتماعی ما است. در نتیجه، به نمودهای بیرونی و عینی دین‌داری بیش از هر چیز دیگر، توسط مصاحبه‌شوندگان توجه بیشتر صورت خواهد گرفت. یکی از موضوعاتی که بیش از هر چیز مورد توجه قرار گرفت، همان‌طور که در سطح کلان کشوری نیز بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، مسأله‌ی عفاف و حجاب است که توسط زائران مورد قضاوت زیادی واقع شده که اغلب هم پیش‌فرض‌های خود از اماکن زیارتی را عنوان و به تفاوت معیار و ملاک ارزیابی دینی خود رجوع می‌کردند. خانم محمدی ۴۲ ساله که برای نخستین بار از شهر آبادان به مشهد آمده است، در مصاحبه‌ی خود از میزان و سطح پوشش بومیان مشهدی متعجب بود. وی گفت: «هنگامی که به مشهد می‌آمدم، تصور می‌کردم که به شهری قدم می‌گذارم که همه چیز آن رنگ و بوی دینی و الهی می‌دهد و در بازارها و خیابان‌ها همه چیز مذهبی باشد، اما وقتی که آمدم و در خیابان‌های

اطراف زنان و دخترانی را دیدم که از وضعیت نامناسبی برخوردار بودند، تعجب کردم. من هرگز فکر نمی‌کردم در شهر مشهد، فرد بدحجابی بتوانم ببینم»^۱.

سعید ۳۵ ساله‌ی شیرازی که همراه با نوزاد تازه‌رسیده‌ی خود به سفر مشهد آمده بود، در زمینه‌ی مشاهدات خود در بازارچه‌ها و محیط‌های غیرمذهبی این‌طور گفت: «هنگامی که با خانم خود برای گشت‌وگذار در شهر مشهد به خیابان‌های دورتر از حرم رفتیم، باورم نمی‌شد که اینجا مشهد است. ما در شیراز به خاطر جمعیت زیاد گردشگر تقریباً به دیدن همه مدل آدم عادت داریم و تعجبی نمی‌کنیم، اما باید اعتراف کنم که هرگز تصور نمی‌کردم که مردم مشهد این‌طور باشند. ناسلامتی اینجا شهر امام رضا (ع) است»^۲.

محسن، پسر ۲۲ ساله‌ی جهرمی نیز که با دوستان خود به مشهد آمده بود، از تجربه‌ی خود در پارک آبی می‌گفت: «وقتی که به پارک آبی می‌رفتیم، در راه با صحنه‌های مختلفی مواجه شدیم. واقعاً برای ما باورکردنی نبود که اینجا مشهد است. تقریباً همان‌طور که در تهران افراد را بی‌حجاب می‌دیدم، اینجا نیز به همان صورت بودند. مگر اینجا مشهد نیست، آخر چه طور ممکن است»^۳.

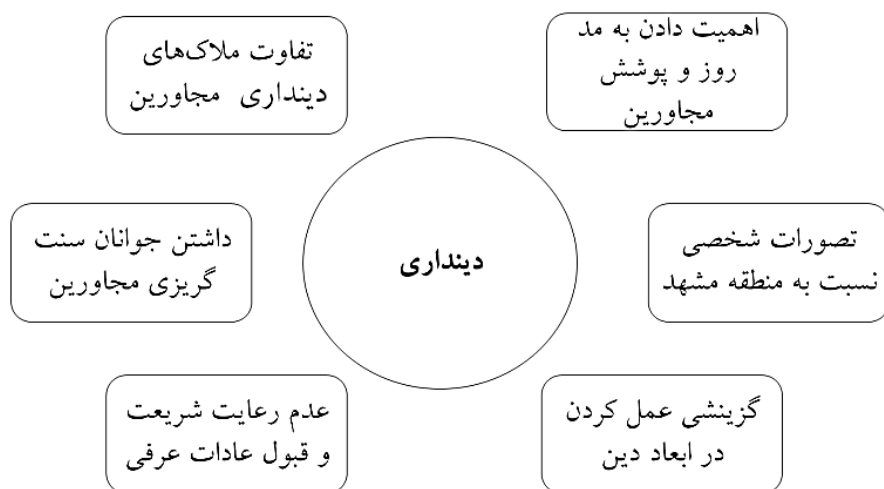
همان‌طور که داده‌ها و مصاحبه‌ها برای ما بازگو می‌کنند، افرادی که تا به حال به مشهد نیامده‌اند، تصور می‌کنند به واسطه‌ی مذهبی بودن شهر و جایگاه زیارتی آن در این شهر، حتماً ملاک‌های دینی در حد بالای آن رعایت خواهد شد. اما هنگامی که به مشهد می‌آیند و مخصوصاً دو خیابان از حرم دورتر می‌شوند، می‌بینند که وضعیت با سایر شهرها تفاوت چندانی ندارد، کما اینکه بدتر هم احتمالاً هست.

شهر مشهد فارغ از وضعیت اجتماعی- فرهنگی که در آن قرار دارد، با متأثر شدن از شبکه‌های جهانی رسانه به شکل جدی و ویژه، تغییرات اجتماعی- فرهنگی خود را متأثر از فضای بیرونی و کلان‌شهر زندگی جلو می‌دهد که برخلاف تصورات غالب زائرینی که به مشهد نیامده‌اند، به شکل کاملاً واضحی تحت تأثیر جریانات جدید مدل و پوشش قرار گرفته است.

۱. مصاحبه با رها محمدی از آبادان، مورخ ۹۸/۰۳/۲۰

۲. مصاحبه با سعید تمنا از شیراز، مورخ ۹۸/۰۷/۲۱

۳. مصاحبه با محسن قائم‌پور از فارس، مورخ ۹۸/۰۷/۲۱



نمودار ۶) مؤلفه‌های مفهوم دینداری

۴-۶- اشاره به ضعف صداقت به عنوان یک بستر فرهنگ سنتی، برخلاف انتظار زائرین

صداقت از آن دست مفاهیمی است که در جوامع و شهرهای امروزی نسبت به جوامع سنتی‌تر به میزان قابل توجهی کاهش پیدا کرده است. از این‌رو، مشهد نیز به عنوان یک کلان‌شهر که از گروه‌ها و اقوام متعددی شکل گرفته است، توانایی بالقوه^۱ آن را دارد تا در این زمینه با کارنامه‌ای بد معرفی شود. اما از آنجا که هر شهر و هر مکان با شبکه‌های فرهنگی و اجتماعی خاص خود مرتبط است و از آن تأثیرپذیر است، پیش از هرگونه قضاوت، باید به میان بستر جامعه رفت و از ناظران اجتماعی که در این مقاله زائران هستند، در این رابطه پرسش نمود. اما همان‌طور که خواهیم دید (نمودار ۷)، وجه اثرگذار دیگری نیز در قضاوت این موضوع نقش‌آفرین است و آن شخص ناظر است که ارزش‌ها، توقعات و پیش‌فرض‌های ذهنی او، در آن دخیل است.

برای مثال وقتی امیرحسین پسر ۲۱ ساله‌ی بابل‌سری که برای بار سوم به مشهد آمده بود،

درباره‌ی ماجرای پرسیدن نشانی از شهروندان مشهودی صحبت می‌کرد و می‌گفت: «وقتی برای رفتن به یکی از مکان‌های دیدنی از یکی از مغازه‌دارها سؤال کردیم، او ما را به سمتی راهنمایی کرد که هنگام رفتن به آن مسیر متوجه شدیم که هم‌چنین مکانی در این منطقه وجود ندارد! همین‌طور در برخی از موارد دیگر که از دیگر شهروندان سؤال می‌کردیم، گاهی نشان‌های غلط به ما می‌دادند»^۱.

عباس جز در سفری که در پنج سالگی با پدر و مادر و پدربزرگ و مادربزرگ خود داشت، تاکنون که در سن ۵۵ سالگی است به مشهد نیامده بود، از مشکلی که برای خودروی او پیش آمده بود می‌گفت: «من این ماشین را حدود یک سال است که خریده بودم و تصمیم گرفتم تا یک سفر زیارتی با آن به مشهد بیایم، اما روز اول سفر ماشین جوش آورد و بعد از نشان دادن آن به مکانیکی، مکانیک به او اطمینان داد که دیگر ماشین مشکلی ندارد، اما بعد از دو روز، دوباره ماشین به همان حالت درآمد»^۲. او معتقد بود که مکانیک مشهودی با او صداقت نداشته و تنها با سنبل‌کاری، خواسته تا پولی از او دریافت کند.

همین‌طور در صحبتی که با رضا، مرد ۴۲ ساله‌ی ساوهای داشتیم، وی می‌گفت: «وقتی برای تولدم، خانواده‌ام کیکی از یکی از شیرینی‌فروشی‌ها تهیه کردند، علی‌رغم تأکید ما بر مسافر بودن‌مان و این‌که کیک تازه می‌خواهیم، بعد از بردن کیک به خانه و خوردن آن، متوجه کهنه بودن آن شدیم و به‌ناچار بعد از گرفتن عکس یادگاری، آن را روانه‌ی سطل زباله کردیم»^۳.

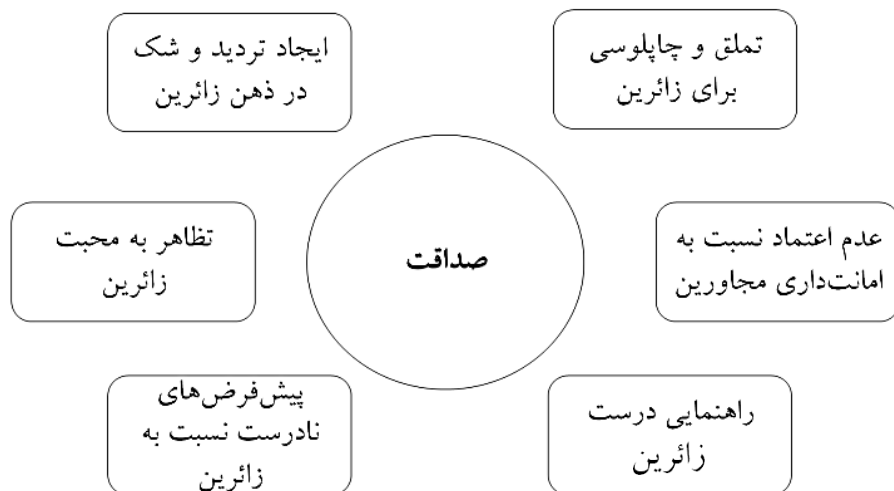
نازنین دختر ۱۷ ساله‌ی اهل اصفهان، در تجربه‌ی خود از سوارشدنش با مادر و پدرش در یک تاکسی می‌گفت: «وقتی برای سر زدن به یکی از بازارچه‌های معروف مشهد، سوار تاکسی شدیم و قرار شد که با تاکسی‌متر کرایه‌ی ما را حساب کند، من که در عقب ماشین کنار مادرم نشسته بودم، داشتم از روی نقشه‌ی موبایل مسیر را بررسی می‌کردم و متوجه شدم که راننده برای افزایش کرایه‌ی خود یک خیابان را دیر دور زد و به‌جای مسیر مستقیم، از مسیر غیرمستقیم رفت. بعد

۱. مصاحبه با امیرحسین صناعی از مازندران، مورخ ۹۸/۰۸/۰۱

۲. مصاحبه با عباس اکبری از مازندران، مورخ ۹۸/۰۹/۱۱

۳. مصاحبه با رضا احمدزاده از استان مرکزی، مورخ ۹۸/۰۳/۲۰

از رسیدن به مقصد موضوع را به پدرم گفتم و او هم به من گفت که تعجبی نکنم از این دست اتفاقات که قابل پیش‌بینی است»^۱. باید اشاره کرد در باره این مفهوم، زائران تقریباً دیدگاه‌های متفاوتی داشتند که می‌توان در یک نمای کلی گفت که حدود یک‌سوم از نمونه‌های مورد بررسی، شهروندان مشهدی را انسان‌های صادقی می‌دانند و مابقی اندکی به آن‌ها شک و تردید داشتند و اغلب به افرادی که با آنان تعامل داشتند، دروغگو خطاب می‌کردند و این را به‌عنوان یک بستر اجتماعی که موقعیت‌ها را می‌سازد فهم می‌کردند.



نمودار (۷) مؤلفه‌های مفهوم صداقت

۶-۵- مهمان‌نوازی به‌مثابه شبکه تعامل خانوادگی

مهمان‌نوازی از ویژگی‌هایی است که برای ایرانیان بسیار ارزشمند است و منصف بودن به آن برای هر قوم و قبیله‌ای موجبات افتخار و سرافرازی را به‌دنبال خواهد داشت. اما این پدیده به خودی خود پدید نمی‌آید و ناظر بر کنش‌ها و مناسبات انسانی یک گروه و جامعه است. شهر مشهد به‌واسطه‌ی شرایط خاصی که دارد، این پدیده را باید از چند جنبه مورد مطالعه قرار داد

۱. مصاحبه با نازنین قاسمی از اصفهان، مورخ ۹۷/۱۱/۲۵

(نمودار ۸). از طرفی، به واسطه‌ی حجم گسترده‌ی زائران و مسافران، ناگزیر میزان دفعاتی که پیش می‌آید تا یک خانواده میهمان یک مشهدی باشد، به مراتب بیش از هر شهر دیگری است و این عامل می‌تواند سببی برای افزایش سطح مهمان‌پذیری در میان مشهدی‌ها باشد. از سوی دیگر، به خاطر میزان بالای منفعتی که این مهمان‌نوازی می‌تواند در صورت دریافت پول داشته باشد، می‌تواند از لذت و کیفیت آن بکاهد. این موضوع با چند گفت‌وگو، بیشتر توضیح داده خواهد شد.

حمیدرضا پسر ۲۵ ساله‌ی اهل بهشهر، از سفری که با خانواده‌ی خود در سال‌های گذشته و در ایام عید داشت، می‌گوید: «عید بود و در یک تصمیم ناگهانی، پدر و مادرم روز اول عید تصمیم گرفتند به مشهد برویم. برادر بزرگم که آشنایی در مشهد داشت، تماس گرفت و فردی که همیشه چند حسینی‌ه برای اجاره داشتن داشت، گفت که در خانه‌ی خود جا دارد. شب که آنجا رفتیم با دریافت شناسنامه‌ها و مبلغی برای هر شب، ما را برای دو روز در یکی از اتاق‌های خانه‌ی خود اسکان داد و ما به شدت تعجب کرده بودیم، چون تا به حال ندیده بودیم کسی برای اسکان فرد دیگر در خانه‌ی خود، از آنها شناسنامه و پول دریافت کند. به هر حال چاره‌ای نبود، عید بود و شلوغی و ناچاری»^۱.

خانم جلالی ۴۵ ساله که خود کاروان‌دار است و همیشه از شهر رشت کاروانی از خانم‌ها برای مشهد می‌آورد، در گفت‌وگویی که با ما داشت، گفت: «در یکی از این سفرها در روز آخر، حال یکی از مسافران ما به شدت وخیم شد و باید دو روزی دیگر در آن شهر می‌ماندیم و از طرفی، قرارداد ما برای آن مسافرخانه‌ای که در آن بودیم، به پایان رسیده بود و یک اتوبوس خانم در انتظار این‌که چه باید کنند تا این‌که صاحب مسافرخانه با تلاش‌های جدی خود، یک حسینی‌ه برای ما تهیه کرد تا بتوانیم دو روز را در آن سر کنیم. آن اتفاق برای ما بسیار حائز اهمیت بود و همیشه در خاطر من باقی مانده است»^۲.

تعداد زیادی از افراد بودند که قیمت‌های بالای خانه‌های اجاره‌ای را دلیل بر عدم مهمان‌نوازی

۱. مصاحبه با حمیدرضا کامکار از مازندران، مورخ ۹۷/۱۲/۰۵

۲. مصاحبه با سمیرا جلالی از تهران، مورخ ۹۸/۰۲/۲۰

مشهدی‌ها و یا مشکلات سر معاملات بازار را به‌عنوان عواملی نام می‌بردند که نمی‌توان مشهدی‌ها را انسان‌هایی مهمان‌نواز دانست.

خانم نصرتی ۳۳ ساله از شهر تهران، در مصاحبه‌ی خود مقایسه‌ای را میان مهمان‌نوازی در مشهد با سفری که در اربعین به کربلا داشت، صورت داد و چنین گفت: «باید بگویم که به هیچ‌وجه نمی‌توان این دو شهر را با هم مقایسه کرد. در سفر اربعین تمام مردم از فقیر و غنی هر چه داشتند، می‌آوردند تا مردم و زائران استفاده کنند و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند. اما متأسفانه این روحیه را به هیچ‌وجه نمی‌توان در مردم مشهد پیدا کرد و دائماً به‌دنبال کسب منافع مادی هستند»^۱.

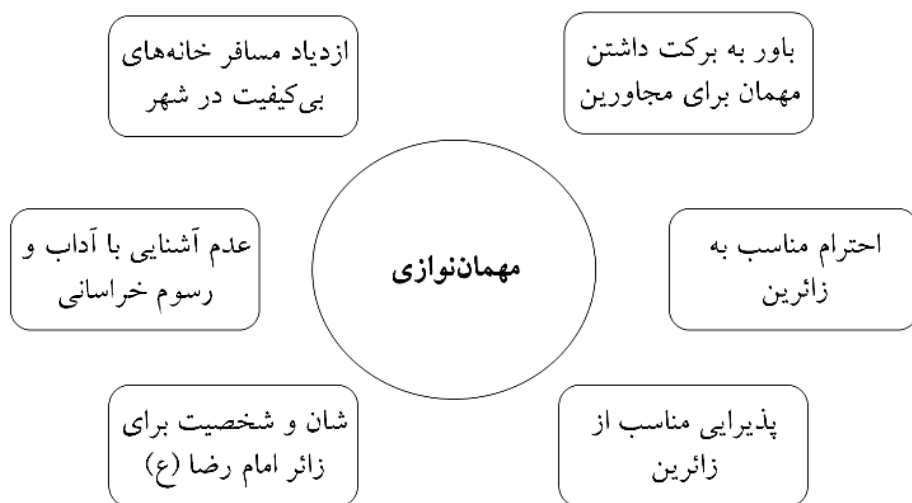
خانم کامیاب ۲۹ ساله نیز که از شهر ایلام به زیارت آمده بود، در مصاحبه‌ی خود به ما گفت: «در ایلام و در ایام اربعین که مسافران از کشورهای افغانستان، پاکستان، هند، بنگلادش و ... می‌آیند، چند روزی را در محله‌ی ما و توسط اهالی و همین‌طور پدر ما مورد پذیرایی قرار می‌گیرند. این‌ها همه به عشق امام حسین (ع) است. اما آن روحیه و آن عشق و محبت را در این شهر نمی‌توانیم ببینیم. واقعاً مردم شهر مشهد به‌خاطر وجود امام رضا (ع) به خیلی مواهب رسیده‌اند و این درست نیست که قدر و منزلت امام رضا (ع) را نمی‌دانند و از زائران آنها نهایت بهره‌کشی را صورت می‌دهند، باید شهرداری‌ها و مدیریت‌های شهری مشهد، به فکر زائران باشند»^۲.

اما جعفر ۳۵ ساله از مازندران که ظاهراً دوهفته‌ای را از زندگی مرخصی گرفته و آمده تا در این شهر به دور از تمام اتفاقات زندگی خود به‌سر برد، درباره‌ی شهر مشهد این‌طور می‌گوید: «نمی‌توان همه را یک‌چشم دید، من در این مدت که اینجا بودم، به همه جور آدمی برخورد کردم و دیدم که در قسمت‌های مختلف، مردم مشهد رفتارهای گوناگونی دارند. اما باید بگویم که در مجموع آنچه را که تصور می‌کردم از شهر مشهد و مشهدی‌ها در سطح انتظارات من نبود، اما این‌گونه هم نیست که بخواهم یک فاجعه ترسیم کنم از این شهر، نه، مانند همه‌ی شهرهای ایران است و دقیقاً بدی‌اش در این هست که مشهد نباید مانند سایر شهرها باشد، هرچی نباشد، اینجا امام رضا (ع) دارد و باید از

۱. مصاحبه با فاطمه نصرتی از تهران، مورخ ۹۸/۰۸/۱۲

۲. مصاحبه با ساناز کامیاب از ایلام، مورخ ۹۷/۱۱/۲۵

سایر شهرهای ایران متفاوت باشد^۱. تجارب افراد در موارد مشابه است که به نکاتی اشاره داشتند که یک شبکه‌ای از تعاملات اجتماعی باید در مشهد صورت بگیرد تا به شکل منظم با دستاوردهای یک گردشگری مناسب در شهر مشهد، روبه‌رو شویم.



نمودار (۸) مؤلفه‌های مفهوم مهمان‌نوازی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه گردشگری به‌عنوان پایه برنامه‌ریزی‌های فرهنگی - اجتماعی یک منطقه است، افزایش و تداوم ورود گردشگران به مناطق مذهبی یکی از اولویت‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در کشور است که این مهم، با شناخت درست از مناطق مذهبی قابل دستیابی است، همان‌طور که بحث شد نگرش به عنوان یک آموزش مطرح است که بخش عمده آن در خانواده صورت می‌گیرد، یا دست‌کم در روابط میان افراد پدید می‌آید. اما ایجاد یک نگرش اغلب در شرایط ویژه، تحقق می‌یابد و هر دانش یا تجربه‌ای به نگرش ختم نمی‌شود. چهار شرط می‌تواند موجب پیدایی یک

۱. مصاحبه با جعفر سهرابی از مازندران، مورخ ۹۷/۱۲/۲۵

نگرش شوند. اولین شرط، تراکم تجربه است که عبارت از سروکار داشتن با موضوعی یا گروهی از اشخاص و تجربیات نزدیک و یا مشابه است.

دومین شرط، مبتنی بر تمایز گذاشتن آن است. یعنی در تجربیات جدیدی که به دست می آید، نگرش مشخصی را از نگرش های نزدیک به آن متمایز می سازد. سومین شرط، بر پایه یک ضربه عاطفی یا یک تجربه غم انگیز (دراماتیک^۱) قرار دارد که شخص یا موضوعی در آن دخیل است. اما آن چیزی که بر شرط چهار استوار است و احتمالاً اهمیت بیشتری هم دارد، این است که باید در اینجا شمار زیادی از نگرش های پذیرفته شده از طریق والدین، دوستان، استادان و غیره را می توان مشخص نمود. با توجه به چارچوب نظری پژوهش، تغییر نگرش می تواند در نتیجه آغاز تغییر در اجزاء سه گانه شناختی^۲ (مثلاً، با اطلاعات تازه)، احساسی^۳ (مثلاً تجارت خوشایند یا ناخوشایند در حضور موضوع نگرش) و یا رفتاری^۴ (مثلاً با تغییر هنجار، یا تحصیل قانونی تغییرات رفتاری) روی دهد. هم چنین می توان با قرار دادن شخص در مقابل یک عمل انجام شده، نگرش وی را تغییر داد. هنگامی که یکی از اجزای سه گانه نگرش تغییر کند، احتمالاً دو جزء دیگر نیز دستخوش دگرگونی می شوند.

تأثیرات فردی و برداشت های شخصی افراد در یک چرخه چندوجهی از سمت منفعت طلبی، دین داری و صداقت به سمت مهمان نوازی در حرکت است. یعنی تمایلات افراد در وجوه معرفت شناختی سوگیری به سمت خانواده پیدا می کند، تقابل های چندگانه شخصی و گاه منفعت طلبانه که آدمی را در یک سوی بهره مندی و عدم بهره مندی قرار می دهد، مورد قضاوت می سازد. به همین دلیل از واژگان چندوجهی در تحلیل استفاده شده است.

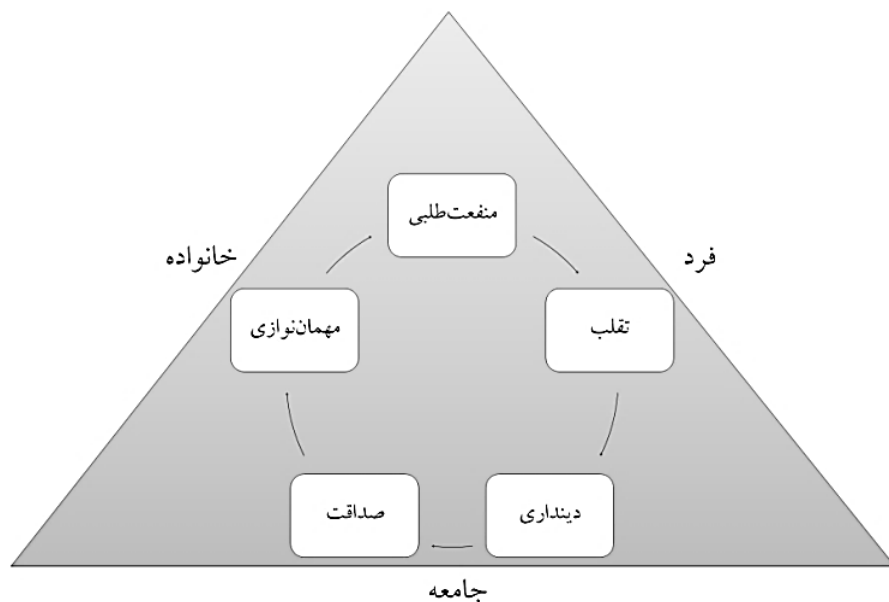
هم چنین در زمینه اجتماعی با محوریت دین داری به شکل متعارف، با شیوع شکل جدیدتری از دین داری را می توانیم با صداقت پیوند دهیم. یعنی تناسب هایی نه در میزان، بلکه در معیارهای دین داری مواجه هستیم. به زبان ساده تر، با الگوهای جدید دین ورزی در قالب صداقت

-
1. Dramatic
 2. Cognitive
 3. Affective
 4. Behavioral

در جامعه مواجه هستیم. افرادی به شکل مؤثر و چندگانه خواستار شفافیت و صداقت در برخوردها هستند که از این جنبه می‌توانیم، یک برداشت جمع‌گرایانه داشته باشیم.

در شکل‌دهی و سامان‌بندی زندگی با محوریت خانواده، به شکل ویژه‌ای به بازگشت‌های معرفتی روبه‌روایم. در سنت مهمان‌نوازی به شکل افراطی‌تری با تعاملات خویشاوندی در قالب تفکرات خودمان مواجه هستیم. در واقع، خاصیت برگشت‌پذیری و سوق پیدا دادن این رویکردها به سمت منفعت‌های فردی به شکل کنونی کمرنگ‌تر شده است و باعث به‌وجود آمدن برداشت‌های یک‌طرفه و گاه شخصی از قومیت (در اینجا مورد مطالعه مشهد قرار دارد) با اهمیت می‌شود که تأثیرات آن را می‌توانیم در همه‌گیری یک برداشت شخصی مشاهده کنیم.

نگرش فرد زائر نسبت به مردم مشهد، اغلب به شکل یک سامانه^۱ عمل می‌کند. در واقع، بازتولید و برآیند تمام تصمیم‌هایی است که در سفر خود می‌خواهد بگیرد. در بعد دوم، برداشت خانوادگی زائران از شهر مشهد به‌عنوان یک عامل چرخه‌ی عمل می‌کند و به بازتولید نکات مثبت مثل مهمان‌نوازی می‌پردازد. البته این عوامل همان‌طور که اشاره شد، در ورطه چرخه‌ی بودن معمولاً عوض می‌شود و نگرش شکل می‌گیرد. میزان برخورد زائران با افراد جامعه مشهد در میران رضایت آنان تأثیر مثبت داشت و به‌عنوان یک رابطه ساختاری عمل می‌نماید که بسترهای معنایی دیگر را تکمیل و بازسازی می‌کند. در واقع، وجود ارتباط مستمر با مردم شهر، زائران به شناخت و درک بهتر جامعه می‌رسند و این درک حاصل مدت زمانی بود که آنان در شهر مشهد بودند. هم‌چنین کنکاش مفهومی که در مورد نگرش زائران انجام شد، نشان داد که نگرش‌های رسانه‌ای ایجاد شده، ابزاری برای بهبود توسعه گردشگری در شهر مشهد است. در واقع، نگرش زائران نسبت به مردم نقش کلیدی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی - اجتماعی دارد که در این زمینه باید به روابط ساختاری، یعنی میزان امکانات و فضا مورد احتیاج به مسافران را مد نظر قرار داد. هم‌چنین باید به رابطه چرخشی، یعنی رسانه‌ای کردن برخی از آداب و رسوم منطقه خراسان رضوی پرداخت و روابط چندعدلتی، یعنی هم‌افزایی دلایل را با هم باید مورد توجه قرار داد.



نمودار ۹) دیاگرام نگرش زائران آستان قدس رضوی

شرایط اجتماعی (موقعیت خانوادگی) زائران در نگرش و رفتار با مردم تأثیرگذار است و حتی در نحوه (اشکال) حضور افراد و بازدید آنان از شهر مشهد مؤثر بوده است. دیدگاه فردی زائران، احساس رضایت‌مندی از سفر را تقویت می‌کند. از دیدگاه خانواده، زائران می‌توانند آسودگی خاطر سفر را تجربه کنند و این عامل با عامل فضایی-اجتماعی در ارتباط مستقیم است. یعنی توسعه گردشگری شهرهای مذهبی در گرو آسودگی محل سکونت آنان مورد توجه قرار می‌گیرد.

منابع

- پوررجبی، میلاد (۱۳۹۷). "نقش مدیریت محیط زیست شهری بر ترویج صنعت گردشگری (مورد مطالعه: شهرستان صومعه سرا، استان گیلان)". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین کنفرانس بین‌المللی جامعه و محیط زیست. تهران: دانشگاه تهران: ۱۷۸-۱۹۶.
- پوررجبی، میلاد؛ مجدی، علی اکبر (۱۳۹۸). "عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی در مناطق حاشیه‌نشین شهر مشهد". *مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان*، دوره ۱۳، ش ۴ (پاییز): ۳۵-۶۰.
- پوررجبی، میلاد؛ میرزایی، حسین؛ یداللهی‌زاده، محمدجواد (۱۳۹۸). "راهبردهای برنامه‌ریزی صنایع فرهنگی بومی؛ رویکردها، اصول و الگو". *فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی*، دوره ۳۲، ش ۸ (زمستان): ۹۷-۱۲۵.
- قبادی، علیرضا؛ پوررجبی، میلاد (۱۳۹۷). "نقش مدیریت شهری بر توسعه صنعت گردشگری شهر صومعه سرا". *فصلنامه توسعه پایدار محیط جغرافیایی*، دوره ۱، ش ۲ (بهار): ۶۸-۸۴.
- کشاورز، رضا؛ دلبری، سیدمهدی (۱۳۹۶). "مطالعه تأثیرات فرهنگی و اجتماعی زیارت امام رضا (ع) در تبادل و ارتقای فرهنگی جوامع مسلمان". *فصلنامه فرهنگ رضوی*، دوره ۲۶، ش ۱۸ (زمستان): ۳۷-۶۲.
- نودهی، فرامرز، و دیگران (۱۳۹۴). "فراسوی دوگانه زائر-گردشگر؛ گونه‌شناسی تجربه سفر زائران مرقد منور امام رضا (ع)". *فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی*، دوره ۲۶، ش ۱۵ (بهار): ۱۹۳-۲۱۸.
- Adongo, C. A.; Taale, F.; Adam, I. (2018). "Tourists' values and empathic attitude toward sustainable development in tourism". *Ecological Economics*, Vol. 14, No. 1: 251-263.
- Ambroz, M. (2008). "attitudes of local residents towards the development Of tourism In slovenia: The case of the primorska, dolensjska, gorenjska and ljubljana regions". *Anthropological Notebooks*, Vol. 14, No. 1: 63-79.
- Bender, M. Y.; et al. (2009). "Local residents' attitudes toward potential tourism development: the case of Ansted". *Tourism economics*, Vol. 42, No. 3: 85-94.
- Brida, J. G.; Nogare, C. D.; Scuderi, R. (2017). "Learning at the museum: Factors influencing visit length". *Tourism Economics*, Vol. 23, No. 2: 281-294.
- Chen, C. F.; Chen, F. S. (2010). "Experience quality, perceived value, satisfaction and behavioral intentions for heritage tourists". *Tourism Management*, Vol. 31, No.

129:19-35.

- Corbin, J.; Strauss, A. (2008). "Basics of qualitative research development". *Journal of Ann. Tour. Res*, Vol. 57, No. 2: 234-278.
- Evrim, Ü. (2013). "Urban tourism promotion: What makes the difference". *Journal of Social Sciences*, Vol. 1, No. 5: 17-27.
- Huang, Z.; Miao, L. (2016). "Illegitimate customer complaining behavior in hospitality service encounters: A frontline employee perspective". *Journal of Hospitality & Tourism Research*, Vol. 40, No. 6: 655-684.
- Jucan, C. N.; Jucan, M. S. (2013). "Travel and tourism as a driver of economic recovery". *Procedia Economics and Finance*, Vol. 6, No. 1: 81-88.
- Kim, J. E.; Pennington-Gray, L. (2003). "Perceptions of tourism development: the case of Micanopy, Florida." *Tourism Management*, Vol. 12, No. 2: 170-176.
- Meleddu, M.; Paci, R.; Pulina, M. (2015). "Repeated behaviour and destination loyalty". *Tourism Management*, Vol. 50, No. 1: 159-171.
- Merriam, S. B. (1998). "Qualitative research and case study applications in education. Revised and expanded from" Case study research in education." *Jossey-Bass publishers Management*, Vol. 42, No. 4: 169-171.
- Mohammadi, M.; khalifah, Z. (2010). "Local people perceptions toward social, Economic and environmental impacts of tourism in Kermanshah (Iran) ". *Asian social science*, Vol. 6, No. 11: 220-235.
- Monterrubio, J. C.; Bello, A. (2011). "Local community attitudes towards the impact of tourism on prostitution". *Journal of Tourism*, Vol. 12, No. 4: 13-20.
- Murphy Peter, E. (1985). *Tourism: A community approach*. London: routledge.
- Ndivo, R. M.; cantoni, L. (2016). "Rethinking local community involvement in tourism development". *Annals of tourism research*, Vol. 6, No. 7: 275-278.
- Pisonero, R. D. (2011). "Actuation and promotion mechanisms of urban tourism: The case of seville (Spain)". *Turizam*, Vol. 15, No. 1: 26 - 39.
- Popescu, R. I.; Corbos, R. A. (2010). "The role of urban tourism in the strategical development of brasov area". *Theoretical and empirical researches in urban Management*, Vol. 7, No. 16: 69-85.
- Pourrajabi, M.; Asgharpour Masouleh, A. (2019). "The meaning of money among young students: A phenomenological study". *Sociological studies of youth*, Vol. 10, No. 33: 93-106.
- Rastegar, H. (2009). "Tourism development and residents' attitude: A case study of Yazd". *Journal of tourism*, Vol. 5, No. 2: 203-211.
- Ryu, J. S.; L'Esper Decosta, J. N. P.; Andéhn, M. (2016). "From branded exports to traveler imports: Building destination image on the factory floor in South Korea". *Tourism Management*, Vol. 52, No. 1: 298-309.

- Sanchez, A. V.; Amp, O. (2009). "Residents attitudes towards tourism development in the spanish province of Huelva". *Narodnostopanski Arhiv*, Vol. 12, No. 34: 31-63.
- Scott, N.; Cooper, C. (2010). "Innovation for sustainable urban tourism: Some thoughts on best practice". *Revista de administração pública*, Vol. 44, No. 5:1171-1190.
- Shank, G. D. (2006). *Qualitative research: A personal skills approach*. New jersey: Pearson merrill prentice hall.
- Teye, V.; Sirakaya, E.; Sönmez, S. F. (2002). "Residents' attitudes toward tourism development". *Annals of tourism research*, Vol. 29, No. 3: 668-688.
- Yasong, W.; Robert, E. P. (2008). "Residents' Attitudes toward tourism and perceived personal benefits in a rural community". *Journal of Travel Research*, Vol. 12, No. 2: 131-211.
- Wang, Y.; Pfister, R. E.; Morais, D. B. (2006). "Residents' attitudes toward tourism development: a case study of washington". *Tourism Management*, Vol. 23, No. 4: 411-418.

تحلیل رابطه خودکارآمدی و نشاط کاری با نقش میانجی امیدواری در معلمان مقطع ابتدایی شهر بیرجند^۱

حسین خسروی^۲

هادی پورشافعی^۳

فاطمه طاهرپور^۴

نوع مقاله: علمی-ترویجی

شماره صفحه: ۶۵-۸۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۱۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش خودکارآمدی در نشاط کاری با میانجی گری امیدواری معلمان انجام گرفته است. روش پژوهش توصیفی همبستگی و جامعه آماری شامل معلمان مقطع ابتدایی شهر بیرجند در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ به تعداد ۱۵۰۰ نفر بودند که با استفاده از نمونه گیری طبقه ای (برخورداری و جنسیت)، تعداد ۳۰۶ نفر انتخاب گردید. برای سنجش متغیر خودکارآمدی و امیدواری از پرسشنامه لوتانز (۲۰۰۷) و نشاط کاری از پرسشنامه شایروم (۲۰۰۴) استفاده گردید. ضریب پایایی پرسشنامه ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی و برای خودکارآمدی ۰/۸۴، امیدواری ۰/۸۴ و نشاط کاری ۰/۹۱ برآورد گردید. تجزیه و تحلیل داده ها در سطح توصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و سطح استنباطی (همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس، رگرسیون و الگویابی معادلات ساختاری) انجام گرفت. نتایج حاکی از آن بود که خودکارآمدی با

۱. این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «نقش سرمایه روان شناختی در رفتار نوآورانه با توجه به میانجی نشاط کاری معلمان ابتدایی شهر بیرجند» می باشد.

H.khosravyb@birjand.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی دانشگاه بیرجند، نویسنده مسئول

Hpourshafei@birjand.ac.ir

۳. دانشیار مدیریت آموزشی پردیس علوم رفتاری دانشگاه بیرجند

Fateme.taherpour@birjand.ac.ir

۴. استادیار مدیریت آموزشی پردیس علوم رفتاری دانشگاه بیرجند

میزان $Beta=0/55$ پیش‌بینی کننده نشاط کاری و با $Beta=0/73$ پیش‌بینی کننده امیدواری است. هم‌چنین امیدواری با $Beta=0/68$ پیش‌بینی کننده نشاط کاری معلمان ابتدایی شهر بیرجند می‌باشد. یافته‌ها نشان داد که امیدواری نقش میانجی بین خودکارآمدی و نشاط کاری ایفاء می‌کند و مدل پژوهش از برازش خوبی برخوردار بود.

واژگان کلیدی: خودکارآمدی، نشاط کاری، امیدواری، معلمان مقطع ابتدایی شهر بیرجند

بیان مسأله

نشاط یکی از نیازهای اولیه فطری و ضروری انسان به‌شمار می‌آید و می‌توان آن را از مهمترین عوامل سلامت خانواده و جامعه به‌حساب آورد. اسلام دین فطرت است و به تمام نیازهای طبیعی و فطری انسان توجه کامل دارد. از این‌رو، به نشاط و شادی و شاد زیستن توصیه نموده و آن را امری ضروری برای حرکت به‌سوی کمال می‌داند. اگر روح با نشاط و قوی باشد، می‌تواند در جسم هم تسری کند. روح امید و تلاش و پیشرفت در پرتو یک زندگی شاد و با نشاط است (فرحزاد، ۱۳۹۲: ۱۱).

احساس نشاط، جنبه مثبت هیجان است که تحرک، فعالیت، خلاقیت و خوش‌بینی را به‌دنبال می‌آورد (رضایی، ۱۳۸۶: ۱۷). نشاط کاری جذب کار شدن به معنای تمرکز زیاد در کار و غرق شدن است، به‌طوری که زمان برای فرد به‌سرعت سپری می‌شود و جدا شدن از آن برایش مشکل است (Baker, Demerouti & Schaufeli, 2005: 667، نقل در حق‌گویان و محمدی حسینی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۶۵).

مفهوم نشاط و سه بُعد آن، مفهوم نویی از درگیر شدن در کار است که پرانرژی بودن در سه بُعد شناختی، عاطفی و جسمانی را نشان می‌دهد. بُعد جسمانی به فیزیک بدن، بُعد فکری به ذهن آدمی و بُعد احساسی به روان مربوط است. نشاط جسمانی، احساس مثبت داشتن نسبت به کار، باعث سلامت جسمی بهتر و موفقیت می‌شود. انرژی عاطفی، شور و شوق و نیرویی است که در جریان کنش متقابل و رویارویی‌های اجتماعی است. سرزندگی به‌عنوان تجارب درونی سرشار از انرژی و زندگی است (حق‌گویان و محمدی حسینی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۶۶).

روان‌شناسان، عقیده دارند که شادی و آرامش روحی در خلاقیت اندیشه، نقش به‌سزایی دارند (فدایی کیوانی و الماسی، ۱۳۹۶: ۴)؛ بنابراین، نشاط کاری در معلمان باعث خلاقیت آنان و به‌کارگیری شیوه‌ها و اندیشه‌های نو در آموزش می‌شود و این امر یادگیری با کیفیت‌تر دانش‌آموزان و رضایت خاطر و در نهایت موفقیت دانش‌آموزان و جامعه را در پی خواهد داشت. نشاط فقط یک احساس خوب نیست، بلکه برای موفقیت هم سودمند است. افراد با نشاط به‌طور متوسط کارکنان بهتری هستند، دوستان بیشتر و صمیمی‌تری دارند، از سلامت بهتری برخوردارند، عمر طولانی‌تری دارند و بیشتر به دیگران اعتماد و کمک می‌کنند. افراد شاد نیز نگرش‌های مسالمت‌آمیزتر و مشارکت‌جویانه‌تری دارند (دنیر، ۱۳۹۱: ۴۵). یک محیط کاری بانشاط، باعث تشویق، شروع و پشتیبانی از انواع فعالیت‌های لذت‌بخش می‌شود که به‌طور مثبت بر روی نگرش و بهره‌وری افراد و گروه‌ها تأثیر می‌گذارد (فدایی کیوانی و الماسی، ۱۳۹۶: ۴). یک شخص بانشاط و سالم، نیازهای جسمی و روحی خود را به رسمیت می‌شناسد و در یک رابطه، به‌طور صحیح برخورد می‌کند و دنباله‌رو ارتباط با دیگران نیست. به‌عبارت دیگر، می‌تواند مستقل عمل کند. فردی که از نشاط کاری بیشتری برخوردار است، آرامش و احساس امنیت بیشتر، تصمیم‌گیری راحت‌تر، میزان کار مطلوب و مشارکت بیشتر، زندگی سالم و پرانرژی و در نهایت زندگی رضایت‌مندانه‌ای دارد (Pressman & cohen, 2005: 945، نقل در شیخ‌الاسلامی، نجاتی و احمدی، ۱۳۹۰: ۴۳)؛ بنابراین، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که نشاط باعث ایجاد حس توانمندی و خودکارآمدی در افراد می‌شود.

چنانچه معلمان در خود احساس توانایی نداشته باشند، باعث افسردگی آنان می‌شود و از داشتن نشاط در محیط مدرسه محروم می‌شوند. داشتن خودکارآمدی برای معلمان، اطمینانی در آنان ایجاد می‌کند تا بتوانند از پس موقعیت‌های دشوار برآیند. افرادی که به نحو خوبی عمل می‌کنند، درباره خود احساس خوبی پیدا می‌کنند و عملکرد آنها بهتر می‌شود. افزایش خودکارآمدی به معنای افکار خودخواهانه و نادیده گرفتن نیازهای دیگران نیست. درست برعکس، تعادل بین خود و دیگران نشان دهنده قدرتمندی توانمندی است (بازارت، ۱۳۸۸: ۵۵).

خودکارآمدی به باورها یا قضاوت‌های فرد به توانایی‌های خود در انجام وظایف، تکالیف و مسؤولیت‌ها اشاره دارد (Bandura, 1997:193). خودکارآمدی، داشتن باور به توانایی انجام کار

در موقعیت‌های مختلف شغلی اشاره دارد (عبداللهی و نوه‌ابراهیم، ۱۳۸۵: ۶۶). خودکارآمدی، اعتماد انفرادی در توانایی بسیج انگیزه، دانستن منابع و مسیر دستیابی عمل در سطح کارایی است (7: Timo, et al. 2016).

خودکارآمدی، نفوذ انگیزه در جنبه‌های مثبت و منفی و عامل درونی هدایت افراد و به‌طور مؤثر اجرای متفاوت وظایف و نقش‌ها در زندگی آنهاست (Fedai cavus & Ayse, 2015: 246) فرهادی و دیگران (۱۳۸۴: ۵۷) در پژوهشی میزان نشاط و ارتباط آن با اعتماد به نفس را بررسی کردند که نتایج نشان داد، اجرای برنامه‌های پیش‌گیرانه و درمانی به منظور بالابردن سطح نشاط در بین دانشجویان می‌تواند به بهبود سطح بهداشت روانی و در نهایت بالابردن عملکرد تحصیلی دانشجویان کمک نماید.

شعبانی، بلوکی و مام‌شریفی (۱۳۹۱: ۹۳) در پژوهشی به بررسی روابط خودکارآمدی، حمایت اجتماعی و خوش‌بینی در پیش‌بینی‌کنندگی بهزیستی ذهنی جهت تدوین مدل ساختاری در دانشجویان پرداختند که نتایج بیانگر آن بود که خودکارآمدی و خوش‌بینی و حمایت اجتماعی مطلوب بر شادکامی اثر معنی‌دار دارد. هم‌چنین متغیرهای خودکارآمدی و خوش‌بینی بر شادکامی اثر مستقیم و معنی‌دار نشان داد.

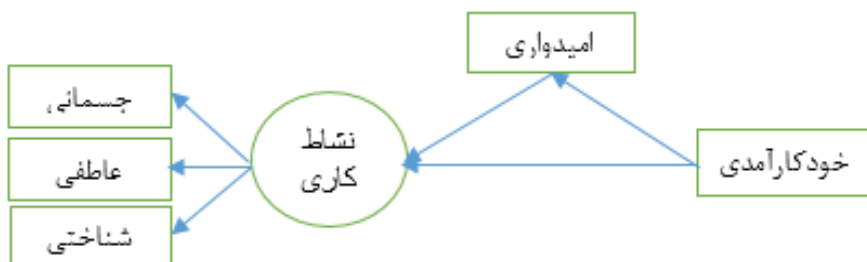
یکی از متغیرهایی که رابطه نزدیکی با نشاط دارد، امید است. امید، انعطاف‌پذیری و نشاط می‌دهد و باعث افزایش رضایت از زندگی می‌شود. مطالعه قاسمی، عابدی و باغبان (۱۳۸۸: ۱۷) نشان دهنده این بود که آموزش امید، منجر به افزایش شادکامی می‌گردد.

امید، از ویژگی‌هایی است که افراد را به تلاش برای آینده‌ای بهتر وادار می‌کند. امید، دلیل زندگی است و این تفکر را در پی دارد که می‌توان آینده را پیش‌بینی و کنترل کرد.

علی‌پور و اعراب‌شیبانی (۱۳۹۰: ۶۵) در بررسی رابطه امیدواری و شادکامی با رضایت شغلی معلمان نشان دادند که هر دو متغیر امیدواری و شادکامی، علاوه بر آن که با هم رابطه مثبت و معنی‌دار دارند، هر دو با مؤلفه رضایت شغلی رابطه دارند. به‌طوری که معلمانی که امیدواری و شادکامی بیشتری دارند، نمره رضایت شغلی بالاتری هم دارند. هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۸۹: ۳۳) در پژوهشی با عنوان بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، به این نتیجه دست یافتند که امید به

آینده، مهمترین متغیر تأثیرگذار بر شادکامی اجتماعی با بیشترین ضریب همبستگی می باشد. نتایج پژوهش حسینی، سروقد و برزگر (۱۳۹۰) که در مورد نقش میانجی گری امیدواری در رابطه بین خودکارآمدی و سلامت روان معلمان ابتدایی است، نتایج نشان داد که خودکارآمدی و امیدواری معلمان زن و مرد، با هم قادر به پیش بینی سلامت روان هستند. هم چنین امیدواری می تواند نقش میانجی گری را بین خودکارآمدی و سلامت روان ایفاء کند.

مبانی نظری و پژوهش های ذکر شده، نشان دهنده ارتباط متغیرهای مذکور می باشد، اما هیچ کدام از پژوهش ها این سه متغیر را با همدیگر مورد تحلیل قرار نداده اند و نقش میانجی در پژوهش ها، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مفهوم خودکارآمدی این است که افراد به احتمال زیاد، بیشتر درگیر فعالیت هایی می شوند که در آن به توانایی خود اعتماد دارند. از طرفی، می توان گفت افراد در راستای باورهای اولیه خود عمل می کنند. خودکارآمدی به عنوان یک واسطه بین ویژگی ها، نگرش، دیدگاه و تبدیل آنها به رفتار و عمل، ایفای نقش می کند؛ بنابراین، خودکارآمدی می تواند پیش بینی کننده نشاط کاری باشد. نشاطی که افراد خود جذب کار شده و بی هدفی و کسالت در آن محیط معنایی ندارد. افرادی که در زندگی خود امید نداشته باشند، زندگی برای آنها پوچ و بی معناست و انگیزه ای برای حرکت نخواهند داشت. از این رو، محقق در صدد بررسی رابطه خودکارآمدی در نشاط کاری معلمان ابتدایی شهر بیرجند با میانجی گری امیدواری می باشد. با توجه به مطالب مذکور، مدل پژوهش در نمودار ۱ ترسیم شده است.



نمودار ۱) مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

از آنجایی که هدف تحقیق بررسی نقش خودکارآمدی در نشاط کاری با میانجی امیدواری معلمان بود، با توجه به نحوه گردآوری داده‌ها در ذیل طرح‌های توصیفی و از نوع همبستگی^۱ بود. جامعه آماری شامل معلمان مقطع ابتدایی شهر بیرجند در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ و شامل ۱۵۰۰ نفر بودند. حجم نمونه براساس جدول مورگان ۳۰۶ نفر برآورد گردید که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای (جنسیت و برخورداری) چندمرحله‌ای، ابتدا شهر بیرجند به چهار منطقه تقسیم و از هر منطقه مدارس به تفکیک جنسیت انتخاب و تمامی معلمان آن مدرسه در پژوهش شرکت داده شدند. به دلیل احتمال ریزش، تعداد ۳۵۰ نفر به عنوان افراد نمونه انتخاب و تعداد ۳۳۰ پرسشنامه جمع آوری و از این تعداد، ۲۹۴ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (همبستگی، رگرسیون و تحلیل مسیر) و تحلیل معادلات ساختاری و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار Amos23 و Spss18 استفاده شده است.

الف) پرسشنامه لوتانز^۲

از این پرسشنامه برای سنجش امید و خودکارآمدی استفاده شد. شامل ۱۲ سؤال است که هر خرده‌مقیاس شامل شش گویه است و آزمودنی به هر گویه در مقیاس شش درجه‌ای (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) لیکرت پاسخ دادند. سؤالات از ۱-۶ نمره‌گذاری می‌شود. محبی نورالدین‌وند، شهنی ییلاق و پاشاشریفی (۱۳۹۳: ۶۸) در پژوهشی، روایی پرسشنامه را با استفاده از روایی سازه و هم‌چنین با استفاده از روش تحلیل عامل تأییدی محاسبه کردند. در این پژوهش، آلفای کرونباخ برای خودکارآمدی ۰/۷۵ و برای امید ۰/۷۰ به دست آمد.

ب) پرسشنامه نشاط کاری

برای سنجش نشاط کاری کارکنان، از پرسشنامه نشاط در محیط کار شایروم^۱ (۲۰۰۴) استفاده شد. این پرسشنامه ۱۱ سؤال، سه مؤلفه قدرت جسمانی، انرژی عاطفی و سرزندگی شناختی را می‌سنجد. در این پرسشنامه از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافق-کاملاً مخالف) استفاده شده است. نحوه نمره‌گذاری سؤال‌ها از ۱-۵ است. سؤالات ۱-۴ مؤلفه جسمانی، ۵-۸ عاطفی و ۹-۱۱ سرزندگی را می‌سنجند. حق‌گویان و محمدی حسینی‌نژاد (۱۳۹۰: ۸۱) روایی آن را مورد آزمایش و روایی از نوع صوری و محتوایی آن را مورد تأیید قرار دادند و روایی سازه پرسشنامه نیز با استفاده از روش تحلیل عامل تأییدی محاسبه شد. هم‌چنین آلفای کرونباخ برای ابعاد پرسشنامه نشاط را محاسبه کردند که قدرت جسمانی ۰/۸۴، انرژی عاطفی ۰/۷۸ و سرزندگی شناختی ۰/۸۲ به‌دست آمد که مبین پایایی پرسشنامه است و مقدار پایایی کلی آن نیز براساس آلفای کرونباخ، مقدار ۰/۷۰ به‌دست آمد که مورد تأیید است. لازم به ذکر است در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به‌دست آمد.

یافته‌های توصیفی

این پژوهش در جمع معلمان ابتدایی شهر بیرجند انجام گرفت که آمار توصیفی پژوهش در جدول ۱ ذکر شده است.

جدول (۱) آمار توصیفی پژوهش

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۱۰۲	۳۴/۷
زن	۱۹۲	۶۵/۳

یافته‌های استنباطی

نرمال بودن داده‌ها: برای تعیین توزیع جامعه از شاخص‌های چولگی و کشیدگی استفاده گردید و تمامی متغیرها در محدوده (۲- و ۲+) قرار داشتند و هم‌چنین از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد.

ماتریس همبستگی متغیرهای مذکور در جدول ۲ بیان گردیده است.

جدول ۲) ماتریس همبستگی

متغیر	سرزندگی	نشاط عاطفی	نشاط جسمانی	امید	خودکارآمدی
خودکارآمدی	۰/۴۶۲**	۰/۴۶۰**	۰/۵۱۹**	۰/۷۳۰**	۱
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	
امید	۰/۵۳۴**	۰/۵۸۹**	۰/۶۶۱**	۱	
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
نشاط جسمانی	۰/۶۶۴**	۰/۶۵۳**	۱		
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰			
نشاط عاطفی	۰/۵۷۴**	۱			
	۰/۰۰۰				
سرزندگی	۱				

نتایج جدول ۲، همبستگی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که خودکارآمدی و امید، بیشترین همبستگی و خودکارآمدی و نشاط جسمانی، کمترین همبستگی را دارند.

فرضیه ۱) خودکارآمدی پیش‌بینی کننده نشاط کاری معلمان ابتدایی شهر بیرجند است.

جدول ۳) سرمایه خودکارآمدی پیش‌بینی نشاط کاری

متغیرهای پیش‌بین	B	SE	Beta	t	p
مقدار ثابت	۱/۷۸	۰/۲۱		۸/۴۵	۰/۰۱
نشاط کاری	۰/۴۶	۰/۰۴	۰/۵۵	۱۱/۰۷	۰/۰۱
جسمانی	۰/۴۹	۰/۰۴	۰/۵۱	۱۰/۰۹	۰/۰۱
عاطفی	۰/۴۲	۰/۰۴	۰/۴۶	۸/۶۱	۰/۰۱
سرزندگی	۰/۴۷	۰/۰۵	۰/۴۶	۸/۶۵	۰/۰۱
نکته	R:۰/۵۵		R2:۰/۳۰		ADJ.R2:۰/۳۰

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که با توجه به این که ضریب تعیین اصلاح شده برابر با $0/30$ می باشد، خودکارآمدی حدود 30% واریانس مربوط به نشاط کاری را پیش بینی می کند. همچنین با توجه به میزان $P\text{-value}=0/01$ خودکارآمدی، نشاط کاری را پیش بینی می کند. با افزایش یک انحراف استاندارد در خودکارآمدی، نمره نشاط کاری $0/55$ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. از طرفی، در بین مؤلفه های نشاط کاری، نشاط جسمانی $B=0/51$ بیشترین قدرت پیش بینی را دارد.

فرضیه ۲) امیدواری پیش بینی کننده نشاط کاری معلمان ابتدایی شهر بیرجند است.

جدول ۴) امیدواری پیش بینی کننده نشاط کاری

متغیرهای پیش-بین	B	SE	Beta	T	P
مقدار ثابت	1/17	0/18		6/31	0/000
نشاط کاری	0/58	0/03	0/68	15/80	0/01
جسمانی	0/65	0/04	0/66	14/64	0/01
عاطفی	0/55	0/04	0/58	12/11	0/01
سرزندگی	0/55	0/05	0/53	10/47	0/01
نکته	R: 0/67	R2: 0/47	ADJ.R2: 0/47		

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که با توجه به این که ضریب تعیین اصلاح شده برابر با $0/47$ می باشد، امیدواری حدود 47% واریانس مربوط به نشاط کاری را پیش بینی می کند. همچنین با توجه به میزان $P\text{-value}=0/01$ امیدواری، نشاط کاری را پیش بینی می کند. با افزایش یک انحراف استاندارد در امیدواری، نمره نشاط کاری $0/68$ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. از طرفی، در بین مؤلفه های نشاط کاری، نشاط جسمانی با $B=0/66$ بیشترین قدرت پیش بینی را دارد.

فرضیه ۳) خودکارآمدی، پیش بینی کننده امیدواری معلمان ابتدایی شهر بیرجند است.

جدول ۵) خودکارآمدی پیش‌بینی کننده امیدواری

متغیرهای پیش‌بین	B	SE	Beta	T	P
مقدار ثابت	۱/۳۹	۰/۲۰		۶/۸۸	۰/۰۰۰
امیدواری	۰/۷۱	۰/۰۴	۰/۷۳	۱۷/۲۲	۰/۰۱
نکته	R: ۰/۷۳		R2: ۰/۵۳		ADJ.R2: ۰/۵۳

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که با توجه به این که ضریب تعیین اصلاح شده برابر با ۰/۵۳ می‌باشد، خودکارآمدی حدود ۵۳٪ واریانس مربوط به امیدواری را پیش‌بینی می‌کند. هم‌چنین با توجه به میزان $P\text{-value}=0/01$ خودکارآمدی، امیدواری را پیش‌بینی می‌کند. از طرفی، با افزایش یک انحراف استاندارد در خودکارآمدی، نمره امیدواری ۰/۷۳ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

فرضیه ۴) امیدواری بین خودکارآمدی و نشاط کاری نقش میانجی ایفاء می‌کند.

برای بررسی فرضیه فوق، آزمون سوبل^۱ به عمل آمد و نتایج به شرح جدول ۶ می‌باشد.

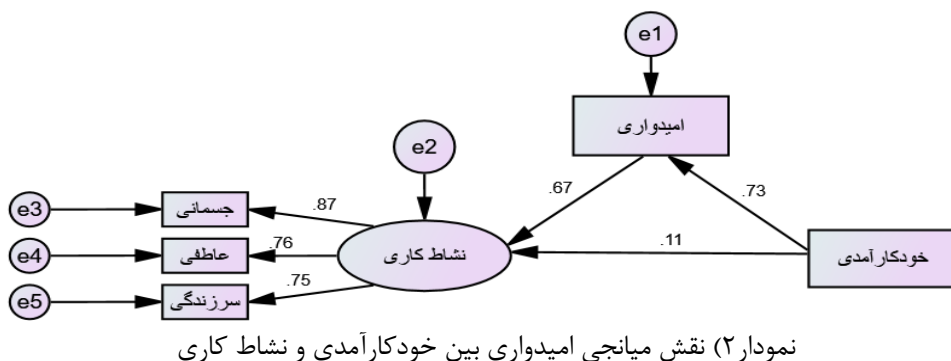
جدول ۶) آزمون سوبل نقش میانجی امیدواری بین خودکارآمدی و نشاط

A	B	s_a	s_b	Sobel test	std	P-value
۰/۷۱	۰/۵۲	۰/۰۴	۰/۰۵	۸/۹۷	۰/۰۴	۰/۰۰۱

جدول آزمون سوبل در سنجش مسیر غیر مستقیم امیدواری، خودکارآمدی و نشاط کاری نشان داد که نتایج با توجه به مقدار بالای $\text{Sobel test}=8/97$ و $P\text{-value}=0/001$ نشان از رابطه میانجی امیدواری دارد.

فرضیه ۵) مدل پژوهش مبتنی بر خودکارآمدی پیش‌بینی نشاط کاری با میانجی امیدواری از برازش لازم برخوردار است.

برای بررسی فرضیه فوق، از نرم افزار آموس استفاده گردید و نتایج در نمودار ۲ ذکر شده است.



نتایج معادلات ساختاری در نمودار ۲ نشان می‌دهد خودکارآمدی $0/73$ امیدواری، امیدواری $0/67$ نشاط کاری و خودکارآمدی $0/11$ نشاط کاری را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۷) برازش الگوی خودکارآمدی، نشاط و امیدواری

Gfi	CFI	NFI	RMSEA	χ^2	DF	χ^2 / df	p-value
$0/994$	$1/00$	$0/99$	$0/013$	$4/175$	۴	$1/04$	$0/383$

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که شاخص خطای تقریب RMSEA در دامنه بین صفر تا $0/08$ قرار دارد و به صفر نزدیک است. هم‌چنین مقدار p-value برابر با $0/383$ و بالاتر از $0/05$ است؛ بنابراین، مدل پژوهش با داده‌های جمع‌آوری شده از برازش لازم برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

در دنیای رقابتی کنونی و درگیری کاری و ذهنی افراد به‌دلیل مشکلات عدیده‌ای که با برطرف نشدن خواسته‌های معلمان که با آن روبه‌رو هستند، نیاز به انرژی درونی دارند که بتوانند بر این مشکلات فائق بیایند. شاید بتوان این انرژی درونی را از طریق نشاط کاری در افراد تقویت کرد. زندگی یکنواخت و فشارهای کاری، خستگی و ملال روحی به‌دنبال دارد، پس نشاط کاری به‌عنوان یک امر، ضروری است. درک موضوع که چه عاملی باعث شکل‌گیری نشاط کاری در معلمان می‌شود، کمک شایانی در هدایت و افزایش این‌گونه رفتارها می‌کند (خسروی و عسکری، ۱۳۹۷).

در متن مقاله، درباره مبانی نظری نشاط کاری بحث گردید. لذا باید مورد پژوهش قرار بگیرد که چه عواملی در نشاط کاری معلمان - که نقش تعیین کننده‌ای در آینده کشور که از طریق آموزش به دانش‌آموزان ایفاء می‌کنند - نقش دارد. یکی از این عوامل می‌تواند خودکارآمدی یا همان اعتماد به نفس باشد. نتایج این پژوهش در فرضیه ۱ نشان می‌دهد با توجه به این که ضریب تعیین اصلاح شده برابر با 0.30 می‌باشد، خودکارآمدی حدود 30% واریانس مربوط به نشاط کاری را پیش‌بینی می‌کند. همچنین با توجه به میزان $P\text{-value} = 0.01$ خودکارآمدی، نشاط کاری را پیش‌بینی می‌کند. با افزایش یک انحراف استاندارد در خودکارآمدی، نمره نشاط کاری 0.55 انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. نتایج این پژوهش در راستای پژوهش‌های فرهادی و دیگران ($1384: 57$)، جلیلی و فروزان (1394)، میرحیدری و دیگران ($1391: 139$) و شعبانی، بلوکی و مام‌شریفی ($1391: 93$) که خودکارآمدی پیش‌بینی کننده نشاط کاری و اشتیاق کاری است، می‌باشد. خودکارآمدی عامل درونی هدایت افراد و به‌طور مؤثر اجرای متفاوت وظایف و نقش‌ها در زندگی آنها می‌تواند باشد (Fedai cavus, & Ayse, 2015: 248). مردم میزان اعتماد خود را به هنگام انجام یک عمل از طریق حالت عاطفی‌ای که تجربه می‌کنند، می‌سنجند. واکنش‌های عاطفی منفی، هم‌چون اضطراب، فشار عصبی و ترس می‌تواند دیدگاه‌های مرتبط با خودکارآمدی را تنزل دهد (Serap Kurbanoglou, 2003: 637). خودکارآمدی با انگیزه درونی فرد در ارتباط می‌باشد. خودکارآمدی پنج مشخصه دارد: الف) وابستگی به ناحیه خاص دارد؛ ب) همیشه فضایی برای پیشرفت دارد؛ ج) خودکارآمدی اساس تمرین یا دانشوری است؛ د) خودکارآمدی توانایی نفوذ روی دیگران را دارد؛ ذ) خودکارآمدی در حال تغییر است (Li Guangyiy, 2016: 47). این موضوع نشان می‌دهد چنانچه بتوان به افراد تلقین کنیم که آنها خودکارآمد هستند و انرژی در درون افراد نهفته است، آنها از نشاط کاری لازم برخوردار می‌شوند و کارایی و عملکرد آنها دوچندان می‌شود. شدت اطمینان افراد در مورد خودکارآمدی، بر این که آیا آنان برای اداره کردن موقعیت‌های خاص تلاش خواهند کرد، اثر می‌گذارد. با توجه به نتایج پژوهش و مطالب نظری، نقش خودکارآمدی در عملکرد افراد و نشاط کاری آنان محرز است. خودکارآمدی از مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی، قابلیت ارتقاء و آموزش را دارد؛ بنابراین، می‌توان با آموزش به معلمان در خودشناسی و ایجاد حس اعتماد به نفس در

آنان و انرژی درونی که در معلمان ایجاد می‌شود، این انرژی درونی آنان را به سمت و جهت انجام وظایف، تحریک کرد.

نتایج فرضیه دوم نشان داد که ضریب تعیین اصلاح شده برابر با $0/47$ می‌باشد. امیدواری حدود 47% واریانس مربوط به نشاط کاری را پیش‌بینی می‌کند. هم‌چنین با توجه به میزان $P=0/01$ value امیدواری، نشاط کاری را پیش‌بینی می‌کند. با افزایش یک انحراف استاندارد در امیدواری، نمره نشاط کاری $0/68$ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. نتایج این پژوهش در راستای پژوهش‌های علی‌پور و اعراب شیبانی (۱۳۹۰: ۶۵)، هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۸۹: ۳۲) و خسروی، پورشافعی و طاهرپور (۱۳۹۷) است که در مطالعه آنها، امیدواری با شادکامی و نشاط کاری رابطه مثبت معناداری دارند و امیدواری را از مهمترین عوامل می‌دانند. امید، خوش‌بینی و آینده‌نگری خانواده‌ای، از قابلیت‌هایی هستند که نشان دهنده‌ی یک موضوع مثبت نسبت به آینده می‌باشند. انتظار وقوع این رویدادهای خوب، احساس این که آنها در صورت تلاش جدی شما حاصل خواهند شد و برنامه‌ریزی آینده، موجب شادی پایدار در اینجا و اکنون شده و یک زندگی هدفمند را سبب می‌شود (سلیگمن، ۱۳۹۲: ۵۵). افراد امیدوار در مسیر هدف نیز اراده کافی برای رسیدن به اهداف‌شان را دارا می‌باشند و هم راه رسیدن به آن را پیدا می‌کنند. افراد امیدوار در مسیر رسیدن به هدف‌هایشان کمتر دچار افسردگی، اضطراب و پریشانی می‌شوند. به بیان دیگر، فرد امیدوار در هنگام مواجه شدن با مشکلات، دچار نگرانی و احساس شکست نمی‌شود. امیدواری، نیرویی هیجانی است که تخیل را به سمت موارد مثبت هدایت می‌کند. امید به انسان‌ها انرژی می‌دهد و آنها را مجهز می‌کند تا برای کار و فعالیت آماده شوند. امید به ما انعطاف‌پذیری، نشاط و توانایی خالصی از مسائل و مشکلاتی که زندگی به ما تحمیل می‌کند و باعث افزایش رضایت از زندگی می‌شود، می‌دهد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳). مبانی نظری و نتایج این پژوهش و پژوهش‌های ذکر شده نقش و اهمیت امیدواری را در نشاط کاری نشان می‌دهد.

نتایج فرضیه سه نشان می‌دهد که با توجه به این که ضریب تعیین اصلاح شده برابر با $0/53$ می‌باشد، خودکارآمدی حدود 53% واریانس مربوط به امیدواری را پیش‌بینی می‌کند. هم‌چنین با

توجه به میزان $P\text{-value}=0/01$ خودکارآمدی، امیدواری را پیش‌بینی می‌کند. با افزایش یک انحراف استاندارد در خودکارآمدی، نمره امیدواری $0/73$ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. نتایج این پژوهش در راستای پژوهش حسینی، سروقد و برزگر (۱۳۹۰: د) و صادق‌لو و دیگران (۱۳۹۵) می‌باشد.

خودکارآمدی معلم، یعنی درجه اعتقاد معلم به توانمندی خود در اثرگذاری بر عملکرد دانش‌آموزان، یا باور اعتقاد راسخ معلم به این که می‌تواند بر کیفیت یادگیری دانش‌آموزان تأثیر بگذارد، حتی اگر دانش‌آموزان دارای مشکل و بی انگیزه باشند (حسینی، سروقد و برزگر، ۱۳۹۰: ۶). از منابع خودکارآمدی، دستاوردهای عملکرد دانش‌آموزان است. معلمان در کارها و فعالیت‌های درسی که مشغول می‌شوند، نتیجه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان‌شان را تفسیر و برای گسترش باورها و عقاید تلاش می‌کنند و درباره توانایی دانش‌آموزان برای درگیر شدن در کارها و فعالیت‌های بعدی استفاده می‌کنند. این معلمان با این دستاورد عملکرد به آینده، امیدواری و تلاش‌شان را مضاعف می‌نمایند. امید داشتن، باور به نتیجه مثبت اتفاق‌ها یا شرایط در زندگی است. هر اندازه امید در کارکنان یک سازمان بالا باشد، رضایت شغلی در آنان افزایش می‌یابد. لذا آموزش و پرورش باید از طریق ایجاد روحیه تعاون و مشارکت اجتماعی و با افزایش تعاملات اجتماعی و مشارکت جمعی میان کارکنان، برقراری امنیت شغلی آنان را فراهم کند و در برابر خطرات و امواج منفی حمایت نماید و باعث افزایش روحیه، توانمندی، امیدواری و رضایت شغلی معلمان گردد.

نتایج فرضیه چهارم پژوهش، آزمون سوبل در سنجش مسیر غیر مستقیم امیدواری، خودکارآمدی و نشاط کاری بود که نتایج با توجه به مقدار بالای $\text{Sobel test}=8/97$ و $P=0/01$ value کمتر از $0/05$ است، در نتیجه نشان از رابطه میانجی افراد دارد. وقتی که معلمان برای رسیدن به هدف‌ها اطمینان دارند، امید، غیر ضروری است جایی که آنها مطمئن هستند به هدف خواهند رسید، در این صورت ناامید می‌شوند. براساس این مفهوم‌سازی، هیجان‌های مثبت و منفی محصول چنین تفکری هستند. امید با سلامت روانی و جسمی که با انواع مقیاس‌ها، مانند پاسخ مثبت به مداخله پزشکی، سلامت ذهنی، خلق مثبت، پرهیز از رویدادهای پرفشار زندگی،

نشاط و شادکامی در امور زندگی و مسأله‌گشایی همبستگی مثبت دارد و آنها را پیش‌بینی می‌کند (صادق‌لو و دیگران، ۱۳۹۵: ۵).

نتایج فرضیه پنج این‌که معادلات ساختاری نشان می‌دهد خودکارآمدی $0/73$ امیدواری، امیدواری $0/67$ نشاط کاری و خودکارآمدی $0/11$ نشاط کاری را پیش‌بینی می‌کند و نتایج جدول برازش نیز نشان می‌دهد که شاخص خطای تقریب (RMSEA) برابر با $0/04$ است و در دامنه قابل قبولی قرار دارد. همچنین مقدار P-value برابر با $0/383$ و بالاتر از $0/05$ است؛ بنابراین مدل پژوهش با داده‌های جمع‌آوری شده، از برازش لازم برخوردار است.

آنچه برای ایجاد نشاط کاری ضرورت دارد، آغاز و حفظ چرخه‌های سود و منفعت برای معلمان می‌باشد. این چرخه‌ها، چرخه‌هایی رو به ترقی‌اند که به‌وسیله منابع شغلی و منابع فردی (باورهای امیدواری و خودکارآمدی) جرقه خورده و می‌توانند باعث بروز نتایج مثبت گوناگون از راه نشاط کاری شوند. در هر صورت، معلمان برای امرار معاش خود و خانواده خود، به‌عنوان فرد مفید برای جامعه، باید مشغول به کار باشند و این کارکردن از روی اجبار، تکراری و یکنواخت، باعث آسیب دیدن افراد از نظر روحی و جسمی در درازمدت و بیماری‌های گوناگون می‌شود. نشاط کاری از آن نظر اهمیت دارد که افراد به کار و شغل، به‌عنوان یک تفریح و رفاه نگریسته و این باعث می‌شود که این افراد، کمتر دچار بیماری‌های روحی و جسمی شوند. نتایج پژوهش نشان داد که خودکارآمدی و امیدواری از عوامل مؤثر در نشاط کاری افراد می‌باشد. با توجه به آموزش‌پذیر بودن مؤلفه‌های خودکارآمدی و امیدواری، سازمان آموزش و پرورش می‌تواند این مؤلفه‌ها را به‌عنوان آموزش ضمن خدمت، به معلمان آموزش دهد تا منجر به نشاط کاری معلمان گردد.

منابع

- احمدی، نجم‌الدین، و دیگران (۱۳۹۷). "بررسی رابطه سرمایه روان‌شناختی امیدواری، خوش‌بینی و انعطاف‌پذیری با رضایت از زندگی در بین میانسالان". در: مجموعه مقالات برگزیده ششمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی، روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی. تهران: مؤسسه آموزش عالی مهر ارون، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- بازاری، ملانی (۱۳۸۸). عزت نفس سالم. ترجمه الهام آرام‌نیا و شمس‌الدین حسینی. تهران: پیکان.
- جلیلی، حانیه؛ فروزان، ایرج (۱۳۹۴). "ارزیابی تأثیر متقابل شادکامی فردی، شادابی محیط کار و خودکارآمدی مدیران جهاد کشاورزی خراسان رضوی". در: مجموعه مقالات کنفرانس ملی اقیانوس مدیریت. مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران. شاهرود: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- حسینی، داود؛ سروقد، سیروس؛ برزگر، مجید (۱۳۹۰). "نقش میانجی‌گری امیدواری در رابطه بین خودکارآمدی و سلامت روان معلمان ابتدایی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.
- حق‌گویان، زلفا؛ محمدی حسینی‌نژاد، ملیحه (۱۳۹۰). "بررسی وضعیت نشاط در کارکنان بانک‌های خصوصی استان قم". پژوهش‌های روان‌شناختی در مدیریت، دوره ۲، ش ۱ (بهار و تابستان): ۹۰-۶۱.
- خسروی، حسین؛ عسکری، علی (۱۳۹۷). "نشاط کاری در سازمان، اهمیت و پیامدها". در: مجموعه مقالات برگزیده ششمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی، روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی. تهران: مؤسسه آموزش عالی مهر ارون، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- دنیر، بیسواز (۱۳۹۱). شادی، ثروت بیکران روان‌شناختی. ترجمه حسن عبدالله‌زاده، طاهره محبوبی و معصومه باقرپور. تهران: آذین‌مهر.
- رضایی، موسی (۱۳۸۶). چگونه مدرسه‌ای شاد داشته باشیم؟ زنجان: نیکان کتاب.
- سلیگمن، مارتین (۱۳۹۲). روان‌شناسی مثبت‌گرا در خدمت خشنودی پایدار. ترجمه مصطفی

تبریزی، رامین کریمی و علی نیلوفری. تهران: دانژه.

- شعبانی، سمیه؛ بلوکی، آزاده؛ مام‌شریفی، اسماعیل (۱۳۹۱). "بررسی روابط خودکارآمدی، حمایت اجتماعی و خوش‌بینی در پیش‌بینی‌کنندگی بهزیستی ذهنی جهت تدوین مدل ساختاری در دانشجویان". *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، دوره ۲، ش ۸ (پاییز): ۹۳-۱۱۸.

- شیخ‌الاسلامی، راضیه؛ نجاتی، عصمت؛ احمدی، ساره (۱۳۹۰). "پیش‌بینی مؤلفه‌های شادکامی زنان متأهل از طریق عزت نفس و روابط زناشویی". *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۳، ش ۱ (پاییز): ۳۹-۵۴.

- صادق‌لو، محمد، و دیگران (۱۳۹۵). "بررسی رابطه بین باورهای خودکارآمدی و امید به آینده با پیشرفت تحصیلی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر رامیان)". *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، دوره ۲، ش ۱۲ (زمستان): ۱-۷.

- عبداللهی، بیژن؛ نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم (۱۳۸۵). *توانمندسازی کارکنان، کلید طلایی مدیریت منابع انسانی*. تهران: ویرایش.

- علی‌پور، احمد؛ اعراب‌شیبانی، خدیجه (۱۳۹۰). "رابطه امیدواری و شادکامی با رضایت شغلی معلمان". *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، دوره ۶، ش ۲۲ (تابستان): ۶۵-۷۸.

- فدایی کیوانی، رضا؛ الماسی، رامین (۱۳۹۶). "مدیریت شادی و نقش آن در بهبود بهره‌وری سازمانی". در: *مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی انسجام مدیریت و اقتصاد در توسعه*. تهران: مؤسسه آموزش عالی دانشگاه اسوه.

- فرحزاد، حبیب‌الله (۱۳۹۲). *نشاط و شادی*. قم: طوبای محبت.

- لوتانز، فرد؛ اوولی، بروس جی؛ ام‌یوسف، کارولین (۱۳۸۶). *سرمایه روان‌شناختی سازمان: تحولی در مزیت رقابتی سرمایه انسانی*. ترجمه عبدالرسول جمشیدیان و محمد فروهر. تهران: آییژ.

- فرهادی، علی، و دیگران (۱۳۸۴). "میزان نشاط و ارتباط آن با اعتماد به نفس در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان". *اصول بهداشت روانی*، دوره ۷، ش ۲۵ (بهار و تابستان): ۵۷-۶۲.

- قاسمی، افشان؛ عابدی، احمد؛ باغبان، ایران (۱۳۸۸). "اثربخشی آموزش گروهی مبتنی بر نظریه

اسنایدر بر میزان شادکامی سالمندان". *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، دوره ۱۰، ش ۴۱

(پاییز): ۴۰-۱۷.

- محبی نورالدین‌وند، محمدحسین؛ شهنی ییلاقی، منیجه؛ پاشاشریفی، حسن (۱۳۹۳). "رابطه سرمایه روان‌شناختی با هدف‌های پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانشجویان سال اول". پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، دوره ۱۱، ش ۴۰ (بهار): ۶۱-۷۹.
- میرحیدری، اشرف، و دیگران (۱۳۹۱). "رابطه یادگیری سازمانی و خودکارآمدی مسیر شغلی با اشتیاق کاری مدیران". ره‌یافتی نو در مدیریت آموزشی، دوره ۳، ش ۱۰ (تابستان): ۱۳۹-۱۵۴.
- هزارجریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا (۱۳۸۹). "بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن". برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۲، ش ۳ (تابستان): ۳۲-۷۲.

- Bakker, A. B.; Demerouti, E.; Schaufeli, W. B. (2005). "The crossover of burnout and work engagement among working couples". *Human Relation*, Vol. 58, No. 5: 661-689.
- Bandura, A. (1977). "Self-efficacy: Toward unifying theory of behavior change". *Psychological Review*, Vol. 84, No. 2: 191-215.
- Cavus, M.; Gokcen, A. (2014). "Psychological capital: definition, components and Effects". *Journal of Education, Society and Behavioural Science*, Vol. 5, No. 3: 244-255.
- Li Guangyiy, YanShan (2016). "Research on psychological capital intervention strategy of enterprise". *Canadian social science*, Vol. 12, No. 4: 46-50.
- Pressman, S. D.; Cohen, S. (2005). "Does Positive Affect Influence Health?". *Psychological bulletin*, Vol. 131, No. 6: 925-971.
- Serap Kurbanoglu, S. (2003). "Self-efficacy: A concept closely linked to information literacy and lifelong learning". *Journal of Documentation*, Vol. 59, No. 6: 635-646.
- Lorenz, T.; et al. (2016). "Measuring psychological capital: Construction and Validation of the compound psycap scale". *PLOS ONE*, Vol. 11, No. 4: e0152892.

جایگاه خراسان بزرگ در تحولات مذهبی و هنری شرق در دوره اشکانیان

مریم ظهوریان^۱

سامان فرزین^۲

نوع مقاله: علمی-ترویجی

شماره صفحه: ۸۳-۱۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۱۰

چکیده

خراسان بزرگ در تمامی دوران‌های تاریخی ایران، نقش مؤثری در تبادلات منطقه‌ای شرق ایران داشته و در این زمینه، اطلاعات جامعی در اختیار پژوهشگران است. اما در این میان، پیرامون عملکرد منطقه خراسان در تاریخ اشکانی، به دلیل از بین رفتن آثار و منابع تاریخی توسط ساسانیان و همچنین گذر زمان بسیار محدود می‌باشد. بر این اساس، هدف از انجام این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است، تحلیل جایگاه خراسان بزرگ (خراسان امروزی، بلخ، مرو، هرات)، به عنوان اولین مقر حکومتی اشکانیان در زمینه‌های مذهبی و هنری این دوره می‌باشد که این امر با توجه به منابع دسته اول و مدارک باستان‌شناختی به دست آمده از این دوره انجام می‌پذیرد. پژوهش پیش‌رو، در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها می‌باشد که خراسان بزرگ در تاریخ اشکانی، چگونه توانسته است زمینه‌ساز تحولات ساختاری مذهبی و هنری گردد و در ادامه، بیشترین تأثیرگذاری تحولات مذهبی و هنری خراسان بزرگ در کدام مناطق مشهود است. در این راستا، با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت جایگاه خراسان بزرگ در دوره اشکانی، به صورت فرامنطقه‌ای بوده و بر اساس تسامح مذهبی و فرهنگی صورت پذیرفته است. همچنین خراسان بزرگ به دلیل قرارگیری در

Zohouriyani@Birjand.ac.ir

Farzin@Birjand.ac.ir

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشکده هنر، دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤول

۲. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشکده هنر، دانشگاه بیرجند

گذرگاه ارتباطی شرق و غرب، توانسته است با گسترش مذهب بودا، مهر و زرتشتی در شرق ایران، هند، چین و حتی روم بیزانس تأثیرگذاری مذهبی داشته و با توجه به آثار هنری هم‌چون سفال‌سازی و شیشه‌گری در هند و چین، تأثیرگذاری هنری ایجاد نماید. علاوه بر آن، با تحلیل ریشه‌شناسی خط و زبان پهلوی در دوره اشکانی، دریافتیم که این منطقه با توسعه خط و زبان پهلوی در داخل ایران، تاجیکستان و افغانستان تأثیر فرهنگی به صورت فرامنطقه‌ای ایجاد نموده است.

واژگان کلیدی: خراسان بزرگ، اشکانیان، هنر، مذهب، فرهنگ

۱- مقدمه

سلسله اشکانی یک از دوران‌های باشکوه ایران باستان است که پانصد سال بر ایران حکومت نموده‌اند. آنها از اقوامی به نام پرنی^۱ بودند که به گفته استرابون، در دشت میان گرگان و کرانه‌های تجن جنوبی در پارت شمالی می‌زیستند و از اتحادیه قبایل داهه^۲ محسوب می‌شدند (استرابون، ۱۳۷۰: ۳۷). نام این اتحادیه را برای اولین بار در سنگ نبشته‌های خشایارشا در پرسپولیس مشاهده می‌نماییم (Kent, 1953: 151). اشکانی‌ها (۲۴۹ ق.م. تا ۲۲۶ م.) در ابتدا در خراسان بزرگ، مقر اصلی حکومتی خویش را بنا نهاده، سپس با به‌دست گرفتن قدرت، نفوذ خود را در مرکز و غرب ایران گسترده نموده و امپراطوری خویش را بنا کردند. اگر چه در این دوره تحولات عظیمی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و بویژه مذهب و هنر پدید آمد، اما به‌دلیل از بین رفتن آثار به جهت گذشت زمان و هم‌چنین تخریب عمدی آثار توسط ساسانیان، اطلاعات ما در مسائل تاریخی این دوره محدود و مبهم است. هر چه تعدادی مدارک‌نوشته‌ای از آن دوران به‌دست آمده، اما باید اذعان داشت که جز چند نمونه مختصر نوشته بر روی پوست و تعدادی کتیبه‌ی کوتاه و سفال‌نوشته‌های مکشوفه در نسا که مربوط به خود اشکانیان است، بقیه را متونی تشکیل می‌دهد که به‌وسیله‌ی یونانی‌ها و رومی‌ها نوشته شده است. متونی که تاکنون دست کم ضد و نقیض و بی‌اعتبار

۱. مردمی کوچ نشین از ایرانیان شرقی بودند که در پیرامون رود تجن در جنوب شرقی دریای کاسپین می‌زیستند.

۲. Dahae نام قومی از ایرانیان است ساکن شمال شرقی ایران و اشکانیان به یاری آنان باسلطنت رسیده‌اند. این قوم ظاهراً از سکاها بوده‌اند.

بودن بخش مهمی از آنها به وسیله‌ی محققان بر ملا شده است، ولی متأسفانه از حدود قرن ۱۸ میلادی تاکنون اساس کار مورخان را همین نوشته‌ها تشکیل داده است (کاوینی، ۱۳۹۷: ۲۵۶). بر این اساس، در این پژوهش سعی شده است که به روش توصیفی-تحلیلی و با توجه به شواهد باستان‌شناختی و منابع دسته اول به دو سوال اساسی پژوهش پاسخ داده شود:

- ۱- خراسان بزرگ در دوره اشکانی چگونه توانسته است زمینه‌ساز تحولات ساختاری مذهبی و هنری گردد؟
- ۲- بیشترین تأثیرگذاری تحولات مذهبی و هنری خراسان بزرگ در کدام مناطق مشهود است؟

در این راستا، برای پاسخ‌گویی به سؤالات مطرح شده، ابتدا چگونگی حضور اشکانیان در ایران را مورد بحث قرار می‌دهیم و سپس با توجه به مدارک و شواهد باستان‌شناختی، نگاه مذهبی و عقیدتی اشکانیان را مورد ارزیابی قرار داده و بعد از آن با توجه به حضور ادیان‌های مختلف در خراسان بزرگ، به چگونگی پذیرش و انتقال مذاهب در منطقه می‌پردازیم. از آنجا که پژوهش پیش‌رو تحولات هنری و فرهنگی دوره اشکانی در خراسان بزرگ را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد، در نتیجه تنها به هنرهای پرداخته می‌گردد که بیشترین تأثیر و داده‌های اطلاعاتی را در اختیار ما قرار می‌دهند، هم‌چون سفال‌گری، شیشه‌گری و خط و زبان. بنابراین فرضیات متناظر با پرسش‌های مطرح شده را می‌توان این‌گونه بیان داشت:

- ۱- منطقه خراسان بزرگ به دلیل جغرافیای وسیع و وجود جاده ابریشم دارای تبادلات و ارتباطات فرامنطقه‌ای بوده است که نه تنها اهمیت اقتصادی و سیاسی داشته، بلکه مهمترین عامل در تحولات مذهبی، هنری و حتی فرهنگی بوده است. هم‌چنین نفوذ شاخه‌های مذهبی از هند به ایران و سپس به چین و یا از ایران به هند و چین نشان از تسامح مذهبی بدون جنگ و فشارهای مذهبی منطقه‌ای بوده که این امر با توجه به مدارک باستان‌شناختی در حوزه هنری و فرهنگی نیز صدق می‌نماید.

- ۲- با توجه به حوزه جغرافیای خراسان بزرگ و تبادلات منطقه‌ای، می‌توان دریافت که خراسان بزرگ بیشترین تأثیر هنری را بر منطقه چین و هند داشته و به لحاظ فرهنگی (خط و

زبان) نیز بر کل منطقه ایران، افغانستان و تاجیکستان، تأثیر داشته است.

۲- روش پژوهش

پژوهش پیش‌رو بر اساس ماهیت و روش، از گونه تحقیقات توصیفی-تحلیلی و به لحاظ هدف، از نوع پژوهش‌های بنیادی است. در این پژوهش سعی بر آن است که با توجه به مدارک باستان‌شناسی و منابع دسته اول، اهمیت و جایگاه خراسان بزرگ در تحولات، مذهبی و هنری دوره اشکانی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۳- پیشینه پژوهش

در دهه‌های اخیر تحقیقات زیادی در چگونگی سلطنت اشکانیان و روابط بین‌المللی این دوره صورت پذیرفته است. از این‌رو، این تحقیقات بیشتر در ارتباط با مناطق غربی ایران و در ارتباط با فرهنگ‌های یونانی- رومی صورت گرفته و یا در باب خراسان بزرگ و دوره‌های تاریخی و اسلامی اگر چه مطالب بسیار زیادی در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه منتشر شده‌اند، اما در زمینه جغرافیای تاریخی خراسان بزرگ در دوره اشکانی و نقش این منطقه در تحولات مذهبی-هنری این دوره، تحقیقات بسیار محدود و جسته و گریخته‌ای بیان شده است. در این زمینه (نقش خراسان در تحولات مذهبی و هنری دوره اشکانی) تنها می‌توان به مقالاتی چون: جستاری در زمینه‌های برآمدن اشکانیان در خراسان بزرگ از محمودآبادی (۱۳۸۳ب)، خراسان بزرگ و خراسانیان از شیوا (۱۳۹۰)، شهر نیشابور در گذر زمان از رحمانی و دیگران (۱۳۹۲)، جغرافیای تاریخی خراسان بزرگ از کریم الوار و خسروآبادی (۱۳۹۳)، حدود خراسان در طول تاریخ از مدیر شانه‌چی (۱۳۴۷)، تاریخ ایران باستان از پیرنیا (۱۳۸۹)، جغرافیای استرابو از استرابون (۱۳۷۰)، تاریخ کمبریج از یارشاطر و دیگران (۱۳۸۹)، اولین تخته‌گاه پارت از بیانی (۱۳۵۶)، در قلمرو وجدان از زرین‌کوب (۱۳۵۸) و ... اشاره نمود که این امر به خودی خود ضرورت انجام این پژوهش را بیان می‌دارد. در نتیجه، در این تحقیق با استفاده از پژوهش‌های پیشین و استفاده از منابع جدید فارسی و انگلیسی در کنار مدارک باستان‌شناختی تلاش

گردیده است که تخصصی تر به موضوع نگریسته شود و برای اولین بار در یک پژوهش جامع به نقش خراسان بزرگ در دوره اشکانی پرداخته شود.

۴- شهرسازی اشکانیان در خراسان بزرگ

در ابتدا باید گفت اشکانیان یا همان پارتیان^۱ از قوم پرنی یکی از قبایل داهه در دشت‌های سیحون و جیحون بوده‌اند که در قرن چهار قبل از میلاد از قبایل خود جدا شده (محمودآبادی، ۱۳۸۳: ۱۳۰-۱۳۴) و با رهبری ارشک از سمت شمال شرقی ایران پیشروی کردند و شهر نسا و بعد از آن پارت را تصرف نمودند (وکیلی، ۱۳۹۳: ۳۶۸). در باب شناسایی موقعیت پارت نیز می‌توان به گفته‌های هرتسفلد^۲ اشاره نمود، چرا که وی با کنار هم نهادن چند سند تاریخی به این نتیجه رسیده است که شهر توس یکی از پایتخت‌های پارتیان می‌باشد. توس همان شهری است که امروزه مشهد نامیده می‌شود (یارشاطر و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۸). اما به‌طور کلی در باب حدود و ثغور منطقه خراسان در دوره اشکانیان می‌توان به چند منبع اشاره نمود:

۱- به گفته مون‌گیت^۳، خراسان همان کشور پارت است که پس از پیروزی اردشیر بابکان بر پادشاه اشکانی، نام خراسان را جانشین پارت کرد (جوان، ۱۳۸۶: ۲۲).

۲- در کتیبه‌ی بیستون نیز نام خراسان "پرتوه" آمده که آن را یونانیان "پارتیا" می‌نامیدند (مدیر شانه‌چی، ۱۳۴۷: ۱۱۴).

۳- مرحوم بهار نیز این منطقه را این‌گونه شناسایی و بیان داشته است: «پرتوه نام قبیله بزرگ یا سرزمینی وسیعی است که مسکن قبیله‌ی پرتوه بوده و آن سرزمین خراسان امروزی است که از مشرق به صحرای اتک (دشت خاوران قدیم) و از شمال به خوارزم و گرگان و از مغرب به قومس (دامغان کنونی) و از نیمروز به سند و زابل می‌پیوسته است» (همانجا).

۴- در بخش وندیداد در اوستا (فصل ۱) نیز چنین آمده است: "پنجمین کشوری که من

۱. اصطلاح "پارت" را اولین بار نویسندگان یونانی- هلنی به استان‌های شرقی هخامنشیان (پارثوا) که در کتیبه داریوش در بیستون ذکر شده است، اطلاق می‌نمودند.

اهورامزدا آفریدم نیساید می‌باشد و در میان مرو و بلخ واقع شده است". از آنجا که وندیداد بخشی از کتاب اوستا بوده و این قسمت نیز در دوره اشکانیان نگارش شده است، حدود خراسان یا همان پارت، تا مرو و بلخ نیز بوده است (همان: ۱۱۵). به‌طور کلی می‌توان گفت حدود دولت اشکانی: از طرف غرب تا رود فرات، از سمت شرق تا سند و پنجاب، از طرف جنوب تا خلیج فارس و دریای عمان و اقیانوس هند، از سمت شمال تا کوه‌های هیمالیا، رود سیحون و دریای خزر و قفقازیه (پیرنیا، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۸۰).

بنابراین اشکانیان، بر خلاف آنچه که توسط پژوهشگران بیان می‌شود، ساختار حکومتشان یک نظام سیاسی غیرمتمرکز و متزلزل نمی‌باشد، بلکه این دوره، مرحله‌ی بنیادی در شکل‌گیری نخستین امپراتوری‌های منسجم یا دیوان‌سالاری پیچیده در جنوب غربی آسیا بوده است (Wanke, 1981: 303). اما در باب شهریاری اشکانی‌ها در ایران شرقی یا همان خراسان بزرگ، باید اذعان داشت که پارتیان نه ویران‌گر میراث هلنیسم^۱ بودند و نه از بین برنده‌ی میراث هخامنشی و نه دشمن آیین زرتشتی. کما بیش از پانصد سال بر فلات ایران فرمان راندند (فرای، ۱۳۸۲: ۳۹۳) و به سنت‌های پیشین معتقد بوده و هیچگاه یونانی‌مآب و زیر سلطه فرهنگ و مذهب یونانی‌ها نبوده‌اند که برای ادعای این سخن نیز می‌توان به چند مدرک مهم اشاره نمود. یکی آن‌که بر اساس شواهد و مدارک به‌دست آمده از نسا به‌عنوان اولین پایتخت اشکانیان، مشخص گردیده است که اشکانیان همواره به‌دنبال سنت هخامنشیان، برای خدایان معابد ساخته و به دین زرتشت معتقد بوده‌اند (Boyce, 1986: 541). دوم آن‌که در اسناد اشکانیان ماه‌ها و روزهای تقویم زرتشتی ثبت شده است و سوم آن‌که تاریخ اشکانیان به‌دلیل بدگویی‌های ساسانیان برای مشروع جلوه دادن حکومت سیاسی و مذهبی خویش، تحریف‌هایی در تواریخ رسمی و کتاب‌هایی از جمله خدای‌نامه‌ها انجام داده و دوره اشکانی را کوتاه‌مدت و بیگانه از فرهنگ و هویت ایرانی دانسته‌اند که این نوع تفکر ظالمانه از کتب ساسانی، به متون اسلامی راه یافته است. ساسانیان، آنان را اقوامی صحراگرد می‌دانستند که فاقد فرهنگ و ساختار

۱. به فرهنگ آغاز قرن ۵ ق.م. در یونان فرهنگ هلنستیک می‌گویند. اسکندر با حمله به ایران تمایل به ایجاد فرهنگ هلنی در ایران را داشت اما با مرگ زود هنگام وی، موفق به این امر نگردید (سیاه‌پوش، ۱۳۹۴: ۴۷).

سیاسی منسجمی بودند که به دلیل نداشتن سابقه شهرنشینی و مدنیت از سیر تمدن فرهنگی ایران بی اطلاع بوده و به همین دلیل، ادامه دهنده سنت یونانیان بوده اند تا هخامنشیان (زرین-کوب و نادری، ۱۳۹۳: ۴۳). در این بین نیز اشکانی ها از بدگویی های دشمنان خویش، یعنی رومی ها در امان نبوده و لفظ بربر را بر خود گرفتند. به عبارت دیگر، فکر بربر بودن اشکانیان و فقر فرهنگی آنان بر اثر ترویج و تسلط چنین دیدگاهی حاصل شده است (Wolski, 1966: 65-67). برعکس، اشکانیان بنا بر تمام شواهد موجود، آشکارا ایرانی گرا و ضد یونانی و لاتین-نژادان بودند، یعنی خود را در مقابل یونانیان سلوکی و غربیان رومی، تعریف می کردند. این را هم از سیاست نظامی شان می توان دریافت و هم با توجه به سیاست دینی و فرهنگی شان. از سوی دیگر، اشکانیان با نهادن نام ارشک یا اشک بر روی شاهان خویش، از همان ابتدا خود را ادامه دهنده ی سنت سیاسی هخامنشیان می دانستند (وکیلی، ۱۳۹۳: ۸۶۱). در باب کلمه "فیلهلن" یعنی دوستدار یونان نیز باید گفت که این تعبیر شیفتگی و مطیع بودن از فرهنگ یونانی را به نمایش نمی گذارد و کردار سیاسی شاهان با استفاده از این کلمه، نماد هواداری از دولت یونان نیست. همان طور که می دانیم شاهان اشکانی، دائم در حال جنگ با یونانیان و سلوکیان بوده و به راندن آنان از سرزمین ایران می پرداختند و زمانی آنان خود را دوستدار یونانیان نامیدند که دیگر امکان بسیج شدن و ادعای سلطنت یونانیان در ایران کاملاً از بین رفته و تنها به اقلیتی در ایران تبدیل گردیدند. بنابراین، این لفظ در این بازه زمانی معنا می یابد و نه در ابتدای حکومت اشکانی ها (همان: ۳۸۵). حتی استفاده از خط و زبان یونانیان و هم چنین نفوذ هنری و فرهنگی آنان در تمدن اشکانی، تنها در این زمان روی نداده است، چرا که در زمان هخامنشیان نیز یونانیان حضور داشته و حتی در برهه ای از زمان، زیر سلطه هخامنشان بوده اند. چنان که بسیاری از شهرهای مهم یونانی ها هم چون آناتولی و بالکان نیز جزئی از ساتراپی های هخامنشیان بوده است. بنابراین این نوع نفوذ از دوره هخامنشی رواج و در دوره اشکانی به اوج خود رسید (توین بی، ۱۳۷۹: ۳۷).

۵- نقش خراسان بزرگ در تحولات مذهبی - منطقه‌ای

۵-۱- آیین زرتشتی

پس از آن که به چگونگی حکومت اشکانیان در ایران و اثبات ادامه‌دهندگی سنت‌های پیشین ایران توسط اشکانی‌ها پرداخته شد، در این قسمت به نقش خراسان بزرگ در تحولات مذهبی ایران، به‌عنوان اولین مقر حکومتی اشکانی‌ها پرداخته می‌شود، جایی که تلاقی دیدگاه‌های مذهبی بودایی، مهری و زرتشتی مشاهده می‌گردد. در این میان، شهر نسا (تصویر ۱) یکی از مهم‌ترین محوطه‌های آغازین دوره اشکانی می‌باشد که امروزه در ۱۸ کیلومتری غرب عشق‌آباد، پایتخت ترکمنستان واقع شده است. این شهر باستانی در دوره اشکانی، جزئی از خراسان بزرگ محسوب می‌شده است. جایی که ارشک (۲۴۹ ق.م). اولین پادشاه اشکانی پادشاهی خویش را در این تختگاه اعلام نمود و بر این اساس، این شهر به‌عنوان اولین تختگاه پارتیان به‌تدریج توسعه پیدا نمود (بیانی، ۱۳۵۳: ۱۶).



تصویر ۱) گستره امپراطوری اشکانی (حکمت‌آرا، ۱۳۹۶: ۴)

آنچه در این قسمت حائز اهمیت است، مدارک باستان‌شناختی به‌دست آمده از حفاری‌های انجام شده در نسا می‌باشد که اطلاعاتی از تمایلات و نگرش مذهبی اشکانیان در ابتدای حکومت خویش را در اختیار ما قرار می‌دهد که براین اساس نه تنها نگرش مذهبی، بلکه به سبب آن، تغییر و تحولات مذهبی و هم‌چنین تأثیر و تأثرات منطقه‌ای را نیز می‌توان بررسی و تحلیل نمود. در ابتدا با توجه به مجسمه‌ها و معابد یونانی به‌دست آمده از نسا، این احتمال را در ذهن به‌وجود می‌آورد که دیدگاه مذهبی اشکانیان، گرایشی به مذهب یونانی- هلنی داشته است. اما با توجه به آتشکده‌ها و سفال‌نوشته‌های مکشوفه از این منطقه می‌توان دریافت که در این دوره، اولین آتشکده‌ها برای روان مردگان (هم‌چون زرتشتیان که برای شادی روان مردگان بویژه پادشاهان ایجاد می‌نمودند) بوده است (Boyce, 1986: 541). پس این نوع عملکرد، گرایش‌های زرتشتی در این دوره را نمایان می‌سازد، بویژه آن‌که ۳۵۰ نام خاص زرتشتی در سفال‌نوشته‌های اشکانی در نسا به‌دست آمده است. هم‌چنین استفاده از تقویم زرتشتی پس از سلوکیان، تنها توسط اشکانیان مورد استفاده قرار گرفت (De jong, 2013: 32). بنابراین، در منطقه خراسان بزرگ هم نگاه اعتقادی هلنی و هم زرتشتی‌گری مشاهده می‌گردد که به نوعی دیدگاه تسامح مذهبی در این دوره را بیان می‌دارد. اما در باب پرستش خدایان یونانی در دوره اشکانی، باید اذعان داشت که مردمان این دوره اگر چه خدایان هلنی را هم‌چنان مقدس و قابل ستایش در کنار اهورامزدا و دیگر خدایان ایرانی می‌شماردند، اما تعداد محدودی در این نوع نگاه اعتقادی باقی ماندند، یعنی خدایانی که همزادی در نگاه مذهبی ایرانی داشته‌اند، هم‌چون ایزد آفرودیت (تصویر ۲) که نمادی از ایزد آناهیتا در ایران باستان است (ظهوریان، ۱۳۹۵: ۵۲۰).



تصویر ۲) مجسمه آفرودیت، نسا (Ghirshman, 1953: 29)

بر اساس آنچه که بیان شد، اشکانی‌ها نه تنها با سنت‌های ایرانی بیگانه نبوده، بلکه با دیدگاه زرتشتی هخامنشیان، حکومت خویش را آغاز نمودند که این امر در کل ایران تأثیرگذار بود. البته این تأثیر تنها محدود به جغرافیای ایران نمی‌گردد، بلکه همسایگان شرقی ایران نیز در ارتباط با ایران اشکانی مورد تأثیر این نگاه اعتقادی قرار گرفتند. در این میان کوشانی‌ها^۱ یکی از همسایگان قدرتمند شرقی اشکانیان بوده که در افغانستان و پاکستان حکومت می‌نمودند و در این بین، ارتباط گسترده‌ای با اشکانی‌ها از طریق منطقه خراسان بزرگ و سیستان ایجاد نمودند (ندوشن، ۱۳۸۱: ۱۲۸). لازم به ذکر است که در این دوره علاوه بر خراسان، سیستان نیز از مراکز مهم ارتباطی محسوب می‌گشت و همسایگان شرقی ایران از این طریق نیز در ارتباط با دیگر مراکز ایران بوده‌اند. اما از آنجا که کوشانیان به دلیل دادوستدهای خود از طریق جاده ابریشم، بویژه جاده اصلی کاشغر به سمرقند، مرو، نیشابور، همدان، کرمانشاه به تیسفون، سلوکیه و انطاکیه با خراسان در ارتباط بوده‌اند (تشکری، ۲۵۳۶: ۲۰). در نتیجه‌ی این ارتباطات، تعاملات و تأثیر و تأثرات زیادی میان این دو

۱. کوشانی‌ها نام خانواده و طایفه‌ای در سده اول ق.م. بوده‌اند که تحت فرمان شخصی به نام کویی شوانگ به قدرت رسیدند. نام قدیم‌تر آنان یونه‌چی بوده است (بهزادی، ۱۳۷۱: ۹۰).

منطقه شکل گرفت که یکی از این تأثرات را می‌توان در زمینه مذهبی و اعتقادی مشاهده نمود. به‌طور مثال، لفظ "هرمز یا هورمزد" پارتی، همتایی برای اهورامزدا ی پارسی باستان شد و این همان است که در نهایت، در عصر اشکانی و ساسانی در زبان عمومی مردم، جانشین نام کهن تر و اوستایی پارسی باستان اهورامزدا می‌شود. لفظ هورمزد را دقیقاً می‌توان در کتیبه‌ی کانیشکا^۱ پادشاه کوشانی نیز هم‌چون ایران مشاهده نمود که این نشان می‌دهد که کوشانی‌ها و سکاها، با وجود گرایش‌نمایان به دین بودایی، برخی از نمادهای دین زرتشتی مانند سروش و خود نام هورمزد را در پیوند با دین، دولتی‌شان در این دوره به‌کار می‌گرفته‌اند. به این ترتیب، می‌توان سکه‌های هرمائوس^۲ را نشانه‌ای از ریشه‌دار بودن این رسم دانست. احتمالاً نخستین شاهان تخاری که در ایران شرقی به قدرت رسیدند، کوشیدند تلفیقی میان دین بودایی و زرتشتی پدید آورند. از این‌رو، بر سکه‌هایشان هورمزدشاه (باسیلیئوس هرمائیوس) را حک می‌کردند و به خود لقب هورمزدی می‌دادند. ناگفته نماند که لقب خداوندی یا هورمزدی برای شاهان کوشانی هم‌چنان باقی ماند، چنان‌که کانیشکا نیز خود را پسر خداوند و سزاور پرستش می‌داند و این بدان معناست که هیچ بعید نیست در میان پدرانش، رسم همزادپنداری شاه با تصویر هورمزد آغاز شده باشد (وکیلی، ۱۳۹۳: ۱۱۴). علاوه بر آنچه که بیان شد، کوشانی‌ها نیز که به‌دلیل تسلط بر هند و قبول دین بودایی، معابد زیادی برپا ساختند، باعث گردید دین بودا نیز به‌دلیل همسایگی با ایران، وارد مرزهای شرقی ایران شده و معابدی برپا شود (بیانی، ۱۳۵۰: ۱۳۴). حتی مورخین اسلامی نیز به بودایی بودن شرق ایران، شامل خراسان بزرگ و افغانستان و آثار به‌جای مانده از آنان اشاراتی داشته‌اند (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۱۰). به‌دنبال نفوذ دین بودا در شرق ایران و به خصوص خراسان بزرگ، بسیاری از شاهزادگان اشکانی نیز به این دین گرویده و به‌ترویج آن پردازند، تا آنجایی که شاهزاده‌ای اشکانی به نام اشک، به شهر "لوه یانگ"^۳ پایتخت سلسله چین سفر نموده و با ترجمه کتاب‌های بودا به‌ترویج و اشاعه این دین در چین پرداخت (کجباف، ۱۳۷۶: ۱۶۰).

1. Kanishka

۲. هرمائوس پادشاه کاپیسا (منطقه کابل) بود که به ضرب سکه در این منطقه پرداخت (گرنه، ۱۳۸۹: ۱۸).

3. Luo ying

۵-۲- آیین مهری

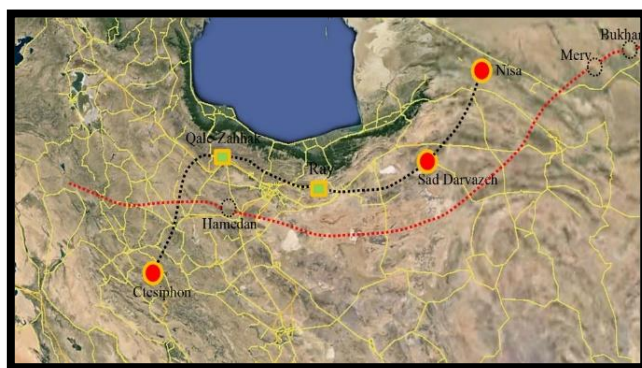
اعتقاد به ایزد مهر تنها مختص به دوره اشکانی نمی‌باشد. در زمان هخامنشیان، اردشیر دوم کسی بود که آیین مهری را به‌طور رسمی و با اشاره به نام ناهید و مهر در آیین شهریارِ هخامنشی تثبیت کرد (وکیلی، ۱۳۹۳: ۳۶۲). در دوره اشکانیان نیز همانند دوره پیشین، ایزد مهر بار دیگر اهمیت فراوانی یافت و آیین مهری به‌طور رسمی در این دوره شکل گرفت. دلیل این امر را می‌توان این‌گونه بیان داشت که ایزد مهر، ایزد جنگاوران و پهلوانان است که این امر را می‌توان در توصیفات اوستا از این ایزد این‌گونه دریافت: «آن پیروزمندی که رزم‌افزاری خوش-ساخت با خود دارد، آن که زورمندترین زورمندان است، آن که دلیرترین دلیران است. می‌ستایم مهر را، آن نخستین دلیر مینوی را، آن بسیار مهربان را، آن یلِ کارآزموده را ... آن پهلوانِ رزم‌آزما، آن نیک‌بختِ بلند پایگاهی که پیکرش از گفتار مینوی است ... کسی که پیروزی سرشار به کشور می‌بخشد (اکبرپور، ۱۳۹۶: ۲۲). از آنجا که اشکانیان در پهلوانی و جوانمردی بسیار نام‌آور بوده‌اند، بنابراین این آیین با نگاه مذهبی و ایدئولوژیکی^۱ آنان منطبق بود و در این دوره توانست گسترش جهانی یابد. به هر حال، ویژگی جنگاوری شاهان پارت عامل محبوبیت ایزد مهر در میان آنها گشت. حتی آنان به حلول ایزد مهر در وجود پادشاه اعتقاد راسخی داشتند. حتی در اسناد نسا نام مهر در ترکیب نام شاهان تکرار شده است. به‌طور مثال، نام "مهرداد" به معنی آفریده‌ی مهر. این آیین به گفته ویدنگرن^۲ به احتمال از مناطق شرقی ایران جایی که نخستین پایه‌های حکومت اشکانیان شکل گرفته است، نشأت یافته است (خسروی، صادقی و افخمی، ۱۳۹۷: ۱۰۲). برای اثبات این ادعا، لازم به ذکر است به گفته فرانتز کومون^۳ تحقیق در زمینه آیین مهری دشوار است، چرا که مدارک دال بر حضور اولیه مهر در شرق، بر اساس مدارک مکتوب می‌باشد، اما آثار به‌جای مانده از آیین مهری بیشتر در غرب موجود است. در زمینه نفوذ و گسترش آیین مهری

۱. انواع و اقسام سیستم‌های فکری و فلسفی و منجمله مذهب که به نوعی در تعیین خط مشی، عمل یا موضع‌گیری معتقدان به آن‌ها در مسایل سیاسی - اجتماعی مؤثر باشد.

2. Widengren

3. Franz Cumont

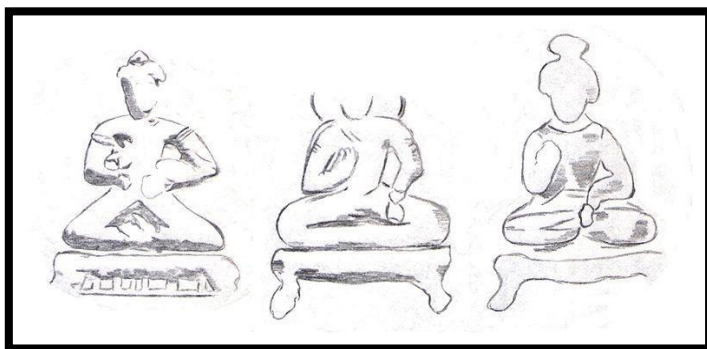
باید اذعان داشت که با مهاجرت مهاجران هند و اروپایی، این آیین وارد هند و سپس ایران شده است - به گونه‌ای که در کتاب وداها یکی از قدیمی‌ترین کتب تاریخی مذهبی نام مهر بارها ذکر شده است (ورمازن، ۱۳۸۷: ۱۶). سپس با نفوذ پارتیان از شرق به غرب ایران و تمرکز قرارگیری پایتخت‌های آنان در غرب ایران، این دین نیز به‌نوبه خود در این مناطق رواج گسترده‌ای یافت. به‌طور مثال، در اوایل حکومت اشکانیان، شاهد معابدی در نسا می‌باشیم، سپس با قدرت گرفتن آنان و تغییر پایتخت از شرق به غرب، شاهد معابد مهری بی‌شماری در غرب ایران می‌باشیم. مثال بعد معبدی مهری در آذربایجان که امروزه به معبد مهری قلعه ضحاک معروف می‌باشد که این معبد نیز باز به‌نوبه خود، تأثیر به‌سزایی در ترویج آیین مهری در میان رومی‌ها گذاشت، چرا که رومی‌ها به‌دلیل ارتباط نظامی با شمال غرب ایران، تحت تأثیر اندیشه‌های مذهبی مهر قرار گرفته و آیین مهری را پذیرا گشتند (عمرانی و مرادی، ۱۳۹۳: ۱۲۸). در نقشه زیر موقعیت قراگیری نسا در شمال شرق و قلعه ضحاک در شمال غرب مشخص می‌باشد (تصویر ۳) که به نوعی سیستم ارتباطی و مراکز مهم مواصلاتی را می‌توان مشاهده نمود. هم‌چنین جاده ابریشم که با خط قرمز مشخص شده است، به نحوی ارتباط بین‌المللی شرق و غرب را بیان می‌دارد که در تحولات منطقه‌ای، چه در زمینه تجاری و چه در زمینه مذهبی - هنری، نقش مؤثری را ایفاء می‌نموده است.



تصویر ۳) نقشه قرارگیری معابد مهری، نسا و قلعه ضحاک (عمرانی و مرادی، ۱۳۹۳: ۱۱۶)

البته این نوع تأثیر گذاری مذهبی تنها بر غرب و دولت های غربی نبود، چرا که در دولت های شرقی ایران نیز این تأثرات را مشاهده می نماییم. در این میان، مغ ها نیز سالیان دراز بر اشاعه مهرپرستی پرداخته اند، به خصوص در سرزمین سکاها، هندی هایی که به نام سورا، یعنی ستایشگران خورشید معروف بودند و آیین مهری را ترویج می نمودند و وجود مهر نجات بخش در هند و رابطه ای که با آیین مهرپرستی در ایران داشت، توسعه آن را تأیید می کند (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۱۶).

اما آنچه مهم می نماید، تأثیر آیین مهری بر آیین بودا بر اثر ارتباطات صورت پذیرفته در این دوره می باشد. همان طور که می دانیم در دوره اشکانی، ساخت تندیس و شمایل های مذهبی رواج داشت و این نوع تأثیر را می توان حتی در خارج از مرزهای ایران نیز مشاهده نمود. به طور مثال، در مذهب بودا که به رغم بنیانگذارش، از پیکره سازی حمایت نکرده بود و آیینی را فرا می آموخت که مخالف داشتن چیزهای مادی بود، در این دوره دارای غنی ترین و متنوع ترین نظام حمایت بصری شد (تصویر ۴) (دادور و برازنده حسینی، ۱۳۹۸: ۱۷).



تصویر ۴) میترايه بوداهای نشسته، هند (وکیلی، ۱۳۹۳: ۳۳۴)

در دوره کانیشکا^۱ مصادف با این دوره اولین تندیس های بزرگ بودا ساخته شد (وکیلی، ۱۳۹۳: ۲۳۹) که تأثیر مستقیم هنر و مذهب اشکانیان را بر سرزمین های شرقی خراسان بزرگ را به

۱. یکی از بزرگترین پادشاهان کوشانی به سال ۱۲۰ م.

نمایش می‌گذارد. علاوه بر آنچه که بیان شد، در این دوره عنصر دیگری نیز شکل گرفت و آن بودای آخرالزمانی بود که ساختار اساطیری‌اش آشکارا از سوشیانس^۱ زرتشتی و مفهوم آخرالزمانی ایزد داور (مهر دادگر) برگرفته شده است. این بودای ناجی به روشنی آمیختگی دین بودا و کیش مهر را نشان می‌دهد. بودای مهری را "میترایه بودا" می‌نامند. حتی بر پشت سکه‌های کانیشکا نقش میترا دیده می‌شود (تصویر ۵) که شمشیری به کمر دارد و دستش را مانند مودره‌های بودایی بالا گرفته است (همان: ۳۲۲).



تصویر ۵) نقش بودا بر سکه کانیشکا (وکیلی، ۱۳۹۳: ۳۲۲)

لازم به ذکر است در باب اهمیت خراسان بزرگ در رواج مذاهب می‌توان این‌گونه بیان داشت که خراسان از گذشته، مرکز زیارتی زائران بوده است. به‌طور مثال، وجود آتشگاه آذر برزین مهر در رویند که خود عامل ورود زائران و یا مسافران به این منطقه می‌گردید و این امر می‌تواند عاملی برای ترویج مذاهب در این منطقه محسوب گردد (بویس، ۱۳۸۲: ۱۱۷)، بویژه آن‌که در میان مزدیسنا یک یشت اوستا با نام "مهریشت" به نیایش ایزد مهر اختصاص داده شده است و به‌جای دیگر مراسم‌ها، مراسم جشن مهرگان برگزار می‌شد (زرین‌کوب، ۱۳۵۸: ۴۲۱). علاوه بر آنچه که بیان شد، خراسان در شاهراه اصلی جاده ابریشم قرار داشته و در این میان، نه تنها مبادلات تجاری و اقتصادی رونق داشته است، بلکه ما شاهد مبادلات فرهنگی، هنری و حتی مذهبی

۱. منجی آخرالزمانی در دین زرتشت را سوشیانس (Sushyant) گویند.

(مانی، بودایی، مهری، اسلامی) نیز در این مناطق می‌باشیم. به‌طور مثال، برگزاری مراسم‌های آیین مهر در منطقه کوشان (رستم‌بیگی، ۱۳۹۰: ۵۱) که این امر نشان از ارتباطات و تبادلات مذهبی این منطقه با ایران اشکانی است. بنابراین، تأثیرات ادیان بر فرایند ارتباطات میان فرهنگی در مسیر جاده ابریشم گفتنی است که ادیان یکی از مهم‌ترین وجوه عناصر فرهنگی ملت‌ها بوده است (علیزاده بیرجندی، حامدی و ناصری، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

۶- نقش خراسان بزرگ در تحولات هنری و فرهنگی منطقه

تأسیس جاده بازرگانی ابریشم، بی‌گمان یکی از برجسته‌ترین تحولات اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و ارتباطی جهان قدیم بوده است. این جاده مسیری طولانی را از چنگ-آن^۱ در شمال غربی چین تا کناره‌های دریای مدیترانه و دریای سیاه طی می‌کرد. سهم ایرانیان در رونق این جاده اهمیت به‌سزایی داشت، زیرا ایران عصر اشکانی بویژه از سال ۱۰۰ ق.م. به مثابه پل ارتباطی بین شرق و غرب گردید. شهرهای مهم واقع شده در این مسیر را می‌توان ترکستان، بلندی‌های پامیر تا کوشان قدیم، باختر، مرو، سغد و کاشغر، بخارا و سمرقند و در نهایت خراسان بزرگ را ذکر نمود. در این مسیر علاوه بر مبادلات تجاری و اقتصادی، مبادلات فرهنگی-هنری نیز صورت می‌پذیرفت و حتی زبان‌های رایج برای مبادلات نیز در این دوره حائز اهمیت بوده است (محمودآبادی، ۱۳۸۳الف: ۱۰). براین اساس، خراسان بزرگ نقش مهمی در تبادلات فرهنگی و هنری ایران با منطق شرق و غرب را برای ایران اشکانی ایفاء می‌نموده است.

۶-۱- هنر سفال‌گری

سفال‌گری در ایران، از مهمترین شعب هنرهای سنتی بوده است که از بدو آغاز تمدن تا به امروز ادامه پیدا کرده است و در یک نگاه گذار به تاریخ مشاهده می‌نماییم که سفال‌گری ایران، ارزش و منزلتی بی‌نظیر در سراسر جهان دارد و از لحاظ پیشرفت، ابتکار و تزیینات با دو کشور

یونان و چین قابل مقایسه است (مهرپویا، ۱۳۶۸: ۱۷۸). سفال‌گری در دوره اشکانی مانند سبک و شیوه‌ی معماری، شیوه‌ای تألیفی بود که در یک دادوستد سازگار هنری و بازرگانی با مراکز ساخت سفال در کشورهایی چون مصر، بین‌النهرین، چین و باختر، قالب و محتوای گوناگونی به‌خود گرفته و ارائه داده است (کامبخش‌فرد، ۱۳۹۲: ۴۰۳). تا قبل از کاوش‌های باستان‌شناسی در مکان‌های متعلق به دوره اشکانیان، شناخت و تشخیص سفال دوره اشکانی از دوره‌های قبل و بعد دشوار بود، زیرا طبق پژوهش‌ها، اشکانیان ادامه دهنده‌ی سیر فرهنگی و هنر هخامنشیان و عامل انتقال آن به دوره ساسانیان بودند. اما با بررسی و کاوش‌های صورت پذیرفته مشخص گردید، سفال اشکانی دارای شاخصه‌های منحصر به‌فرد خود می‌باشد و دارای نُه منطقه سفال‌گری در ایران بوده است (بصیری و کاتب، ۱۳۹۵: ۴۱). یکی از نُه منطقه سفال‌گری اشکانی، منطقه شمال شرق و شرق ایران می‌باشد و از مراکز مهم سفال‌گری در این دوره را می‌توان نسا، مرو، گرگان، دره‌گز، کشف‌رود و دشت نیشابور بیان داشت (داوری، موسیوند و باوفا، ۱۳۹۷: ۸۶). به‌طور مثال، اولین نمونه‌های سرامیک در دوره اشکانی از نسا یافت شده است (سلیم، ۱۳۵۵: ۶۵) و یا مرو به‌عنوان مهمترین مرکز پارچه‌بافی و سفال‌گری در دوره اشکانی بوده است (نوراللهی، ۱۳۹۴: ۶۱). اما آنچه که در این دوره حائز اهمیت است، نوآوری در هنر سفال‌گری می‌باشد و آن نیز ساخت نوعی لعاب معروف به قلیایی به رنگ‌های سبز و آبی تیره می‌باشد (تصویر ۶).



تصویر ۶) سفال لعابدار اشکانی، ایران (بصیری و کاتب، ۱۳۹۵: ۵۴)

اگر چه استفاده از لعاب به دوره عیلام و بعد از آن هخامنشیان می‌رسد، اما کاربرد لعاب به صورت رنگارنگ تنها در آجر و کاشی‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت و اگر ظروف لعابداری نیز تولید می‌شد، لعاب آن از نظر زیبایی و استحکام به پای لعاب‌های پخته نمی‌رسید. اما لعاب دادن ظروف سفالی بویژه به رنگ سبز و آبی، مخصوص دوره اشکانی و تمامی مراکز سفال‌گری این دوره می‌باشد. این نوع سفال‌های زیبا و پرکاربرد دوره اشکانی، نه تنها در ایران رواج بسیاری یافت، بلکه سرزمین‌های خاور دور، هم‌چون چین که از سرزمین‌های کهن در صنعت و هنر سفال‌گری محسوب می‌گردد نیز متأثر از سفال اشکانی گردید (تصویر ۷).



تصویر ۷) سفال لعابدار به تقلید از لعاب اشکانی، چین (بصیری و کاتب، ۱۳۹۵: ۵۴)

اهمیت این تأثیر بدان جهت است که سفال‌گری و چینی‌سازی در چین یکی از هنرهای کاربردی و باستانی این کشور به‌شمار می‌آید. عده‌ای از محققین، قدمت سفال‌گری چین را به عصر سنگ، یعنی سه هزار سال قبل می‌رسانند و حتی چینیان در زمینه سفال‌گری بر کشورهای مختلفی چون کره، ژاپن و حتی ایران تأثیرات زیادی گذاشته‌اند (مهرپویا، ۱۳۶۸: ۱۷۴). اما در دوره اشکانی، مصادف با سلسله هان در چین (۲۰۶ ق.م)، شاهد سفال‌هایی به سبک اشکانی با لعاب سبز و آبی می‌باشیم که نشان تأثیر هنری سفال‌گری اشکانی بر هنر قدرتمند سفال‌گری چین می‌باشد. در هر حال، در عهد اشکانی، هنر سفال‌گری خود را از قیود هنر هلنیسم رهانید و به هنر خالص و سنتی ایران گرایش

یافت و کم‌کم از فرات تا چین و از سبیری تا هند و از فلات‌های مرتفع مغولستان تا بسفر^۱ گسترده شد (همان: ۱۸۶). براین اساس، این صنعت و کار هنری، متعلق به اشکانی‌ها بوده که به‌دلیل ارتباط بین‌المللی به چین گسترش یافته است (بصیری و کاتب، ۱۳۹۵: ۴۱).

۶-۲- هنر شیشه‌گری

اختراع شیشه به پنج تا شش هزار سال قبل از میلاد برمی‌گردد. تعدادی از دانشمندان اعتقاد دارند که شیشه‌های اولیه در مصر و دیگر کشورهای خاور نزدیک ساخته شده است. به‌طور کلی اولین شواهد شیشه از مصر در ۲۵۰۰ ق.م. و بین‌النهرین به‌دست آمده است (منتظری، ۱۳۶۵: ۱۰). این هنر احتمالاً از بین‌النهرین وارد ایران گشته و مورد استفاده قرار گرفته است. در هزاره دوم قبل از میلاد این فن پیشرفته‌تر گردید که نمونه‌های بسیار شاخص آن را می‌توان در چغازنبیل به‌صورت لوله‌های شیشه‌ای مشاهده نمود (Fukai, 1977: 111). از این‌رو، می‌توان چغازنبیل را در دوره عیلامی اولین مرکز شیشه‌سازی ایران محسوب نمود (Barag, 1985: 178). در دوره هخامنشی نیز روش تراشیدن و جلا دادن شیشه، به شیوه بسیار زیبایی رونق یافت که احتمالاً این فن نیز از بین‌النهرین به ایران منتقل شده است. هخامنشیان به همراه سوری‌ها و کارگاه‌های اوایل دوره هلنی، به‌خوبی می‌توانستند شیشه‌ها را برش بدهند که این مورد پیشرفت شیشه‌گری در این دوره را بیان می‌دارد در ادامه، در سده پنجم و چهارم قبل از میلاد، فن جدید ذوب و قالب‌گیری شیشه اختراع شد و کمی بعد صنعتگران به تهیه شیشه شفاف و بی‌رنگ پرداختند. پس از آن در میانه قرن اول قبل از میلاد، انقلابی در تکنیک^۲ شیشه‌گری روی داد و آن ابداع روش دمیدن^۳ بود که به دو صورت انجام می‌شد. یکی روش دمیدن آزاد^۴ و دیگری دمیدن در قالب^۵ (۳۷). در دوره اشکانی نیز ظروف شیشه‌ای بسیاری به‌دست آمد است که به روش دمیدن آزاد ساخته شده‌اند. اگر چه از نحوه ساخت شیشه در این دوره، اطلاعات

۱. تنگه بسفر باریکه آبی در کشور ترکیه است که دریای سیاه را به دریای مرمره می‌پیوندد

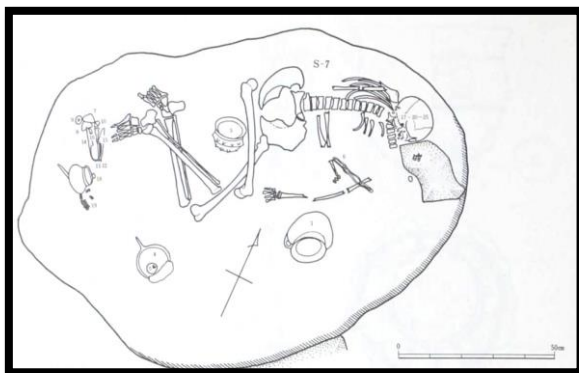
۲. صنعت، فن، روش، راه کار، شیوه

۳. اختراع لوله دم یا نیچه که در منطقه سوری- فلسطینی روی داد.

4. Free blown

5. Mold blown

چندانی به دست نیامده، اما محوطه‌های اشکانی و قبور این دوره، دارای آثار زیادی از ظروف شیشه‌ای می‌باشند (تصویر ۸ و ۹).



تصویر ۸ و ۹) ظرف شیشه‌ای بدست آمده از قبور، حسنی محله (علیخانی، ۱۳۹۵: ۱۲۰)

همان‌طور که در بالا اشاره گردید، اگر چه نمی‌دانیم ظروف شیشه‌ای این دوره در خود ایران ساخته می‌شده و یا به‌عنوان کالاهای وارداتی به ایران آورده می‌شده، اما این نکته را می‌دانیم که در زمان اشکانیان، راهی که از سوریه و شمال میانرودان به خلیج فارس راه می‌یافت، مسیر توزیع این کالا بوده است (صالح‌وند، ۱۳۹۱: ۸۰). بنابراین، محوطه‌های غربی و جنوبی ایران، دارای آثار شیشه‌ای بسیاری از این دوره می‌باشند. اما این امر دلیلی بر عدم استفاده از این کالا در شرق و شمال شرق ایران نمی‌باشد، چرا که از نسا اولین پایتخت اشکانی‌ها گنجینه‌ای به دست آمده است که در میان آنها،

ظروف شیشه‌ای مشاهده می‌گردد. حتی ریتون‌های^۱ عاجی این گنجینه مزین به شیشه و سنگ‌های الوان بوده است و یا در قبور مکشوفه از نسا، شاهد ظروف شیشه‌ای و انگشترهایی با نگین شیشه‌ای می‌باشیم (دیاکونوف و لیوشیتس، ۱۳۸۳: ۱۳۷) که این نشان می‌دهد هنر شیشه‌گری یکی از صنایع جدید خراسان بزرگ در این زمان می‌باشد. نمونه دیگری از محوطه اشکانی در خراسان بزرگ "شهرتپه" در شمال شرق ایران در شهرستان درگز است که محققین احتمال می‌دهند که شهر "دارا" در دوره اشکانی می‌باشد. این تپه نزدیک به کشور ترکمنستان و نسا بوده و دارای شباهتی به لحاظ مواد فرهنگی با این محوطه‌ها می‌باشد. آنچه که در این محوطه حائز اهمیت است، آثاری است که در طی حفاری‌های صورت پذیرفته در این منطقه به‌دست آمده است. در خارج از حصارهای کاوش شده از این تپه، محوطه‌ای کشف گردیده که دارای جوش کوره، سرباره و شیشه (تصویر ۱۰) بوده است که این امر نشان دهنده صنعتی بودن این منطقه می‌باشد (نامی، فیروزمندی و اسمعیلی جلودار، ۱۳۹۶: ۱۳۸).



تصویر ۱۰) شیشه‌های به‌دست آمده از شهرتپه، درگز (نامی، فیروزمندی و اسمعیلی جلودار، ۱۳۹۶: ۱۳۱)

بنابراین، در خراسان بزرگ، صنعت شیشه‌گری رواج داشته و از هنرهای شاخص این منطقه محسوب می‌گردیده است. صنعت شیشه‌سازی در ۲۰۰ سال قبل از میلاد، به‌دلیل وجود جاده

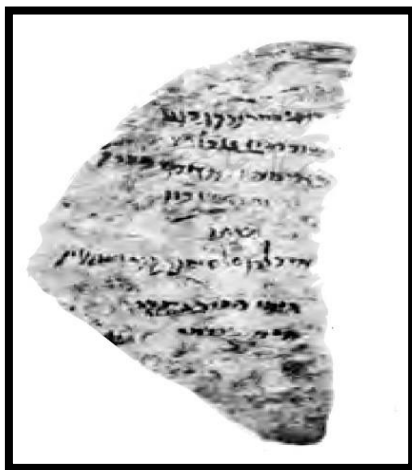
۱. ریتون که یک واژه یونانی است معمولاً به ظرفی اطلاق می‌شود که بخش قدامی انسان و یا حیوان و از یک ظرفی به شکل شاخ که در قسمت تحتانی ظرف به هم متصل می‌شوند تشکیل می‌گردد.

ابریشم و تبادلات تجاری ایران با چین گسترش زیادی یافت (صدیقیان، فرهمند و روشن‌ضمیر، ۱۳۹۱: ۵۱). به‌طور کلی در این دوره، اشکانیان انحصار تجارت جاده خراسان بزرگ یا همان جاده ابریشم را در دست داشتند و مراوده تجاری گسترده‌ای را با مناطق مختلفی هم‌چون چین، هند و روم برقرار نمودند. از کالاهای تجاری وارداتی می‌توان به عاج، ادویه‌جات، پوست لاک پشت، ابریشم، کاغذ و ... اشاره نمود (تشکری، ۲۵۳۶: ۲۱) و در مقابل، از ایران انواع کالاها به‌خصوص مس، قلع، فیروزه، شیشه و ... صادر می‌گشت (قلی‌زاده پرانجوق، ۱۳۹۶: ۴۰).

۶-۳- خط و زبان پهلوی

یکی از بزرگترین عملکرد فرهنگی دوران باستان در زمان پارتیان، در خراسان بزرگ به‌وقوع پیوست که نقش مهمی در فرهنگ و هویت ایران‌زمین ایفاء نمود. خط و زبان نشان دهنده هویت یک سرزمین است که موجب همبستگی و یکپارچگی مردمان می‌گردد. ایران باستان در عین گستردگی و با وجود اقوام گوناگون، دارای خط و زبانی مختص به سرزمین خود بوده است. آغاز خط در ایران باستان را می‌توان از دوره عیلامیان مشاهده نمود که به خط و زبان عیلامی نگارش می‌نمودند. در دوره هخامنشیان نیز علاوه بر خط عیلامی و آرامی، خط جدیدی شکل گرفت که به زبان پارسی باستان معروف است. به‌طور کل در زمان هخامنشیان علاوه بر خط و زبان‌های دیگر، دو زبان ایران باستان، یعنی زبان پارسی و زبان اوستایی رواج داشت. ریشه زبان اوستایی که برای کتابت اوستا استفاده می‌گشت، ریشه از شرق ایران و زبان پارسی، ریشه از غرب ایران دارد (ناتل‌خانلری، ۱۳۶۹: ۱۹۹). زبان پارسی باستان تا قبل از حمله اسکندر بدون تغییر ماند، اما پس از حمله به ایران، واژه‌های زیادی به زبان ایرانی دوران هخامنشی وارد گردید، به‌گونه‌ای که شدت نفوذ زبان یونانی به فرهنگ ایرانی را می‌توان با نفوذ زبان عربی بر زبان فارسی یکی دانست. یونانی‌ها هم‌چون ملت‌های قدیم، زبان اقوام دیگر را به چشم حقارت می‌نگریستند و هر کس را که مانند آنها سخن نمی‌گفت، آنان را الکن^۱ می‌گفتند، هم‌چون اعراب که فارسی‌زبان‌ها را "عجم"، یعنی گنگ می‌خولندند (ایروانی و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۶۰).

این نفوذ تا پس از پیروزی اشکانیان بر یونانی‌ها هم‌چنان ادامه داشت، به‌گونه‌ای که تا بلاش اول اشکانی (۵۱ تا ۷۸ م.) زبان یونانی در ایران استفاده می‌شد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۱۲۵). اما در زمان مهرداد دوم، در خط و نگارش تحولی نوین یافت. او نیز مانند داریوش بزرگ، خطی تازه از ریشه آرامی گرفت و آن را پهلوی اشکانی نامید و زبان ایرانیان شرقی را به‌وسیله آن نگاشت (وکیلی، ۱۳۹۳: ۴۰۴). زبان پارتی چنان‌که از نام آن بر می‌آید، زبان بومی پارت که امروزه خراسان، گرگان و بخشی از جمهوری ترکمنستان را تشکیل می‌دهد، می‌باشد. این زبان به‌منزله‌ی زبان اداری و رسمی دربار در کنار زبان‌های متعدد دیگری که در قلمرو شاهنشاهی اشکانیان بدان صحبت می‌شد، فراتر از خود پارت، در کل ایران و قسمت‌های وسیع آسیای مرکزی رواج یافت. خطی که این زبان بدان نوشته می‌شد، به خط پارتی پهلوی اشکانی معروف است (محمدی نوسودی و تمری، ۱۳۹۵: ۶۱). از اولین نمونه‌های خط پارتی، می‌توان آن را در سفالینه‌های نسا مشاهده نمود (تصویر ۱۱) که اولین بار توسط میخائیل میخائیلوویچ دیاکونوف^۱ و برادرش ایگور میخائیلوویچ دیاکونوف^۲ ترجمه گردید (دیاکونوف و لیوشیتس، ۱۳۸۳: ۱۰).



تصویر ۱۱) خط پهلوی اشکانی، نسا (دیاکونوف و لیوشیتس، ۱۳۸۳: ۱۴۸)

-
1. Mikhail Mikhailovich Diakonov
 2. Igor Mikhailovich Diakonov

خط و زبان پهلوی اشکانی در دوره ساسانی نیز مورد استفاده قرار گرفت، اما در طول زمان کمی تغییر نموده و به پهلوی ساسانی مصطلح گردید. به طور کلی اصطلاح زبان فارسی میانه، از حمله اسکندر تا آغاز دوره اسلامی در ایران اطلاق می‌گردد که خود زبان فارسی میانه به دو دوره فارسی میانه اشکانی و فارسی میانه ساسانی تقسیم می‌گردد (ایروانی و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۵۹) و باز پس از اسلام با کمی تغییر، زبان فارسی دری نامیده شد. طبق پژوهش‌های پژوهشگران نیز زادگاه زبان فارسی دری، سرزمین خراسان بزرگ و ماوراءالنهر بوده است (رحیم‌پور، ۱۳۸۹: ۴۸). پس از دوره ساسانی، با حمله اعراب به ایران و سرزمین‌های مجاور هم‌چون افغانستان، پاکستان و ... فصلی جدید در تاریخ و فرهنگ شرق رگم خورد. در این دوره، زبان عربی در ایران چنان رایج گشت که زبان فارسی دچار اضمحلال شدیدی گردید، اما با تلاش‌های افراد بسیاری، بار دیگر زبان فارسی هویت خویش را بازگرداند که در این راستا می‌توان به کارهای ارزنده‌ای چون ابوالقاسم فردوسی که از طریق شاهنامه‌نویسی و با به‌کارگیری از متون خدای‌نامه و دیگر متون پهلوی، اثری جاوید خلق نمود و هم‌چنین تلاش‌های ابومنصور محمد بن عبدالرزاق سیپهسالار خراسان که در سال ۳۶۶ قمری با همکاری چند تن از دانشمندان خراسان و سیستان، به گردآوری کتب خدای‌نامه و دیگر متون پهلوی زیر نظر ابومنصور المعمری پرداخت، اشاره نمود (ایروانی و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۵۹). لازم به ذکر است که پس از حمله اعراب به ایران و تسلط و جایگزینی زبان عربی به جای زبان پارسی، خراسانیان در مقابل نفوذ فرهنگی اعراب مقاومت نمودند و خط عربی را با تغییراتی، موافق زبان خود ساختند. اما به رگم همه فراز و نشیب‌ها، زبان فارسی دری به عنوان زبان بومی خراسان باقی ماند (رحیم‌پور، ۱۳۸۹: ۴۹).

نتیجه

در این پژوهش سعی گردید به جایگاه خراسان بزرگ در تحولات مذهبی و هنری اشکانیان در منطقه شرق پرداخته شود. مسأله‌ای که به دلیل تخریب آثار توسط ساسانیان و هم گذر زمان بسیار مخدوش و مبهم باقی مانده است. از آنجا که خراسان بزرگ با قرارگیری در مهمترین گذرگاه (کریدور)

ارتباطی شرق و غرب، به عنوان اولین تختگاه پارتی‌ها محسوب می‌گردد، لیکن پژوهش در این زمینه اطلاعاتی ارزنده در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. در نتیجه، در این پژوهش سعی گردید بر اساس پرسش‌های مطرح شده، به پاسخ‌گویی پرسش‌ها بر اساس داده‌های باستان‌شناختی و منابع دسته اول پرداخته شود. در این راستا، مشاهده نمودیم که چهار مذهب هلنی، زرتشتی، مهری و بودایی در شرق ایران وجود داشته است که نشان از تسامح مذهبی در این منطقه می‌باشد. در زمینه مذهب هلنی باید اذعان داشت که پذیرش خدایان یونانی در ایران اشکانی، منوط به خدایانی گردید که دارای همزاد یا همتایی در مذهب ایران بوده‌اند، هم‌چون آفرودیت با ایزد آناهیتا. در زمینه مذهب زرتشتی نیز مشاهده نمودیم که بنیان حکومتی اشکانیان بر اساس دین زرتشتی هخامنشیان بوده که آثار نسا دلیلی بر ادعای این سخن است. دین زرتشت در این دوره، نه تنها دین دولتی ایران گردید، بلکه در دین همسایگان شرقی نیز نفوذ یافت و منجر به تحولاتی در دیدگاه بودایی شد. در کنار دین زرتشت نیز آیین مهری که به دلیل جنگاور بودن این ایزد، اهمیت به‌سزایی یافت، تا آنجا که هم در روم و هم در هند، معابدی برای این ایزد برپا گردید. در مقابل این تأثیرات، دین بودایی نیز توانست در ایران نفوذ یافته و معابدی برپا سازد، تا آنجا که شاهزادگان اشکانی با پذیرش این دین به ترویج آن پرداخته و تا چین این مذهب را گسترش دادند. پس از تحولات مذهبی این منطقه و تأثیر آن در فلات ایران، هند و چین، به تحولات هنری و فرهنگی این دوره در منطقه خراسان پرداخته شد. پس از آن سفال‌گری به عنوان یکی از شاخصه‌های هنری اشکانی مورد بررسی قرار گرفت و مشاهده گردید که سفال با لعاب سبز و آبی، یکی از شاخصه‌های هنری این دوره بوده است که به دلیل وجود کارگاه‌های بزرگ سفال‌گری در خراسان بزرگ و قرارگیری در جاده ابریشم یا همان جاده خراسان، این نوع سفال به چین انتقال یافت. شیشه‌گری نیز یکی دیگر از صنایع ایران می‌باشد که در دوره اشکانی رواج بسیاری یافت. این سبک به احتمال از مصر و بین‌النهرین به ایران و سپس از ایران به ملل شرق انتقال یافته است. در این انتقال به دلیل وجود ظروف شیشه‌ای و به احتمال کارگاه‌های تولید شیشه در خراسان بزرگ، علاوه بر جاده‌های تجاری شرقی، خراسان بزرگ نیز تأثیرگذار بوده است. در آخر نیز مردمان خراسان بزرگ در دوره اشکانی، با ایجاد خط و زبانی به نام پهلوی اشکانی، نه تنها هویت و ملیت ایران بزرگ را در تمامی دوران‌های تاریخ، زنده نگه داشته‌اند، بلکه دیگر سرزمین‌های مجاور

خویش را نیز با خود هم‌زبان ساختند که هم‌اکنون در افغانستان و تاجیکستان این اشتراک را می‌توان مشاهده نمود.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۶). *تاریخ زبان‌های فارسی*. تهران: سمت.
- استرابون (۱۳۷۰). *جغرافیای استرابو (سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان)*. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- اکبرپور، علی (۱۳۹۶). "اشکانیان سرچشمه آیین پهلوی". *تاریخ‌نگار*، سال دوم، ش ۱۲ (اردیبهشت): ۲۰-۳۱.
- ایروانی، محمدرضا؛ محمدی، عبدالرضا (۱۳۸۸). "واژه‌سازی و واژه‌گزینی، نظامی در زبان و ادبیات فارسی (فارسی باستان و فارسی میانه)". *فصلنامه مدیریت نظامی*، سال سوم، ش ۳۵ (پاییز): ۱۴۵-۱۸۰.
- بصیری، فرانک؛ کاتب، فاطمه (۱۳۹۵). "پژوهشی بر تأثیر متقابل ایران در عصر اشکانی و چین در دوره سلسله هان". *تاریخ روابط خارجی*، سال هفدهم، ش ۶۸ (پاییز و زمستان): ۳۵-۵۸.
- بویس، مری (۱۳۸۲). *زردشتیان، باورها و آداب دینی آنها*. ترجمه عسکر بهرامی. تهران: ققنوس.
- بهزادی، رقیه (۱۳۷۱). "کوشان‌ها". *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره اول، ش ۳ (زمستان): ۸۹-۱۱۶.
- بیانی، شیرین (۱۳۵۰). "نظری بر روابط فرهنگی ایران باستان با شرق و غرب". *بررسی‌های تاریخی*، سال ششم، ش ۳ (مهر و آبان): ۱۱۱-۱۳۶.
- بیانی، ملکزاده (۱۳۵۳). "ضرابخانه‌های پارسی". *مجله پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال نهم، ش ۹ (مهر و آبان): ۱-۱۶.
- _____ (۱۳۵۶). "اولین تختگاه پارت". *مجله بررسی‌های تاریخی*، سال دوازدهم، ش ۷ (خرداد و تیر): ۹۰-۱۰۹.
- پیرنیا، حسن (۱۳۸۹). *تاریخ ایران باستان*. تهران: آگاه.
- تشکری، عباس (۲۵۳۶). *ایران به روایت چین باستان*. تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه روابط بین‌المللی.

- توین بی، آرنولد (۱۳۷۹). *جغرافیای اداری هخامنشیان*. ترجمه همایون صنعتی زاده. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- جوان، موسی (۱۳۸۶). *تاریخ اجتماعی ایران باستان: از آغاز مهاجرت به سرزمین قدیم ایران تا حمله اسکندر مقدونی*. تهران: علم.
- حکمت آرا، حامد (۱۳۹۶). "نسا (عشق آباد) وارث اصلی تمدن پارسی و اشکانی". در: مجموعه مقالات برگزیده پنجمین کنفرانس علمی - پژوهشی افق های نوین در علوم جغرافیا و برنامه ریزی، معماری و شهرسازی. گردآورنده علی دشتی. تهران: انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین: ۱-۱۰.
- خسروی، زینب؛ صادقی، سارا؛ افخمی، بهروز (۱۳۹۷). "اندیشه سیاسی قدرت گیری و توسعه - طلبی در امپراتوری اشکانی بر اساس شواهد باستان شناسی و تاریخی". پژوهش های باستان شناسی/ ایران، دوره هشتم، ش ۱ (بهار): ۹۷-۱۱۳.
- دادور، ابوالقاسم؛ برازنده حسینی، مهتاب (۱۳۹۸). "مطالعه تطبیقی آتشکده های زرتشتی و استوپاهای بودایی". پژوهش های هنرهای تجسمی نقش مایه، دوره نوزدهم، ش ۶ (تیر): ۷-۲۰.
- داوری، محمدصادق؛ موسیوند، فاطمه؛ باوفا، حسن (۱۳۹۷). "تبیین شاخصه های سفالی اوایل دوره پارسی در حوضه کشف رود بر اساس گونه شناسی سفال های تپه اسماعیل آباد مشهد". *مطالعات باستان شناسی*، دوره دهم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۷۵-۹۴.
- دیاکونوف، ای. م؛ لیوشیتس، و. آ. (۱۳۸۳). *کتیبه های اشکانی نسا (اسناد اقتصادی)*. ترجمه شهرام حیدر آبادیان. تهران: کلام شیدا.
- رحمانی، امیر، و دیگران (۱۳۹۲). "شهر نیشابور در گذر زمان (عصر قدیم و جدید)". *خراسان بزرگ*، سال چهارم، ش ۱۰ (بهار): ۲۴-۳۳.
- رحیم پور، علی (۱۳۸۹). "تاریخ و فرهنگ خراسان بزرگ". *خراسان بزرگ*، دوره یکم، ش ۱ (زمستان): ۳۶-۷۴.
- رستم بیگی، سمانه (۱۳۹۰). "نقش مایه های مهری در نقوش تزیینی هنر ایران". نگره، دوره ۶، ش ۱۹ (تابستان): ۴۹-۶۵.

- زرین کوب، روزبه؛ نادری، فرشید (۱۳۹۳). "اشکانیان و سنت‌های کهن ایرانی، پای‌بندی یا عدم تقلید اشکانیان به سنت‌ها و موارث فرهنگی ایرانی". *جستارهای تاریخی*، سال پنجم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۴۱-۶۴.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۸). *در قلمرو وجدان (سیری در عقاید، ادیان و اساطیر)*. تهران: علمی.
- سلیم، غلامرضا (۱۳۵۵). *تاریخ و فرهنگ ایران در زمان اشکانیان*. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- سیاه‌پوش، سیدابوتراب (۱۳۹۴). "هلنیسم و نقش آن در فرهنگ ایران پیش از اسلام". *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال ششم، ش ۱ (بهار): ۴۷-۷۴.
- شیوا، امید (۱۳۹۰). "خراسان بزرگ و خراسانیان". *تاریخ‌پژوهی*، سال پنجم، ش ۴۸ (پاییز): ۱۹۵-۲۰۲.
- صالح‌وند، نوید (۱۳۹۱). "بررسی و مطالعه ظروف شیشه‌ای دوره اشکانی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی).
- صدیقیان، حسن؛ فرهمند، حسن؛ روشن‌ضمیر، علی (۱۳۹۱). "صنعت شیشه‌گری ایران در صدر اسلام". *باستان‌شناسی شوشتر*، دوره یکم، ش ۱ (پاییز و زمستان): ۴۹-۶۴.
- ظهوریان، مریم (۱۳۹۵). "بررسی نقوش نمادین و نشان‌های رمزی در معماری شاخص ایران (از عیلام تا پایان امپراطوری ساسانی با رویکرد معناشناسی)". رساله دکتری باستان‌شناسی (گرایش تاریخی)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- عزیزی‌پور، طاهره (۱۳۹۷). "وضعیت اقتصادی کوشانیان و عوامل تأثیرگذار بر آن". *پژوهش‌های علوم تاریخی*، سال دهم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۱۳۷-۱۵۲.
- علیخانی، ذبیح‌الله (۱۳۹۵). "بررسی و تحلیل داده‌های باستان‌شناسی محوطه دیلمان و املش در دوره اشکانی (سفال، شیشه، معماری قبور)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد.
- علیزاده بیرجندی، زهرا؛ حامدی، زهرا؛ ناصری، اکرم (۱۳۹۵). "واکاوی عوامل مؤثر بر

دادوستدهای آیینی در جاده ابریشم با تأکید بر نقش ادیان هندی". معرفت/ادیان، سال هفتم، ش ۴ (پاییز): ۱۰۸-۱۱۹.

- عمرانی، بهروز؛ مرادی، امین (۱۳۹۳). "جایگاه مجموعه زهاک در روند ترویج اندیشه‌های مهرپرستی و معماری مرتبط با آن". مطالعات باستان‌شناسی، دوره ششم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۱۱۲-۱۳۰.

- فرای، ر. نیلسون (۱۳۸۲). تاریخ باستانی ایران. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.

- قلی‌زاده پرانجوق، گلنار (۱۳۹۶). "بازرگانی داخلی و خارجی در دوره اشکانیان". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه.

- کامبخش‌فرد، سیفالله (۱۳۹۲). سفال و سفال‌گری در ایران (از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر). تهران: ققنوس.

- کاویانی، پویا (۱۳۹۷). "عملکرد اشکانیان در پاسداری از مرزها (مرزبانان اساطیری-تاریخی)". ادبیات پایدار، دوره دهم، ش ۱۹ (پاییز و زمستان): ۲۵۴-۲۷۵.

- کجباف، علی‌اکبر (۱۳۷۶). "روابط ایران و چین از آغاز تا ساسانیان، سیاسی - مذهبی - اقتصادی". مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال سیزدهم، ش ۹ (بهار): ۱۴۵-۱۷۵.

- کریم‌الوار، کیوان؛ خسروآبادی، مریم (۱۳۹۳). جغرافیای تاریخی خراسان بزرگ (مطالعه موردی بلخ، ترمذ، بدخشان و خراسان). اصفهان: کنکاش.

- گرنه، فرانتیس (۱۳۹۸). "پیکره‌نگاری میترا در ایران و آسیای میانه". ایران ورجاوند، سال دوم، ش ۲ (بهار و تابستان): ۱۶-۲۴.

- محمدی، حسین (۱۳۹۵). "روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و هند در عصر پارتیان". فصلنامه شبه قاره هند، سال هشتم، ش ۲۷ (تابستان): ۱۰۳-۱۲۴.

- محمدی نوسودی، صهیب؛ تمری، نازنین (۱۳۹۵). "داده‌های تاریخی در سفال‌نوشته‌های نسا". پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ششم، ش ۱۴ (پاییز): ۵۹-۷۸.

- محمودآبادی، سیداصغر (۱۳۸۳ الف). "جاده ابریشم در ساختار سه دولت ایران، چین و روم باستان در دوره اشکانیان". فرهنگ/صفهان، سال نهم، ش ۲۷ (بهار و تابستان): ۴-۱۵.
- _____ (۱۳۸۳ ب). "جستاری در زمینه‌های برآمدن اشکانیان در خراسان بزرگ". مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی/دانشگاه اصفهان، دوره دوم، ش ۳۶ (بهار و تابستان): ۱۲۹-۱۵۰.
- مدیرشانه‌چی، کاظم (۱۳۴۷). "حدود خراسان در طول تاریخ". فصلنامه دانشکده الهیات و معارف اسلامی/دانشگاه مشهد، سال اول، ش ۱ (بهار): ۱۱۴-۱۵۲.
- منتظری، علی (۱۳۶۵). "شیشه". مطالعات علمی، سال اول، ش ۱۷ (زمستان): ۸-۱۶.
- مهرپویا، جمشید (۱۳۶۸). "شناخت هنرهای سنتی ایران (سفال، کاشی، سرامیک)". فصلنامه هنر، سال نهم، ش ۱۷ (بهار): ۱۶۶-۱۹۵.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۹). تاریخ زبان فارسی. تهران: نشر نو.
- نامی، حسن، فیروزمندی؛ بهمن؛ اسمعیلی جلودار، محمداسماعیل (۱۳۹۶). "تحلیل و گاه-نگاری پیشنهادی شهر اشکانی (شهرتپه) چاپشلو در شهرستان درگز". پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره هفتم، ش ۱۳ (بهار و تابستان): ۱۲۳-۱۴۲.
- خادمی ندوشن، فرهنگ (۱۳۸۱). "تاریخ کوشانیان با استفاده از منابع باستان‌شناسی". پژوهشنامه علوم انسانی، سال دهم، ش ۳۴ (تابستان): ۱۲۷-۱۳۴.
- نوراللهی، علی (۱۳۹۴). "گذری بر معماری و شهرسازی ایران در دوره اشکانی". دانش و مرمت و میراث فرهنگی، سال سوم، ش ۵ (تابستان): ۵۰-۸۰.
- ورمازرن، مارتین (۱۳۸۷). نماد میترا، ترمه: بزرگ نادرزاد. تهران: چشمه.
- وکیلی، شروین (۱۳۹۳). تاریخ سیاسی شاهنشاهی اشکانی. تهران: شوراآفرین.
- یارشاطر، احسان، و دیگران (۱۳۸۹). تاریخ ایران کمبریج (از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان). ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- Barag, D. (1985). *Catalogue of western asiatic glass in the British museum*. London: British Museum Publication.
- Boyce, M. (1986). "Arsacids iv. Arsacid religion". *Encyclopædia Iranica*, Vol. 2, 540- 548.
- De Jong, A. (2013). "Religion in Iran: The Parthian & Sasanian Periods". In: *The*

Cambridge history of Religions in the Ancient world II: From the Hellenistic Age to LateAntiquity. Id. M.R.Salsman, W. Adler. 23-53.

- Fukai, Shinji (1977). *Persian Glass*. New York: Weatherhill.

- Ghirshman, R. (1953). *Iranian art during the sasanian and Partian Period*. New York: Golden Press.

- Kent, R. G. (1953). *Old Persian: grammar, Text, Lexicon*. New Haven, CT: American oriental societ.

- Wanke, J. R. (1981). "Elamaeans, Parthians and the Evoulution of Empire in Southwestern Iran". *Journal of American oriental Society*, Vol. 101, No. 3: 303-315.

- Wolski, J. (1966). "Les Achéménides et les Arsacides: Contribution à l'histoire de la formation des traditions iraniennes". *Syria*, Vol. 43, No. 2: 63-89.

تحلیلی بر سکه‌های ناصرالدین‌شاه قاجار ضرب شده در هرات با استفاده از تجزیه عنصری پیکسی

حسین کوهستانی‌اندروزی^۱

زهره جوزی^۲

زهره نصراللهی^۳

محمدامین سعادت‌مهر^۴

مریم یاغی‌زهی^۵

هانیه حسین‌نیا امیرکلایی^۶

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

شماره صفحه: ۱۱۵-۱۴۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۶

چکیده

پس از مرگ ناگهانی یارمحمدخان ظهیرالدوله (۱۲۵۸-۱۲۶۷ق.)، به سال ۱۲۶۷ق.، هرج و مرج فراوانی در هرات پدید آمد. در دل این آشفتگی‌ها، افراد زیادی تحت امر دولت ایران و خارج آن، به قدرت رسیدند و در نهایت دوست‌محمدخان بارکزیایی (۱۲۵۸-۱۲۸۰ق.) به سال ۱۲۷۹ق.، هرات را برای همیشه از ایران جدا ساخت. در خلال آشفتگی‌های هرات (۱۲۶۷-۱۲۸۰ق.)، سکه‌هایی نیز به نام ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق.) در تاریخ‌های ۱۲۶۹ و ۱۲۷۳-۱۲۷۹ق. در این شهر به ضرب رسید. توجه بیشتر بدین سکه‌ها دو مسأله را به همراه دارد، یکی آن‌که نظام پولی

hkoohestani@birjand.ac.ir

zj332244@gmail.com

z.nasrolahi93@gmail.com

ma.saadatmehr@gmail.com

maryamyaghezahi1397@gmail.com

hanieamiri7@gmail.com

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند

۲. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

۳. دانشجوی کارشناسی‌ارشد گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

۴. دانشجوی دکترای گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران، نویسنده مسؤول

۵. دانشجوی کارشناسی‌ارشد گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

۶. دانشجوی کارشناسی‌ارشد گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران

عصر ناصری از ساختار خاصی پیروی نمی‌کرد و سکه‌های هر محل با عیارهای متفاوت به ضرب می‌رسید و دیگری آن‌که معمولاً در دوران‌های پرتنش، قدرت اقتصادی هر شهر تضعیف می‌گشت و عیار سکه نیز بدان واسطه بسیار پایین می‌آمد. بنابراین تجزیه عنصری سکه‌های این دوره با استفاده از شیوه پیکسی به دلیل سرعت، دقت بالا و غیرمخرب بودن آن، می‌تواند تحلیل خوبی از این اوضاع ارائه دهد. از این‌رو، برای مطالعه در این امر تعداد ۲۱ سکه در نه تاریخ متفاوت، مورد تجزیه عنصری قرار گرفت. در نتیجه مشخص شد که عیار نقره این سکه‌ها بالاتر از ۹۰٪ بوده که در مقایسه ضرابخانه‌های اصلی، یعنی مشهد (۸۴٪)، تبریز (۸۲٪)، طهران (۹۰٪)، اصفهان (۸۴٪)، و شیراز (۹۰٪)، در جایگاه بالایی قرار می‌گرفته و این نشان دهنده تابعیت ضرابخانه هرات از نظام اصلی ضرب سکه، یعنی نظام تهران بوده که حتی در اوج تنش‌ها هم، از عیار این سکه‌ها کسر نگردیده است. در پایان نیز اطلاعات ارزشمندی از نحوه عیار زدن فلز سکه‌ها با فلزات مس و آهن و نوع معادن نقره مورد استفاده، یعنی معادن سروزیت به دست آمد.

واژگان کلیدی: هرات، سکه‌شناسی، ناصرالدین‌شاه قاجار، آزمایش پیکسی، باستان‌سنجی

مقدمه

با کشته‌شدن نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰ ق.) و به واسطه عدم ثبات سیاسی در عصر جانشینان او، افغان‌های درآنی بر هرات مسلط شدند. (جوان‌لاجی، لعل‌شاطری و سرافرازی، ۱۳۹۶: ۸۴). پس از سپری شدن دوران حکومت کامران‌میرزا درآنی (۱۲۴۵-۱۲۵۸ ق.) به سال ۱۲۵۸ ق. یارمحمدخان رسماً به حکومت هرات رسید و در سال ۱۲۶۵ ق. به اطاعت ناصرالدین‌شاه قاجار درآمد و از او لقب ظهیرالدوله گرفت. مرگ ناگهانی یارمحمدخان در سال ۱۲۶۷ ق. ضربه بزرگی بر امنیت هرات وارد نمود. پس از او، پسرش صیدمحمدخان (۱۲۶۷-۱۲۷۲ ق.)، محمدیوسف‌خان (۱۲۷۱-۱۲۷۳ ق.)، حسام‌السلطنه والی خراسان (۱۲۷۳ ق.) و سلطان احمدخان (۱۲۷۳-۱۲۷۹ ق.) تحت امر دولت ایران به قدرت رسیدند و در نهایت با غلبه دوست‌محمدخان بارکزیایی در سال ۱۲۷۹ ق. حاکمیت سیاسی ایران بر هرات، برای همیشه پایان یافت.

هرات در بستر تاریخی ایران، پیوسته یکی از نقاط دارای اهمیت از ابعاد گوناگون سیاسی، نظامی، فرهنگی و بویژه اقتصادی محسوب می‌گردید و از دوران اشکانی، سکه‌های فراوانی با نام این شهر تابع نظام پولی حکومت به ضرب رسیده است (عقیلی، ۱۳۷۷: ۳۶۳-۳۶۴). در گذشته حاکمیت‌ها در جهت تضمین ارزش پول، براساس محتوای فلزی قوانین وضع کرده و کارگزارانی برای آنها تعیین می‌کردند. نظام پولی در دوره قاجار نیز بر پایه قوانین عصر صفوی بنا شد، اما این نظام در عصر ناصری بسیار آشفته شد، تا آنجا که سکه‌ها گونه‌ای محلی به حساب می‌آمدند. در هر شهر قران‌های نقره با عیارهای متفاوت به ضرب می‌رسید و نرخ تبدیل آنان با تومان‌های طلا بسیار متفاوت بود. در واقع، پول‌های رایج در یک شهر با همان ارزش در شهرهای دیگر پذیرفته نمی‌شد و فقط در صورت کسر مبلغی با عنوان نرخ تسعیر، قابل پذیرش و تبدیل بود (مته، فلور و کلاوسون، ۱۳۹۶: ۲۸۱-۲۸۲). شهر هرات نیز از این دایره خارج نبوده و قران‌های نقره فراوانی، بین سال‌های ۱۲۶۹، ۱۲۷۳-۱۲۷۹ ق. به ضرب رسانده بود.

در اینجا سکه‌ها را می‌توان سندی ارزشمند و بهترین داده‌های باستان‌شناختی دانست، زیرا مانند متون تاریخی با هدف خوانش آیندگان پدید نیامده است (کیان‌زادگان و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۸۲). از این‌رو، تجزیه عنصری سکه‌های این دوره، بویژه با استفاده از تجزیه عنصری پیکسی^۱ می‌تواند اطلاعات ارزشمندی درباره شرایط سیاسی-اقتصادی در اختیار گذارد، تا تحلیل بهتری از شرایط دوران مورد پژوهش به دست آید (Beck, et al., 2004: 153-154). سکه‌های مورد مطالعه در این پژوهش، متعلق به مجموعه شخصی سیدحسن سادات‌رضوی (حیدرآباد هند) بوده که به رسم امانت در اختیار نگارندگان قرار گرفته است. سکه‌های ناصرالدین‌شاه ضرب هرات در تاریخ‌های ۱۲۶۹، ۱۲۷۳-۱۲۷۹ ق. (به انضمام سکه‌ای با تاریخ اشتباه ۱۲۸۷ ق.) به ضرب رسیده‌اند که در مجموع نه سکه متفاوت از منظر تاریخ ضرب را در بر می‌گیرد. از این‌رو، از هر تاریخ ضرب، دو سکه و از تاریخ‌های ۱۲۶۹، ۱۲۷۳ و ۱۲۷۹ ق. سه سکه برای آزمایش در

نظر گرفته شد که در مجموع تعداد ۲۱ سکه در مؤسسه فیزیک بوبانسور^۱ (ایالت اوریسا، هند) مورد آزمایش پیکسی قرار گرفت.

از آنجا که نظام پولی عصر ناصری از ساختار خاصی پیروی نمی‌کرد و سکه‌های هر محل با عیارهای متفاوت به ضرب می‌رسید، دو پرسش مطرح می‌شود:

۱- مقدار خلوص نقره سکه‌های ضرب شده در هرات چگونه بوده و سیر تغییرات آن چگونه رقم خورده است؟

۲- سکه‌های شهر هرات از نظر میزان خلوص نقره، در جایگاه شهری پرتنش، در برابر شهرهای اصلی ایران، نظیر مشهد، تبریز، تهران، اصفهان، و شیراز چگونه بوده است؟
در این نوشتار، سعی بر آن بوده که علاوه بر تلفیق نگاشته‌های تاریخی و اطلاعات سکه‌شناسی، به تجزیه عنصری پیکسی سکه‌های ناصرالدین‌شاه ضرب هرات در تمامی تاریخ‌های ضرب پرداخته شود، تا تحلیلی از نحوه عملکرد و تعهد این ضرابخانه به نظام مرکزی ضرب مسکوکات ارائه گردد و قدرت اقتصادی آن در قیاس با سایر شهرهای پراهمیت سنجیده شود.

روش پژوهش

در پژوهش داده‌های باستانی و ترکیبات عنصری آنها، روش‌های متفاوتی نظیر پراش پرتو ایکس^۲، فلورسانس پرتو ایکس^۳، انتشار اشعه ایکس ناشی از ذرات^۴، طیف‌سنجی جذب اتمی^۵، تجزیه فعال‌سازی نوترونی^۶ و غیره استفاده می‌شود (خادمیندوشن و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۴). در این پژوهش از میان سایر شیوه‌های تجزیه عنصری، از شیوه پیکسی به دلیل سرعت، دقت بالا و از همه مهم‌تر غیرمخرب بودن آن (Linke, Schreiner & Demortier, 2004: 173)، برای مطالعه سکه‌ها استفاده شده است. این شیوه انواع گوناگونی نظیر پیکسی متعارف، پیکسی با

-
1. Institute of Physics, Bhubaneswar (IOPB)
 2. X-Ray Diffraction (XRD)
 3. X-Ray Fluorescence (XRF)
 4. Particle-Induced X-Ray Emission (PIXE)
 5. Atomic Absorption Spectroscopy (AAS)
 6. Neutron Activation Analysis (NAA)

باریکه خارجی^۱، میکروپیکسی^۲، و فلورسانس پرتوی ایکس ناشی از پروتون^۳ را برای مطالعات باستان‌سنجی ارائه می‌دهد (لامعی‌رشتی، ۱۳۸۲: ۷۵-۹۲). بنابراین پایه این پژوهش بر پیکسی متعارف قرار گرفت و این شیوه، روشی معمول برای تجزیه عنصری نمونه‌های همگن، مانند سکه‌ها محسوب می‌شود. در نمونه‌های همگن، اجزای آن به صورت یکنواخت پراکنده شده‌اند و در صورت غیرهمگن بودن نمونه‌ها، می‌توان از روش‌های دیگر، مانند میکروپیکسی و غیره استفاده نمود (اسماعیل‌زاده‌کیوی، ۱۳۹۲: ۲۸).

پیشینه پژوهش

با تأسیس بانک شاهنشاهی ایران و معلوم نبودن ارزش دقیق سکه‌های نقره ضربخانه‌های محلی، رابینو (Rabino, 1892: 1-56) رئیس وقت بانک شاهنشاهی، شخصی به نام پیکن^۴ را مأمور به تجزیه عنصری قران‌های نقره عصر ناصری نمود، تا فهرستی از ارزش واقعی سکه‌های نقره نسبت به فرانک فرانسه تهیه کند. پیکن از بیشتر ضربخانه‌های محلی، سکه‌ای تهیه نموده، آنها را با روش‌های سنتی مورد تجزیه قرار داد و رابینو نیز نتایج آن را در مقاله‌ای با عنوان "بانکداری در ایران"^۵ در سال ۱۸۹۲ میلادی (۱۳۰۹ ق.) به چاپ رسانید. از این‌رو، تاکنون در مورد تجزیه عنصری سکه‌های عصر ناصری با روش پیکسی پژوهشی صورت نگرفته است، اما از منظر رویکردی این مقاله، مقاله‌ای مشابه با عنوان "تجزیه عنصری سکه‌های پیروز ساسانی به روش پیکسی، مطالعه موردی: سکه‌های گنجینه پیروزگت کشف‌شده از روستای تیس چابهار"، به چاپ رسیده (کیان‌زادگان و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۸۱-۱۹۶) که تحلیل‌های آن به مانند این مقاله بر عناصر نقره، مس، و آهن استوار بوده و اشاره‌ای نیز به عناصر سرب و طلا در تعیین نوع

-
1. External PIXE
 2. MicroPIXE
 3. Proton-Induced X-Ray Fluorescence (PIXRF)
 4. Pecan
 5. Banking in Persia

معادن سروزیت^۱ و گالنا^۲ داشته است.

هرات در عصر ناصری

با به سلطنت نشستن ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۶۴ق. و با آگاهی یافتن یارمحمدخان سدوزایی از این جلوس، میرزا بزرگ قرایی را به منظور ابراز اطاعت روانه تهران کرد. به دستور ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۵ق. مرادمیرزا ملقب به حسام السلطنه به حکومت خراسان و یارمحمدخان با لقب ظهیرالدوله به حکومت هرات منصوب گشتند (شمیم، ۱۳۸۴: ۱۵۴). اما مرگ ناگهانی یارمحمدخان در سال ۱۲۶۷ق. در حالی که از مأموریت موفقیت آمیز خود از سیستان به هرات بر می گشت، ضربه بزرگی بر این سیاست وارد آورد (متولی حقیقی، ۱۳۸۳: ۲۴۲؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۹: ۲۷۲؛ آدمیت، ۱۳۴۸: ۶۱۶-۶۱۷؛ نصر، ۱۳۶۳: ۲۵۲).

پس از او فرزندش صیدمحمدخان جانشین وی شد و نسبت به پادشاه ایران، اظهار اطاعت نمود. دولت انگلیس که از روابط نزدیک صیدمحمدخان با دولت ایران ناراضی بود، درصدد برانداختن امیر هرات برآمد و مدعیانی برای او درست کرد. در شورش که در اوایل سال ۱۲۷۲ق. رخ داد، صیدمحمدخان کشته شد و نیروی دوست محمدخان بارکزیایی به حوالی آن شهر رسید. ناصرالدین شاه درصدد برآمد قبل از آن که هرات به دست دوست محمدخان بیفتد، آن شهر را نجات دهد. بنابراین به حسام السلطنه (مرادمیرزا) والی خراسان دستور حمله به هرات را صادر کرد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۹: ۲۷۲).

عضدقاجار (۱۳۷۶: ۱۹۴) در مورد صیدمحمدخان، نظر دیگری دارد و می گوید: «پس از مرگ یارمحمدخان در سال ۱۲۶۷ق.، فرزندش صیدمحمدخان بر جای وی نشست. اما چون مردی بی رحم و ستمکار بود، اهالی هرات در سال ۱۲۷۲ق. هنگامی که وی در هرات نبود، محمدیوسف میرزا را که در مشهد اقامت داشت و در واقع یک ایرانی بود، به آنجا طلبیدند و وی را به عنوان حاکم هرات به امارت منصوب کردند. او نیز بعد از به دست گرفتن قدرت در هرات، اعلام اطاعت از دربار ایران

کرد». شبیانی (۱۳۶۶: ۱۱) نیز در منتخب/تواریخ همین نظر را تأیید می‌کند.

اما محمدیوسف میرزا بعدها سر از اطاعت ایران پیچید و هنگامی که خبر خیانت او به حسام‌السلطنه رسید، وی شخصاً به سوی هرات حرکت کرد و شهر را محاصره کرد. هرات از رمضان تا صفر ۱۲۷۳ق. در محاصره سپاه ایران بود. حسام‌السلطنه با وجود تهدیدهای انگلستان، به محاصره شهر ادامه داد، تا این‌که توانست شهر هرات را فتح کند (عضدقاجار، ۱۳۷۶: ۱۹۵). حسام‌السلطنه در ربیع‌الاول همان سال در هرات به نام ناصرالدین‌شاه خطبه خواند و فرمان شاه را مبنی بر الحاق مجدد هرات به حکومت مرکزی ایران اعلام نمود (شمیم، ۱۳۸۴: ۱۷۱-۱۷۲).

سپاه حسام‌السلطنه پس از فتح هرات، چون به‌عنوان فاتح وارد هرات شده بودند، رفتار غرورآمیزی نسبت به اهالی شهر داشتند. در پی این فتح، انگلیس که منافع خود را در خطر می‌دید، به دولت ایران اعلان جنگ داد. ناوگان انگلیسی مرکب از هشت کشتی جنگی وارد خلیج فارس شده، جزیره خارک را تصرف گردید، سپس از طریق بوشهر وارد خاک ایران شد و بعد از آن نیز به خوزستان حمله نمود. ناصرالدین‌شاه که دید توان مقابله با انگلیسی‌ها را ندارد، صلح نمود و دستور تخلیه هرات را داد (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۶۹: ۲۷۳-۲۷۵).

حسام‌السلطنه مصمم به حفظ هرات بود، حاضر به تخلیه آن نشد و با دسیسه‌های میرزا آقاخان نوری روبه‌رو شد. میرزا آقاخان صدراعظم که تصمیم گرفته بود، هرات را به دولت انگلیس واگذار کند، در جواب حسام‌السلطنه می‌نویسد: «معلوم می‌شود شما را خیال سلطنت و پادشاهی به‌سر افتاده که به هرات مانده، جواب تعلیقه دولت را این‌طور داده‌اید، اگر خود را جزء دولت ایران و خیرخواه پادشاه می‌دانید، بزودی هرات را تخلیه نموده، به مشهد برگردید» (محمود، ۱۳۵۳، ج ۲: ۷۱۷).

این فتح در صورتی انجام گرفت که در سال ۱۲۶۹ق. میرزا آقاخان با انگلستان معاهده‌ای را به امضا رسانیده بود که طی آن، دولت ایران پذیرفته که از هر نوع دخالتی در امور داخلی هرات دوری کند و از ادعای حاکمیت بر آن دست بردارد (متولی حقیقی، ۱۳۸۳: ۲۵۲؛ آدمیت، ۱۳۴۸: ۶۳۷-۶۳۶)، یعنی میرزا آقاخان، این قرارنامه را در سلب حاکمیت ایران بر هرات و ابطال تمام حقوق ایران را مهر کرد (آدمیت، ۱۳۴۸: ۶۴۱).

در پی فتح هرات توسط حسام‌السلطنه در سال ۱۲۷۳ق. معاهده‌ای بین ایران و انگلیس با وساطت فرانسه در پاریس، در پانزده فصل به امضای نمایندگان طرفین رسید که به معاهده پاریس مشهور شده است. در این معاهده، به موجب فصول پنجم، ششم و هفتم، دولت ایران تعهد کرد که هرات و تمام خاک افغانستان را از قشون خود خالی کند و هیچ ادعایی نسبت به هرات و تمامی خاک افغانستان نداشته باشد و هیچ‌گونه علامت اطاعت از قبیل سکه و خواندن خطبه به نام شاه مطالبه ننماید و هرات را مستقل بشناسد. عهدنامه پاریس ضربت شدید دیگری بود که بر پیکر استقلال سیاسی و اقتصادی ایران وارد آمد. چنان‌که به موجب این عهدنامه، هرات به کلی از ایران مجزا گردید و افغانستان هم به اسم استقلال، از تحت حاکمیت ایران بیرون رفت (شمیم، ۱۳۸۴: ۲۲۳؛ متولی - حقیقی، ۱۳۸۳: ۲۶۳؛ محمود، ۱۳۵۳، ج ۲: ۶۹۷؛ راعی‌گلوجه، ۱۳۸۰: ۳۵۸).

پس از عهدنامه پاریس، سردار سلطان احمدخان در رمضان ۱۲۷۳ق.، وارد هرات شد و همین که حکومت را در دست گرفت، خطبه و سکه را به نام ناصرالدین‌شاه بازگرداند و یک نفر ایرانی به نام سید ابوالحسن‌شاه را به وزارت خود برگزید. انگلیسی‌ها با فرستادن هیأتی، سعی در مطیع ساختن او را داشتند، اما احمدخان چون از انگلیسی‌ها متنفر بود، از برقراری هرگونه رابطه با آنها خودداری کرده و هیأت مزبور را برگرداند (متولی حقیقی، ۱۳۸۳: ۶۴).

سلطان احمدخان در سال ۱۲۷۷ق.، فراه را به تصرف خود درآورد و درصدد اشغال قندهار بود و قصد داشت تا سلطنت افغانستان را از تصرف دوست‌محمدخان خارج کند و جزو دولت ایران کند. با توجه به این اهداف احمدخان، انگلیسی‌ها مصمم شدند تا با تحریک و تشویق دوست‌محمدخان، جلو توسعه‌طلبی‌های او را بگیرند. دوست‌محمدخان نیز با حمایت انگلیسی‌ها نخست در سال ۱۲۷۹ق.، فراه را متصرف شد. احمدخان از ناصرالدین‌شاه تقاضای مساعدت کرد، اما انگلیسی‌ها متذکر شدند که براساس معاهده پاریس، دولت ایران حق مداخله ندارند و مانع کمک ایران به سلطان احمدخان شدند (همان: ۲۶۵).

بنابراین، تا روزی که سردار سلطان احمدخان زنده بود، مانع دستیابی دوست‌محمدخان به هرات بود و تنها بعد از درگیری‌های فراوان، مجبور به پرداخت مالیات به کابل شد. اما با مرگ وی در سال ۱۲۷۹ق. و جانشینی شهنوازخان (۱۲۷۹ق.) برجای پدر، زمینه برای تصرف هرات

به وسیله دوست‌محمدخان فراهم شد و توانست در سال ۱۲۸۰ ق. هرات را فتح کرده و جدایی کامل هرات از ایران را رقم زند (همان: ۲۶۶). این فتح به‌طور کل، هرات و افغانستان را برای همیشه از خاک ایران جدا نمود.

مشکلات و موانع نظام پولی عصر ناصری

بر اساس تفکر جدید، نظام پولی میانه دوره قاجار، یعنی عصر ناصری، در ایران با داشتن پول‌ها و واحدهای پولی که از مکانی به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر راه نداشت و از نظر نرخ تبدیل تفاوت‌های فراوانی داشت، بسیار عجیب و غیرمنطقی می‌آید، تا جایی که راهکار ایرانیان برای سازگاری با این وضعیت، دائماً به محاسبه و تبدیل انواع نقود و اقلام با انواع نرخ‌های محلی و استاندارد می‌پرداختند (مته، فلور و کلاوسون، ۱۳۹۶: ۲۸۱).

ابوت (Abbott, 1983: 82) مشاهده کرد که بسیاری از شهرها، معیارهای پول رایج خود را دارند، گرچه خاطر نشان می‌کند که معیار معمول در تجارت، پول رایج رسمی بود. برای مثال با توجه به نوشته وی، یزد در سال‌های ۱۸۴۹-۱۸۵۰ میلادی (۱۲۶۵-۱۲۶۶ ق.) پول رایج خود را داشت که «از جاهای دیگر متفاوت بود، ۲۵ شاهی، صاحب قران حساب می‌شد و ۱۲/۵ قران رایج در آنجا، برابر با یک تومان بود (درحالی‌که هر ۱۰ قران، باید یک تومان باشد). این پول رایج در معاملات کوچک مورد قبول است، اما در تجارت، قران ۲۰ شاهی ملاک است» (ibid.: 85). به گفته او در کرمان «پول محل قران، ۲۸ شاهی و ۳/۵ پنبادی است و ۲ شاهی کرمان، یک سکه قران معیار است» (ibid.: 104). یا در مورد پول رایج اصفهان «۲۳ شاهی در صاحب قران بود، اما در معاملات تجاری پول رایج متداول ایران مورد قبول است» (ibid.: 117).

دست کم تا زمان راه‌اندازی ضرابخانه نوین در سال ۱۲۹۴ ق.، بخشی از دلیل این تغییرات آن بود که ضرابخانه‌های محلی به سادگی با معیارهای رسمی در زمینه وزن و عیار کنار نمی‌آمدند. پیکن در همان عصر نمونه‌ای از سکه‌های ضرابخانه‌های محلی را بررسی نموده (جدول ۱) و رابینو (Rabino, 1892: 37) خلاصه این بررسی را این‌گونه آورده است: «این

شکل‌ها نشان‌دهنده نبود، ترتیبی خاص در پول رایج ایرانی است. میان قران‌های همدان و تهران بیش از ۱۷٪ اختلاف ارزش وجود دارد. میان قران‌های دیگر شهرها و پایتخت از نظر پولی، تفاوت بسیار قابل توجهی است، گرچه کمتر از آن چیزی است که به‌طور افراطی نقل می‌شود».

جدول (۱) نمونه وزن و عیار قران‌های نقره در ضرابخانه‌های چند منطقه

ضرابخانه	تاریخ ضرب	وزن	عیار در هزار	ارزش به فرانک
همدان	۱۲۹۳ق./ ۱۸۷۷م.	۴/۹۵ گرم	۷۶۰	۰/۸۳۶
تبریز	۱۲۹۰ق./ ۱۸۷۴م.	۴/۹۰ گرم	۸۲۰	۰/۸۹۳
کاشان	۱۲۸۲ق./ ۱۸۶۶م.	۵/۰۳ گرم	۸۲۰	۰/۹۱۷
اصفهان	۱۲۹۳ق./ ۱۸۷۷م.	۵/۰۲ گرم	۸۴۰	۰/۹۳۷
کرمان	۱۲۹۳ق./ ۱۸۷۷م.	۴/۹۰ گرم	۸۴۰	۰/۹۱۵
مازندران (طبرستان)	۱۲۹۲ق./ ۱۸۷۶م.	۴/۹۷ گرم	۸۴۰	۰/۹۲۸
مشهد	۱۲۹۳ق./ ۱۸۷۷م.	۴/۹۰ گرم	۸۴۰	۰/۹۱۰
کرمانشاه	۱۲۸۲ق./ ۱۸۶۶م.	۴/۹۷ گرم	۸۸۰	۰/۹۷۲
رشت	۱۲۸۰ق./ ۱۸۶۴م.	۴/۸۰ گرم	۸۹۰	۰/۹۴۹
تهران	۱۲۹۲ق./ ۱۸۷۶م.	۵/۰۲ گرم	۹۰۰	۱/۰۰۴
شیراز	۱۲۹۱ق./ ۱۸۷۵م.	۴/۹۰ گرم	۹۰۰	۰/۹۸۰
یزد	۱۲۷۸ق./ ۱۸۶۲م.	۴/۹۷ گرم	۹۰۰	۰/۹۹۴
هرات	۱۲۷۷ق./ ۱۸۶۱م.	۴/۹۰ گرم	۹۰۰	۰/۹۸۰

منبع: (Rabino, 1892: 37)

حتی زمانی که ضرابخانه نوین آغاز به ضرب سکه‌هایی با وزن و عیار یکسان کرد، نظام پولی منطقه‌ای به‌کار خود ادامه می‌داد. لندور (Landor, 1902: 131) که در سال ۱۹۰۱ میلادی (۱۳۱۹ق.) در ایران مسافرت می‌کرد، دریافت که «هرگز نمی‌دانم که ارزش یک قران دقیقاً چقدر است و در هر ایالتی در مقابل قران‌هایم، شاهی‌های متفاوتی دریافت کردم».

بردلی برت (Bradley-Birt, 1909: 52-53) نیز در سال ۱۹۱۰ میلادی (۱۳۲۸ق.) گلابه داشت که

«ناپایداری نرخ بانکی ایران بی‌شک برای هرکسی به جز یک بانکدار، هم‌چون یک راز است. همه آنچه که می‌توانستم در این باره کشف کنم، این بود که هرچه در ایران پیش‌تر می‌رفتم، به‌طور پیوسته پایین می‌آمد. درحالی‌که من در بوشهر برای هر ۱۵ روپیه یا سلطنتی انگلیسی، ۵۱ قران دریافت کردم. وقتی به تهران رسیدم، تنها ۴۷ قران گرفتم، درحالی‌که کمی پیش‌تر در آنجا به من گفته شد که نرخ روی مبلغ بالای ۶۰ قران، ایستاده است».

کلیاتی درباره قران‌های ضرب دستی عصر ناصری (۱۲۶۴-۱۲۹۶ق.)

سکه‌ها در دوره قاجار به صورت دستی ضرب می‌گشتند. بنابراین بر طبق نیاز اقتصادی، در هر شهر و ایالت ضربخانه‌ای دایر بود که بر حسب توان مالی، میزان تولید سکه‌ها رقم می‌خورد. به همین علت ضربخانه‌های عصر ناصری را می‌توان در سه گروه جای داد:

- فعال‌ترین ضربخانه‌ها: مشهد، تبریز، تهران، اصفهان و شیراز
- ضربخانه‌های فعال: همدان، قزوین، استرآباد، طبرستان، کرمان، کاشان، رشت، هرات، یزد، کرمانشاهان و خوی

- ضربخانه‌های تشریفاتی: سرخس، سیستان (Michael, 2015: 794- Album, 2011: 291-296; 804، شوشتر و رکاب (نوین فرح‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

این ضربخانه‌ها بر اساس موقعیت سکه‌هایی از جنس طلا، نقره و مس با واحدهای پولی و وزنی متفاوت به ضرب می‌رساندند، اما چون اساس این پژوهش، قران‌های نقره بوده، در ادامه فقط به ذکر واحدهای پولی و وزنی سکه‌های نقره پرداخته می‌شود.

در اوایل دوران سلطنت محمدشاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ق.)، یعنی در سال ۱۲۵۴ق. اوزان قران‌های نقره از تومانی (ده‌هزار دینار) ۳۰۰ نخود (۵۷/۶ گرم)، به تومانی ۲۸۰ نخودی (۵۳/۵۶ گرم) کاهش یافت و این نظام وزنی تا سال ۱۲۷۴ق.، یعنی اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه نیز ادامه یافت. در سال ۱۲۷۱ق. تصمیم بر آن شد تا دوباره از وزن سکه‌های نقره کاسته شود. بنابراین، اوزان این سکه‌ها از تومانی ۲۸۰ نخود، به تومانی ۲۶۰ نخودی (۴۹/۹۲ گرم) بدل گشت (جدول ۲، Album, 2011: 291-296).

جدول ۲) واحدهای پولی و اوزان سکه‌های ضرب دستی نقره عصر ناصری

واحدهای پولی	گردش مالی	تومان ۲۸۰ نخودی	تومان ۲۶۰ نخودی	توضیحات
۲/۵ شاهی / ۱۲۵ دینار	رایج	۰/۶۷ گرم	۰/۶۲ گرم	ضرب مناسبتی و برخی یک‌رو
۵ شاهی / ۲۵۰ دینار	رایج	۱/۳۴ گرم	۱/۲۴ گرم	
۱۰ شاهی / ۵۰۰ دینار	رایج	۲/۶۸ گرم	۲/۴۹ گرم	
۱ قران / ۱۰۰۰ دینار	رایج	۵/۳۷ گرم	۴/۹۹ گرم	
۲ قران / ۲۰۰۰ دینار	غیر رایج	---	۹/۹۸ گرم	فقط تبریز، ۱۲۹۴ ق.
۵ قران / ۵۰۰۰ دینار	غیر رایج	۲۶/۸۸ گرم	---	فقط تهران، ۱۲۶۷ ق.

منبع: (Album, 2011: 291-296; Michael, 2015: 794-804; Heritage Auctions, 6-7 Jan 2013: Lot 21933-21934)

سرانجام در سال ۱۲۹۴ ق. ضرب سکه به صورت ماشینی درآمد و ضرب سکه دستی متوقف گشت. اما بنابر اعتراضات، ضرب دستی سکه با شرایطی در برخی از ضربخانه‌ها ادامه یافت که نهایت در سال ۱۲۹۶ ق. به طور کامل برچیده شد (مته، فلور و کلاوسون، ۱۳۹۶: ۲۷۲-۲۷۳).

کلیاتی درباره سکه‌های ضرب هرات (۱۲۵۸-۱۲۸۰ ق.)

پس از سپری شدن دوران حکومت کامران میرزا درآنی (۱۲۴۵-۱۲۵۸ ق.) به سال ۱۲۵۸ ق.، یارمحمدخان (۱۲۵۸-۱۲۶۷ ق.) رسماً به حکومت هرات رسید. از این رو، کلیاتی درباره سکه‌های این دوره کوتاه، اما مهم تاریخی آورده می‌شود. پس از یارمحمدخان، صیدمحمدخان (برای اولین بار، ۱۲۶۷ ق.)، ناصرالدین شاه قاجار (برای اولین بار، ۱۲۶۹ ق.)، صیدمحمدخان (برای دومین بار، ۱۲۶۹-۱۲۷۰ ق.)، محمدیوسف خان (۱۲۷۱-۱۲۷۲ ق.)، صیدمحمدخان (برای سومین بار، ۱۲۷۲ ق.)، ناصرالدین شاه قاجار (برای دومین بار، ۱۲۷۳-۱۲۷۹ ق.) و در نهایت امیر شیرعلی بارکزایی (۱۲۸۰-۱۲۹۵ ق.) در هرات به ضرب سکه پرداختند (Album, 2011: 291-296; Michael, 2015: 33-34, 796). پس آشفتگی این دوران را نیز سکه‌ها نشان می‌دهند (جدول ۳).

جدول (۳) فهرست سکه‌های ضرب شده در هرات بین سال‌های ۱۲۵۸-۱۲۸۰ق.

نام صاحب سکه	تاریخ ضرب	واحد پولی و جنس فلز	وزن قانونی سکه
یارمحمدخان	۱۲۶۰-۱۲۵۸ق.	جندک (۱/۶ روپیه)، نقره	۱/۵۳ گرم
یارمحمدخان	۱۲۶۷-۱۲۶۱ق.	قران، نقره	۵/۳۷ گرم
صیدمحمدخان (۱)	۱۲۶۷ق.	نیم‌روپیه، نقره	۴/۶۰ گرم
ناصرالدین‌شاه (۱)	۱۲۶۹ق.	قران، نقره	۵/۳۷ گرم
صیدمحمدخان (۲)	۱۲۷۰-۱۲۶۹ق.	قران، نقره	۵/۳۷ گرم
صیدمحمدخان (۲)	با دو تاریخ ۱۲۶۹/۱۲۷۰ق.	قران، نقره	۵/۳۷ گرم
محمدیوسف‌خان	۱۲۷۱ق.	قران، نقره	۵/۳۷ گرم
محمدیوسف‌خان	۱۲۷۲ق.	طلا، طلا	۳/۰۷ گرم
صیدمحمدخان (۳)	۱۲۷۲ق.	نیم‌روپیه، نقره	۴/۶۰ گرم
ناصرالدین‌شاه (۲)	۱۲۷۹-۱۲۷۳ق.	قران، نقره	۵/۳۷ گرم و برخی ۴/۹۹ گرم
ناصرالدین‌شاه (۲)	۱۲۷۶ق.	نیم‌تومان، طلا	۱/۷۲ گرم
امیر شیرعلی بارکزایی	۱۲۹۵-۱۲۸۰ق.	قران، نقره	۴/۹۹ گرم

منبع: (Album, 2011: 291-296; Michael, 2015: 33-34, 796, 798)

طرح سکه‌های ناصرالدین‌شاه ضرب شده در هرات، درست مانند سایر سکه‌های عهد ناصری ضرب در شهرهای دیگر است. بر روی این سکه‌ها عبارت «السلطان بن السلطان ناصرالدین‌شاه قاجار» نگاشته شده است. اما نگاشته‌های پشت این سکه‌ها در دو گونه دیده شده است: گونه اول که فقط سکه‌هایی با تاریخ ۱۲۶۹ق. و برخی از سکه‌های سال ۱۲۷۳ق. را در بر می‌گیرد، عبارت «ضرب دارالسلطنه هرات [به انضمام تاریخ ضرب]» بر آنها نقر گردیده و بر گونه دوم که سکه‌هایی بین سال‌های ۱۲۷۳-۱۲۷۹ق. را در بر می‌گیرد، عبارت «ضرب دارالنصره هرات [به انضمام تاریخ ضرب]» نگاشته شده است (شکل ۱ و ۲) (نوین‌فرح‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۰۸-۱۰۹).



شکل (۱) نمونه‌ای از سکه‌های ناصرالدین‌شاه قاجار ضرب شده در هرات به سال ۱۲۷۳ق.
(Heritage Auctions, 6-7 Jan 2013: Lot 21960)

داده‌ها، آزمایش، نتایج و تحلیل

سکه‌های مورد مطالعه در این پژوهش، از مجموعه شخصی سیدحسن سادات‌رضوی به امانت برده و مورد آزمایش قرار گرفته است. اما این سؤال پیش می‌آید که معیار انتخاب این سکه‌ها چه بوده است؟ سکه‌های ناصرالدین‌شاه در هرات در تاریخ‌های ۱۲۶۹، ۱۲۷۳-۱۲۷۹ و ۱۲۸۷ق. (خطای حکاک سرسکه، در اصل تاریخ ۱۲۷۸ق. بوده) دیده شده است (Michael, 2015: 796) که در مجموع نه سکه متفاوت را در بر می‌گیرد. بنابراین از هر تاریخ ضرب، دو سکه برای آزمایش در نظر گرفته شد. اما با توجه به این که نگارندگان، سال‌های ۱۲۶۹، ۱۲۷۳ و ۱۲۷۹ق. را به علت آشفتگی‌های شهر هرات مهم‌تر دانسته، پس از این تاریخ ضرب‌ها، سه سکه برای تجزیه‌عنصری انتخاب گردید که در مجموع، تعداد ۲۱ سکه مورد آزمایش پیکسی قرار گرفت. مشخصات کامل سکه‌های انتخابی به ترتیب تاریخ‌های ضرب، در جدول ۴ آمده است.

جدول (۴) جامع مشخصات سکه‌های مورد آزمایش

شماره نمونه	تاریخ ضرب	وزن سکه	شماره نمونه	تاریخ ضرب	وزن سکه
۱	۱۲۶۹ ق.	۵/۱۰ گرم	۲	۱۲۶۹ ق.	۵/۱۷ گرم
۳	۱۲۶۹ ق.	۵/۲۳ گرم	۴	۱۲۷۳ ق.	۵/۳۲ گرم
۵	۱۲۷۳ ق.	۵/۲۵ گرم	۶	۱۲۷۳ ق.	۵/۱۶ گرم
۷	۱۲۷۴ ق.	۵/۲۰ گرم	۸	۱۲۷۴ ق.	۵/۲۹ گرم
۹	۱۲۷۵ ق.	۴/۸۶ گرم	۱۰	۱۲۷۵ ق.	۴/۹۰ گرم
۱۱	۱۲۷۶ ق.	۴/۹۳ گرم	۱۲	۱۲۷۶ ق.	۴/۸۷ گرم
۱۳	۱۲۷۷ ق.	۴/۸۹ گرم	۱۴	۱۲۷۷ ق.	۴/۹۹ گرم
۱۵	۱۲۷۸ ق.	۴/۹۱ گرم	۱۶	۱۲۷۸ ق.	۴/۸۶ گرم
۱۷	۱۲۸۷ ق.؟	۴/۸۸ گرم	۱۸	۱۲۸۷ ق.؟	۴/۹۵ گرم
۱۹	۱۲۷۹ ق.	۴/۹۷ گرم	۲۰	۱۲۷۹ ق.	۴/۸۳ گرم
۲۱	۱۲۷۹ ق.	۴/۹۲ گرم	***	***	***

منبع: نگارندگان

همان‌طور که گفته شد، در این پژوهش از شیوه متعارف پیکسی استفاده شده است. پس با این رویکرد، سکه‌های مورد مطالعه به مؤسسه فیزیک بوبانسور منتقل شد و با شتابدهنده متناوب پلترون^۱، مورد تجزیه عنصری پیکسی قرار گرفت.



شکل (۲) برخی از سکه‌های آزمایش شده روی نمونه‌های ۱۳، ۱۶، ۱۸ و ۲۱ (نگارندگان)

عملکرد این آزمایش بدین گونه است که باریکه‌ای از پروتون‌ها (ذرات باردار) از داخل اتاقک واکنش عبور می‌کنند. گاهی اوقات شدت باریکه ورودی توسط یک ورق پخش‌کننده و موازی‌ساز در صورت نیاز یکنواخت می‌شود. نمونه‌ای که باید تجزیه شود، باید به صورت مستقیم یا آماده شده (به صورت قرص یا محلول‌های شیمیایی) در مقابل باریکه قرار بگیرد. باریکه پس از برخورد به هدف (در صورتی که نمونه نازک باشد) از آن عبور می‌کند و داخل فنجان فارادی^۱ متوقف می‌شود که به جمع‌کننده بار متصل است. پرتوی ایکس گسیلی از نمونه توسط آشکارساز Si(Li) آشکار می‌شود. پالس‌هایی که از آشکارساز خارج می‌شوند، پس از تقویت به یک تحلیل‌گر چندکاناله وارد می‌شوند و طیف پرتوی ایکس مشخصه نمونه‌هایی که بمباران شده‌اند، نشان داده می‌شود (اولیایی، آفریده و آقاعلی‌گل، ۱۳۹۴: ۲۱).

آماده کردن نمونه‌ها، یکی از مشکلات اساسی در آزمایش پیکسی است. برای تجزیه عنصری بهتر و دقیق‌تر نمونه‌ها، در بسیاری از موارد ترجیح داده می‌شود از نمونه‌های نازک که بعضاً از نمونه‌های ضخیم به دست می‌آید، استفاده شود. اگر زمانی به دست آوردن یک نمونه نازک از نمونه ضخیم مشکل و در عمل غیرممکن باشد، نمونه ضخیم خود، مستقیم تحت تابش پروتون قرار می‌گیرد (Johansson & Johansson, 1976: 494-495). خوشبختانه سکه‌ها، نمونه‌های نازک در نظر گرفته می‌شوند.

وقتی تجزیه عنصری روی مقادیر مطلق عناصر انجام می‌گیرد، روشن است که باید به آلودگی نمونه‌ها توجه شود. با توجه به این که مقادیر برخی از عناصر بسیار ناچیز هستند، اگر توجه زیادی در گذاشت و برداشت نمونه اعمال نشود، آلودگی‌هایی در همان حد ممکن است به سادگی به هدف برسند. بنابراین، باید در انتقال نمونه‌ها دقت داشت و آن را به حداقل رساند و حتی می‌توان نمونه‌ها را قبل از قراردادن در محفظه، در صورت امکان با مواد تمیزکننده، از قبیل الکل و غیره تمیز کرد (کیان‌زادگان، ۱۳۹۷: ۵). نمونه‌های این آزمایش تا حد امکان تمیز شده و عاری از هرگونه آلودگی، به مرحله

آزمایش گذاشته شد. اما باید گفت که چون سکه‌ها، داده‌ای باستانی حساب شده و ممکن است مدتی زیر خاک مدفون بوده، مقداری کم از آلودگی به آنها چسبیده و جداسازی آن نیاز به یک پروژه مرمتی باشد، اما سکه‌های مورد مطالعه این پژوهش، از قدمت بالایی برخوردار نیست، آلودگی چندانی نداشته و اگر موردی باشد، به راحتی قابل رفع بوده و از آنجا که نتیجه این مقاله نیز بر مقدار فلز نقره استوار است، وجود آلودگی‌ها، تأثیری چندانی بر آزمایش ندارد.

بعد از قرار گرفتن نمونه‌ها، برای جلوگیری از افت انرژی پروتون و تضعیف پرتوی ایکس گسیلی از نمونه‌ها، هوای اتاقک آزمایش را با استفاده از پمپ چرخشی و پمپ دیفیوژن^۱ تا فشار 2×10^{-5} Torr^۲ تخلیه می‌کنند. برای اندازه‌گیری غلظت عنصری نمونه‌ها از باریکه پروتون با انرژی 2 MeV^3 و جریان حدود $2-3 \text{ nA}$ استفاده

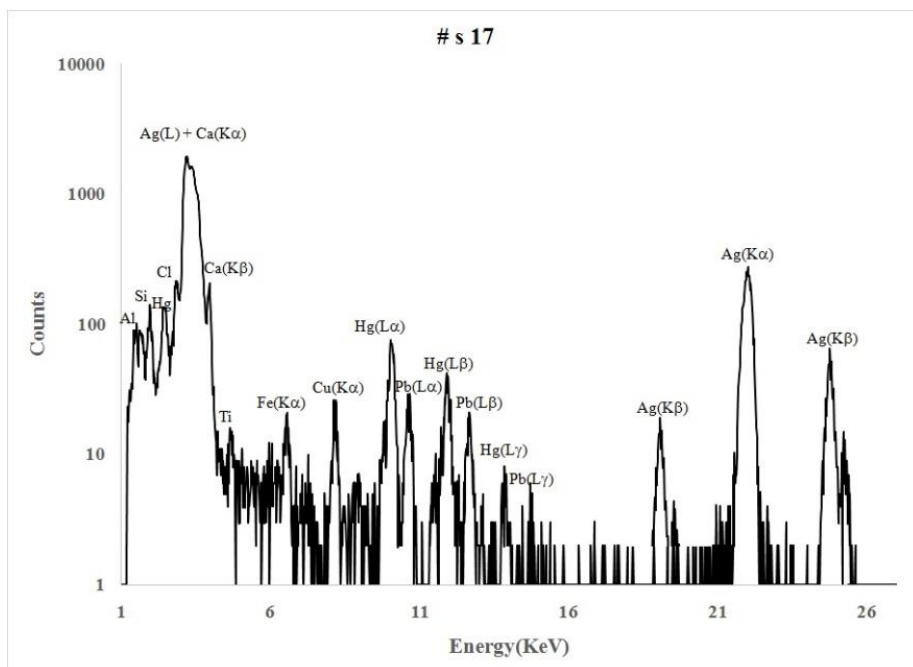
می‌شود. باریکه پروتون مورد نیاز توسط آشکارساز Si(Li) اندازه‌گیری می‌شوند که در زاویه 135° درجه نسبت به باریکه فرودی قرار گرفته و سیستم چند کانالی، طیف به دست آمده را نمایش می‌دهد. قدرت تفکیک آشکارساز Si(Li)، 170 eV^4 برای Fe(Ka) باید باشد (Gaschen, et al., 2008: 539). در اینجا نیز هنگامی که پرتوی پروتون به سکه می‌خورد، باعث یونیزاسیون اتم‌ها در سکه و گسیل پرتوی ایکس مشخصه عنصر مورد نظر می‌شود. پرتوهای ایکس گسیل شده در آشکارساز جمع‌آوری شده و سیگنال‌هایی با شدت‌های مختلف را اثر می‌دهند که نتیجه، آن طیف‌های به دست آمده است (شکل ۳).

1. Diffusion Pump

۲. تور یکی از یکاهای غیر SI برای اندازه‌گیری فشار است و یک اتمسفر استاندارد برابر 760 تور است. این یکا به گونه‌ای گزینش شده است که با تقریب خوبی برابر فشار حاصل از یک میلی‌متر جیوه باشد. بنابراین فشار یک تور تقریباً برابر با فشار حاصل از یک میلی‌متر جیوه است. این یکا به یاد اوانجلیستا توریچلی (Evangelista Torricelli)، فیزیک‌دان و ریاضی‌دان ایتالیایی که اصول عملکرد فشارسنج را در 1644 میلادی کشف کرد، نام‌گذاری شده است.

3. Mega Electron Volt

4. Electron Volt



شکل ۳) نمونه طیف‌های آزمایشگاهی روی نمونه شماره ۱۷ (نگارندگان)

تحلیل طیف با استفاده از نرم‌افزار گوپیکس^۱ انجام می‌شود که یک روش پارامتری برای تحلیل کمی به ما ارائه می‌دهد و در همه جا، به‌طور متداول برای تحلیل طیف‌های پیکسی استفاده می‌شود. برای تحلیل ابتدا باید ماتریس هدف را مشخص کرد. منظور از ماتریس این است که بیشترین درصد مربوط به کدام عنصر بوده (Hajivaliei, et al., 1999: 647) و در این پژوهش، بیشترین عنصر نقره است. در مقدار درصد نهایی، ممکن است مقدار کمی خطا راه یابد. این خطا ناشی از پارامترهای اساسی کالیبراسیون و آلودگی سطح سکه است. نتیجه آزمایش در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵) نتایج تجزیه عنصری سکه‌های مورد مطالعه به روش پیکسی

شماره	تاریخ	Al	Si	S	Cl	Ca	Ti	Mn	Fe	Ni	Cu	Zn	Br	Ag	Au	Hg	Pb
۱	۱۲۶۹	۰/۰۸			۰/۱۵	۰/۲۰	۰/۰۵		۲/۱۵		۵/۹۸			۹۰/۱۳	۰/۴۳		۰/۸۳
۲	۱۲۶۹		۰/۱۶	۰/۲۲					۲/۴۳		۵/۸۷			۹۰/۱۰	۰/۲۷		۰/۹۵
۳	۱۲۶۹				۰/۱۳	۰/۲۱	۰/۰۹		۲/۵۴		۵/۶۶			۹۰/۱۵	۰/۳۲	۰/۱۶	۰/۲۴
۴	۱۲۷۳						۰/۰۸		۲/۲۲		۵/۹۶		۰/۳۳	۹۰/۲۲	۰/۳۱		۰/۸۸
۵	۱۲۷۳								۲/۶۰		۵/۹۳	۰/۱۹		۹۰/۱۱	۰/۲۶		۰/۹۱
۶	۱۲۷۳		۰/۱۷	۰/۲۱					۲/۳۹		۵/۹۴	۰/۲۱		۹۰/۰۸	۰/۳۳		۰/۷۷
۷	۱۲۷۴						۰/۰۹	۰/۱۷	۲/۶۸		۵/۸۸			۹۰/۱۴	۰/۳۱		۰/۸۳
۸	۱۲۷۴						۰/۱۰		۲/۴۴	۰/۲۰	۵/۵۳	۰/۱۴		۹۰/۱۱	۰/۳۰	۰/۱۹	۰/۹۹
۹	۱۲۷۵		۰/۰۹	۰/۱۴					۲/۵۱		۶/۱۱			۹۰/۱۸	۰/۲۲		۰/۷۵
۱۰	۱۲۷۵								۲/۱۱	۰/۱۶	۶/۱۷			۹۰/۳۳	۰/۳۹		۰/۸۴
۱۱	۱۲۷۶	۰/۱۲							۲/۳۴		۶/۰۴			۹۰/۲۰	۰/۴۱		۰/۸۹
۱۲	۱۲۷۶						۰/۱۰		۲/۲۵		۶/۱۴		۰/۲۵	۹۰/۰۵	۰/۲۸		۰/۹۳
۱۳	۱۲۷۷	۰/۰۸							۲/۶۹		۶/۰۹			۹۰/۱۷	۰/۳۳		۰/۷۴
۱۴	۱۲۷۷							۰/۱۸	۲/۵۱		۶/۱۲			۹۰/۱۳	۰/۲۵		۰/۸۱
۱۵	۱۲۷۸				۰/۱۸	۰/۲۲			۲/۲۶		۶/۰۳			۹۰/۱۲	۰/۲۷		۰/۹۲
۱۶	۱۲۷۸				۰/۱۶	۰/۱۹			۲/۳۲		۶/۱۰			۹۰/۲۱	۰/۲۴		۰/۷۸
۱۷	۱۲۸۷				۰/۱۴	۰/۲۶			۲/۲۴		۶/۰۹			۹۰/۰۴	۰/۲۶		۰/۹۷
۱۸	۱۲۸۷				۰/۱۸	۰/۲۱			۲/۳۰		۶/۰۶			۹۰/۰۳	۰/۲۷		۰/۹۵
۱۹	۱۲۷۹						۰/۰۸		۲/۴۵		۶/۰۸			۹۰/۱۵	۰/۳۱		۰/۹۱
۲۰	۱۲۷۹								۲/۵۱		۶/۰۳	۰/۱۹		۹۰/۰۳	۰/۴۱		۰/۸۳
۲۱	۱۲۷۹								۲/۴۳		۶/۱۱	۰/۱۰		۹۰/۰۹	۰/۳۸		۰/۸۹

منبع: نگارندگان

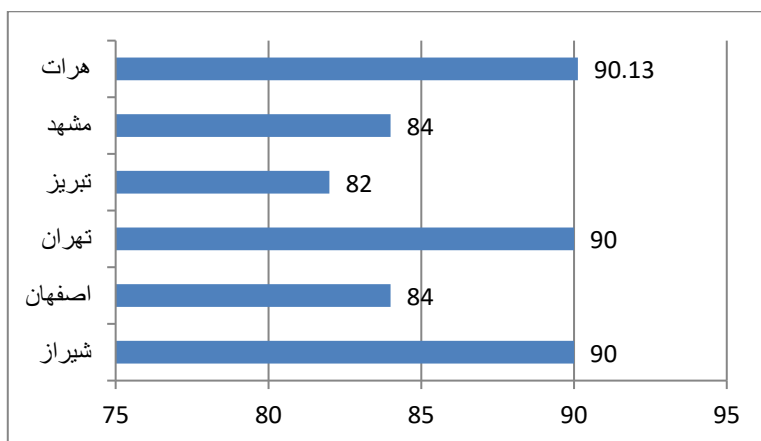
همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، بیشترین مقدار عنصری را پس از نقره (Ag)، عناصر مس (Cu)، آهن (Fe)، سرب (Pb) و طلا (Au) دارند و جزئی از تمامی سکه‌ها بوده‌اند. بنابراین این عناصر پرتکرار را عناصر اصلی تشکیل دهنده فلز سکه‌ها باید دانست. اما هرکدام از این عناصر، چگونه تحلیل می‌شود؟ ابتدا برای پاسخ به این سؤال، باید پایین‌ترین و بالاترین حد مقدار هر عنصر مشخص گردد (جدول ۶).

جدول ۶) میزان حد پایین‌ترین و بالاترین مقدار عناصر اصلی فلز سکه‌های مورد مطالعه

نقره	مس	آهن	سرب	طلا	*
۹۰٪/۰۳	۵٪/۵۳	۲٪/۱۱	۰٪/۷۴	۰٪/۲۱	پایین‌ترین
۹۰٪/۳۳	۶٪/۱۷	۲٪/۶۹	۰٪/۹۹	۰٪/۴۳	بالاترین

منبع: (نگارندگان)

مقدار میانگین خلوص نقره این سکه‌ها ۹۰/۱۳٪ بوده است که این مقدار خلوص، با توجه به جدول ۱ و شکل ۴ در مقابل ضرابخانه‌های اصلی، یعنی مشهد (۸۴٪)، تبریز (۸۲٪)، تهران (۹۰٪)، اصفهان (۸۴٪) و شیراز (۹۰٪)، بسیار بالا بوده است و این نشان دهنده تابعیت از نظام اصلی ضرب سکه، یعنی نظام تهران بوده که حتی در اوج تنش‌ها هم از عیار این سکه‌ها کسر نگردیده است.



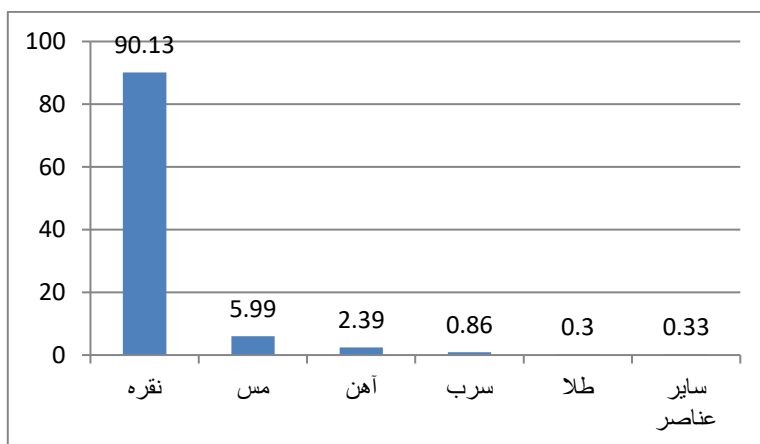
شکل ۴) نمودار میزان خلوص نقره سکه‌های ضرابخانه‌های اصلی عصر ناصری در مقابل ضرابخانه هرات (نگارندگان)

معمولاً فلز مس به‌صورت طبیعی با مقادیری کمتر از ۲٪ در فلز سکه‌ها وجود، اما اگر این مقدار از بیشتر از این باشد، نمی‌توان آن را طبیعی قلمداد کرد و حتماً آمیختگی اختیاری صورت پذیرفته است (Hughes & Hall, 1979: 331). سکه‌های این پژوهش دارای مقدار میانگین ۵/۹۹٪ مس بوده است (شکل ۵) که آمیختگی جهت عیار کردن فلز سکه را نشان می‌دهد.

هم‌چنین وجود عنصر آهن به گونه معمول، به‌واسطه آلودگی سطح که ناشی از محیط دفن شدن سکه‌ها بوده است (Flament & Marchetti, 2004: 180)، اما سکه‌های این پژوهش، سکه‌های پیداشده از دل خاک نبوده و مقدار بیشتری از آهن را در خود جای داده‌اند. این سکه‌ها از مقدار میانگین ۲/۳۹٪ آهن برخوردارند (شکل ۵) که این می‌تواند نشانه‌ای از عیار زدن آن برای تنظیم عیار فلز سکه‌ها باشد.

در حال حاضر حدود نصف نقره موجود در جهان از معادن سرب استخراج می‌شود (Hughes & Hall, 1979: 330). بنابراین، اگر سرب نیز با مقادیر کمی (۱٪ و کمتر از آن) در سکه‌های نقره مشاهده شود، جای شگفتی نیست؛ اما این مقدار سرب معمولاً در فرایند استحصال نقره جدا می‌شود و اگر چنین نباشد، می‌تواند نشان‌دهنده تعجیل و عدم دقت کافی در استحصال فلز نقره باشد (Flament & Marchetti, 2004: 183). سکه‌های مورد پژوهش نیز مقدار میانگین ۰/۸۶٪ سرب را در خود جای داده (شکل ۵) که استفاده از معادن سرب و تعجیل و عدم دقت کافی در استحصال نقره را نشان دهد.

معادن سربی که از آنها نقره نیز استخراج می‌شود، در دو گروه سروزیت و گالنا قرار می‌گیرند. بنابراین، اگر نقره استفاده شده در سکه‌ها از معادن سروزیت به‌دست آمده باشد، مقدار طلای موجود در آن باید به‌طور تقریب بین ۰/۲ تا ۱/۵٪ متغیر است و اما اگر از معادن گالنا استخراج شده باشد، مقدار طلای موجود در آن کمتر از ۰/۲٪ است (Meyers, 2003: 271). پس سکه‌های مورد پژوهش مقدار میانگین ۰/۳۰٪ طلا در ساختار آنها دیده می‌شود (شکل ۵) که می‌تواند نشان‌دهنده استفاده از معادن سروزیت باشد.



شکل ۵) مقدار میانگین عناصر تشکیل دهنده سکه‌های عصر ناصری ضرب شده در هرات (نگارندگان)

نتیجه

هرات همیشه از مهمترین شهرهای ایران در طول تاریخ بوده است، اما با پایان یافتن سلطنت نادرشاه افشار، به واسطه هرج و مرج‌های سیاسی و جنگ داخلی، هرات در اختیار سلسله جدید درآنی درآمد. با سپری شدن حکومت آخرین شاه درآنی، یعنی کامران میرزا درآنی، یارمحمدخان در سال ۱۲۵۸ ق. به حکومت هرات رسید و در سال ۱۲۶۵ ق. تحت امر ناصرالدین‌شاه قاجار درآمد. مرگ ناگهانی یارمحمدخان در سال ۱۲۶۷ ق. ضربه بزرگی بر ثبات سیاسی هرات وارد نمود. پس از او، پسرش صیدمحمدخان به قدرت رسید که با شورش‌هایی مواجه شد و حاکمیتش از دست رفت؛ حسام‌السلطنه، با لشکرکشی به هرات توانست دوباره حکومت صیدمحمدخان را برگرداند. پس از آن صیدمحمدخان با غائله محمدیوسف‌خان مواجه گردید و هرج و مرج گسترده‌ای هرات را دربرگرفت؛ با مرگ صیدمحمدخان هرات به محمدیوسف‌خان واگذاشته شد و دوباره حسام‌السلطنه به هرات لشکر کشیده و هرات از دست محمدیوسف‌خان درآورد. در نهایت نیز سلطان احمدخان تحت امر دولت ایران به قدرت رسید، تا این‌که دوست‌محمدخان بارکزیایی در سال ۱۲۷۹ ق.، هرات را گشود و بر حاکمیت سیاسی ایران بر آن شهر، برای همیشه پایان داد. در میان این تنش‌ها، سکه‌هایی نیز به نام ناصرالدین‌شاه در هرات به ضرب رسید. نظام پولی

عصر ناصری بسیار از هم گسیخته بود، تا آنجا که سکه‌ها، پول محلی به حساب می‌آمدند و در هر شهر سکه‌هایی با عیارهای متفاوت به ضرب می‌رسید و نرخ تبدیل آنان با سکه‌های تومان (طلا) بسیار متفاوت بود. حال هرات شهری مرزی و دور از پایتخت بود و علاوه بر آن نیز در اوج تنش‌ها به سر می‌برد. به همین علت در دوران‌های پرتنش، معمولاً قدرت اقتصادی هر شهر ضعیف‌تر می‌شود و عیار سکه‌ها نیز پایین می‌آید. بنابراین، تجزیه عنصری که عیارسنجی بخشی از آن است، توانست تحلیلی از تعهد به نظام مرکزی ضرب مسکوکات و قدرت اقتصادی هرات در شرایط بحرانی و انتقالی حاکمیت ارائه کند.

مطالعات باستان‌سنجی کمک خوبی در این راستا است. پس برای تجزیه عنصری سکه‌های این دوره با استفاده از روش پیکسی به دلیل سرعت، دقت بالا و غیرمخرب بودن آن، استفاده گردید. سکه‌های ناصرالدین‌شاه در هرات به تاریخ‌های ۱۲۶۹، ۱۲۷۳-۱۲۷۹ و ۱۲۸۷ ق. (خطای حکاک سرسکه) به ضرب رسیده‌اند که در مجموع نه سکه متفاوت را در بر می‌گیرد. بنابراین از هر تاریخ ضرب، دو سکه برای آزمایش در نظر گرفته شد. اما با توجه به این که نگارندگان، سال‌های ۱۲۶۹، ۱۲۷۳ و ۱۲۷۹ ق. را به علت آشفتگی‌های شهر هرات مهم‌تر دانسته، پس از این تاریخ ضرب‌ها، سه سکه برای تجزیه عنصری انتخاب گردید که در مجموع، تعداد ۲۱ سکه مورد آزمایش پیکسی قرار گرفت.

در پاسخ به مسأله اصلی این پژوهش، یعنی چگونگی تعهد به نظام مرکزی ضرب مسکوکات و قدرت اقتصادی هرات در شرایط بحرانی و انتقالی حاکمیت، باید گفت نتیجه دقیقاً مغایر با آنچه پنداشته می‌شود است، یعنی مقدار عیار نقره، نه تنها پایین نیامده، بلکه همیشه بین ۹۰/۰۳-۹۰/۳۳، با مقدار میانگین ۹۰/۱۳٪ بوده است که این مقدار خلوص در مقابل ضربخانه‌های اصلی، یعنی مشهد (۸۴٪)، تبریز (۸۲٪)، تهران (۹۰٪)، اصفهان (۸۴٪) و شیراز (۹۰٪)، بسیار بالا بوده است و این نشان‌دهنده تابعیت از نظام اصلی ضرب سکه، یعنی نظام تهران بوده که حتی در اوج تنش‌ها هم از عیار این سکه‌ها، کاسته نشده است.

معمولاً فلز مس به صورت طبیعی با مقادیری کمتر از ۲٪ در فلز سکه‌ها وجود داشته، اما اگر

این مقدار بیشتر از این باشد، نمی‌توان آن را طبیعی قلمداد کرد و حتماً آمیختگی اختیاری صورت پذیرفته است. سکه‌های این پژوهش، دارای مقدار میانگین $5/99\%$ مس بوده که آمیختگی جهت عیارکردن فلز سکه را نشان می‌دهد. وجود عنصر آهن نیز معمولاً به واسطه آلودگی سطح است که ناشی از محیط دفن شدن سکه‌ها می‌باشد، اما سکه‌های این پژوهش، سکه‌های پیداشده از دل خاک نبوده و مقدار بیشتری از آهن را در خود جای داده است. این سکه‌ها از مقدار میانگین $2/39\%$ آهن برخوردارند که نیز نشانه‌ای از عیار زدن آن برای تنظیم عیار فلز سکه‌ها است.

علاوه بر آن، به دلیل وجود عنصر سرب با مقدار میانگین $0/86\%$ نشانگر استفاده از معادن سرب برای فلز نقره و تعجیل و عدم دقت کافی در استحصال آن بوده است. هم‌چنین معادن سرب به دو گونه سروزیت و گالنا تقسیم می‌شود که معادن سروزیت بین $0/2-1/5\%$ و معادن گالنا کمتر از $0/2\%$ عنصر طلا را در خود جای داده است. پس در این سکه‌ها، مقدار میانگین 30% طلا در ساختار آنها وجود دارد که این نیز می‌تواند نشان دهنده استفاده از معادن سروزیت باشد.

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۴۸). *میرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی.
- اسماعیل‌زاده کیوی، سینا (۱۳۹۲). "مطالعه اشیای مکشوفه از بافت تاریخی اردبیل و محوطه تاریخی مجموعه شیخ‌صفی‌الدین اردبیلی با روش گسیل پرتو ایکس با تابش پروتون (PIXE)". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد فیزیک هسته‌ای، دانشکده علوم پایه، دانشگاه محقق اردبیلی.
- اولیایی، پروین؛ آفریده، حسین؛ آقاعلی‌گل، داوود (۱۳۹۴). "مطالعه آماری سکه‌های نقره هخامنشی، اشکانی و ساسانی با استفاده از آنالیز عنصری به روش پیکسی". *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۷، ش ۱ (بهار و تابستان): ۱۷-۲۸.
- جوان‌لاجی، رحیم؛ لعل‌شاطری، مصطفی؛ سرافرازی، عباس (۱۳۹۶). "تأثیر جدایی هرات بر حیات اقتصادی خراسان (۱۲۷۳-۱۳۱۳ ق)". *خراسان بزرگ*، دوره ۷، ش ۲۷ (تابستان): ۸۳-۹۳.
- خادمی‌ندوشن، فرهنگ، و دیگران (۱۳۹۴). "بررسی اوضاع سیاسی-اقتصادی حکومت اشکانیان در سال‌های ۲-۵۷ ق.م. (دوران پادشاهی ارد دوم و فرهاد چهارم) بر اساس ترکیبات شیمیایی سکه‌های نقره با روش آزمایشگاهی PIXE". *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، دوره ۵، ش ۸ (بهار و تابستان): ۵۳-۶۶.
- راعی‌گلوجه، سجاد (۱۳۸۰). *قاجاریه و انگلستان و قراردادهای استعماری*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۸۴). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: مدبر.
- شیبانی، میرزاابراهیم (۱۳۶۶). *منتخب‌التواریخ*. تهران: محمدعلی علمی.
- عضدقاجار، ابونصر (۱۳۷۶). *بازنگری در تاریخ قاجاریه و روزگار آنان*. تهران: دنیای کتاب.
- عقیلی، عبدالله (۱۳۷۷). *دارالضرب‌های ایران در دوره اسلامی*. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- کیان‌زادگان، سوسن (۱۳۹۷). "تحلیل قدرت اقتصادی در دوره پیروز ساسانی به کمک آزمایش PIXE (مطالعه موردی: سکه‌های مکشوفه از پیروزگت چابهار، بلوچستان ایران)". پایان‌نامه

- کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- کیانزادگان، سوسن، و دیگران (۱۳۹۸). "تجزیه عنصری سکه‌های پیروز ساسانی به روش پیکسی (PIXE)، (مطالعه موردی: سکه‌های گنجینه پیروزگت کشف‌شده از روستای تیس چابهار)". *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، دوره ۹، ش ۲۲ (پاییز): ۱۸۱-۱۹۶.
- لامعی‌رشتی، محمد (۱۳۸۲). "نقش تحلیل عنصری در باستان‌سنجی: تجزیه آزمایشگاه واندوگراف". در: *مجموعه مقالات نخستین همایش باستان‌سنجی در ایران: نقش علوم پایه در باستان‌شناسی*. به‌کوشش مسعود آذرنوش. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستان‌شناسی: ۷۵-۹۲.
- متولی‌حقیقی، یوسف (۱۳۸۳). *افغانستان و ایران: پژوهشی پیرامون روابط سیاسی و چالش‌های مرزی از احمد شاه درانی تا احمد شاه قاجار*. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مته، رودی؛ فلور، ویلم؛ کلاوسون، پاتریک (۱۳۹۶). *تاریخ پولی ایران از صفویه تا قاجاریه*. ترجمه جواد عباسی. تهران: نامک.
- محمود، محمود (۱۳۵۳). *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی*، ج ۲. تهران: اقبال.
- نصر، سیدتقی (۱۳۶۳). *ایران در برخورد با استعمارگران*. تهران: مؤلفان و مترجمان ایران.
- نوین فرح‌بخش، هوشنگ (۱۳۸۵). *راهنمای سکه‌های ضربی (چکشی) ایران*. تهران: فرح‌بخش.
- هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۹). *تاریخ روابط خارجی ایران*. تهران: امیرکبیر.
- Abbott, K. E. (1983). *Cities & trade: consul abbott on the economy and society of Iran 1847-1866*. Ed. A. Amanat. London: Ithaca.
- Album, S. (2011). *Checklist of islamic coins*. Santa rosa: stephen album rare coins.
- Beck, L., et al. (2004). "Silver surface enrichment of silver-copper alloys: A limitation for the analysis of ancient silver coins by surface techniques". *Nuclear instruments and methods in physics research section B: Beam interactions with materials and atoms*, Vol. 226, No. 1-2: 153-162.
- Bradley-Birt, E. B. (1909). *Persia – through persia from the gulf to the caspian*.

New York: E. P. Dutton & Co.

- Flament, C.; Marchetti, P. (2004). "Analysis of ancient silver coins". *Nuclear instruments and methods in physics research section B: Beam interactions with materials and atoms*, Vol. 226, No. 1-2: 179-184.
- Gaschen, A. A-M., et al. (2008). "Restrictions on fluorine depth profiling for exposure age dating in archaeological bones". *Journal of archaeological science*, Vol. 35, No. 3: 535-552.
- Hajivaliei, M., et al. (1999). "PIXE analysis of ancient indian coins". *Nuclear instruments and methods in physics research section B: Beam interactions with materials and atoms*, Vol. 150, No. 1-4: 645-650.
- Heritage Auctions (2013). *Ancient & world coins signature action*. Dallas: Heritage Auctions.
- Hughes, M. J.; Hall, J. A. (1979). "X-Ray fluorescence analysis of late roman and sassanian silver plate". *Journal of archaeological science*, Vol. 6, No. 4: 321-344.
- Johansson, S. A. E.; Johansson, T. B. (1976). "Analytical application of particle induced X-Ray emission". *Nuclear instruments and methods in physics research section B: Beam interactions with materials and atoms*, Vol. 137, No. 3: 473-516.
- Landor, A. H. S. (1902). *Across coveted lands*. London: Charles Scribners Son.
- Linke, R.; Schreiner, M.; Demortier, G. (2004). "The application of photo, electron and proton induced X-Ray analysis for the identification and characterization of medieval silver coins". *Nuclear instruments and methods in physics research section B: Beam interactions with materials and atoms*, Vol. 226, No. 1: 172-178.
- Meyers, P. (2003). "Production, distribution, and control of silver: Information provided by elemental composition of ancient silver objects". In *patterns and process: A festschrift in honor. Edward V. sayre*. suitland: smithsonian center for materials research and education: 271-288.
- Michael, T. (2015). *Standard catalog of world coins 1801-1900*. Iola: Krause Publications.
- Rabino, J. (1892). "Banking in persia". *Journal of the institute of bankers*. No. 13: 10-56.

وقف علمی و تأثیر آن در توسعه فرهنگی بیرجند

الهام ملک‌زاده^۱

اکرم ناصری^۲

نوع مقاله: علمی-ترویجی

شماره صفحه: ۱۴۳-۱۶۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۰

چکیده

در میان گونه‌های مختلف وقف، اعم از سنتی و مدرن^۳، وقف علمی حائز پیشینه‌ی درازدامنه با کارکردهای اجتماعی و فرهنگی است. مطالعات مربوط به تاریخ وقف و امور خیریه در بیرجند مبین وجود شواهد و مصادیق متعدد از اقدامات واقفان علمی در سطوح مختلف فرهنگی- اجتماعی است. مقاله حاضر با هدف بررسی گونه‌ها و مصادیق مختلف وقف علمی در بیرجند با روش توصیفی- تحلیلی نگاشته شده است. یافته‌های حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که هویت فرهنگی این شهر، برآیند تکوین و توسعه گونه‌های مختلف وقف علمی در قالب‌های سنتی و مدرن است. دستاورد دیگر این بررسی، حاکی از تنوع پایگاه اجتماعی و جنسیتی واقفان علمی در منطقه می‌باشد که این امر نیز مبین ظرفیت‌های این خطه از نظر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی است.

واژگان کلیدی: وقف علمی، بیرجند، مدرسه شوکتیه

۱. هیأت علمی پژوهشکده علوم تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نویسنده مسؤول

elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

akram_nasari@yahoo.com

۲. دکترای تاریخ ایران، مدرس دانشگاه بیرجند

مقدمه

یکی از سنت‌های حسنه و مورد تأکید در اسلام، سنت حسنه‌ی وقف و امور خیریه است. فرهنگ وقف و پای‌بندی به این سنت حسنه در بیرجند، از گذشته‌های دور تاکنون جاری و ساری بوده و مصادیق گوناگون وقف سنتی و مدرن در این پهنه‌ی جغرافیایی درخور توجه و امعان نظر است. در میان گونه‌های مختلف وقف و امور خیریه، یکی از مقوله‌های مهم که بخشی از هویت این دیار با آن پیوند تنگاتنگ دارد، وقف علمی است. وقف علمی یک حرکت بنیادی است که به امور خیر پسندیده در جامعه منجر شده و عملی ارزشمند محسوب می‌شود (وقف علم و فناوری، ۱۳۹۵: ۵۸).

اولین و مهم‌ترین کارکرد وقف که از گذشته مورد توجه بود، کارکرد فرهنگی و آموزشی آن است. ابعاد آموزشی و فرهنگی وقف در جوامع اسلامی بسیار گسترده است. وقف به‌عنوان یک منبع مالی در مراکز علمی، از پشتوانه مردمی برخوردار بوده است (همان: ۵۵). نتایج وقف علمی در گذشته تا کنون سبب شده است که امروزه نیز در برنامه‌های کلان کشور، اهمیت این موضوع مورد توجه قانون‌گذاران قرار گیرد. به‌طوری که یکی از برنامه‌های جامع سند برنامه ششم توسعه کشور می‌باشد که در ذیل ماده ۶۵ چنین آمده است: «دولت موظف است با تشویق خیرین و واقفان و رفع موانع موجود، به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کند تا سهم وقف و خیریه از تأمین مالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فناوری افزایش یابد» (برنامه ششم توسعه کشور، مصوب ۱۳۹۶). در ادامه برای تشویق خیرین به این موضوع نیز آمده است: «خیرینی که طرح‌هایی برای حمایت و توسعه آموزش، پژوهش و فناوری و نوآوری‌های فناورانه به انجام برسانند، مشمول مزایا و حمایت‌های مربوط به خیرین مدرسه‌ساز خواهند شد» (همانجا).

با نگاه به جایگاه وقف علمی و نتایج آن می‌توان بیشتر به پیوند فرهنگ‌سازی و هدایت سرمایه‌های واقفان با ترغیب آنان نسبت به وقف علمی در کشور پی برد و این‌که وقف و موقوفات علمی و آموزشی در توسعه انسانی نقش مهمی داشته است و وجود موقوفات علمی، زمینه‌ساز ایجاد محیطی مناسب برای کسب دانش و آموزش بوده است. با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و روح حاکم بر مردم این خطه و اتصاف بیرجندی‌ها به فرهنگی بودن و فرهنگ‌دوستی، وجود

مصادیق گوناگون وقف علمی در این شهر امری بدیهی به نظر می‌آید. در محدوده خراسان جنوبی حدود ۵۲۹۶ موقوفه و نزدیک به ۱۴۴۴۲ رقبه وقفی وجود دارد که بخش مهمی از موقوفات در این استان و بیرجند، اختصاص به امر آموزش دارد. از دوره صفویه تا کنون نیز رقبات وقفی این منطقه در قالب وقف بر مدارس علمیه، مدارس علم جدید، مکتب‌خانه‌ها، کتابخانه‌ها، دانشگاه‌ها و طلاب، نقش مهمی در گسترش محافل علمی در منطقه داشته است (فاریابی و شاطری، ۱۳۹۸: ۷۴). مقاله‌ی حاضر با در نظر داشتن کارکردهای گوناگون وقف علمی و نقش آن در توسعه‌ی فرهنگی به بررسی و ارزیابی گونه‌های مختلف وقف علمی در بیرجند اختصاص دارد.

بر این اساس، سؤالات اصلی مقاله‌ی حاضر به‌قرار ذیل‌اند:

۱- مصادیق و گونه‌های مختلف وقف علمی در بیرجند کدام‌اند؟

۲- وقف علمی در بیرجند چه تأثیری در توسعه‌ی اجتماعی و فرهنگی این شهر داشته است؟
بررسی‌های انجام شده پیرامون پیشینه‌ی موضوع حاضر نشان می‌دهد که اگر چه در کتاب‌ها و آثاری که درباره وقف در بیرجند و یا خراسان جنوبی نگاشته شده، اشاراتی به این موضوع وجود دارد، اما در هیچ‌یک از این آثار به‌طور مستقل و متمرکز گونه‌شناسی وقف علمی مد نظر نبوده است. ازجمله این آثار می‌توان به کتاب *وقف عالمان و حاکمان در بیرجند و قاینات*، نوشته مفید شاطری و مرضیه فاریابی و *گزیده اسناد وقف خراسان جنوبی* به قلم مفید شاطری اشاره کرد که در مقاله‌ی حاضر در تنظیم مباحث مفهومی و نظری از آنها استفاده شده است. این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی- تحلیلی می‌کوشد تا چشم‌اندازی از جایگاه وقف علمی را در بیرجند ارائه دهد.

عوامل مؤثر در تغییر گونه‌های وقف و طبقه‌بندی مؤسسات خیریه

در مطالعات مربوط به وقف، بویژه وقف علمی طبقه‌بندی و نوع‌شناسی شده که در خیلی از علوم و مباحث علمی مطرح است، فواید متعددی نیز دارد. یکی از مهم‌ترین فواید این گونه از مطالعات، آشنایی با کارکردها و دستیابی راحت‌تر به تأثیرات وقف در حوزه‌های مختلف اجتماعی است.

علاوه بر این فایده، فواید دیگری نیز از این دست مطالعات حاصل می‌شود که از خلال مطالعه‌ی آرای نظریه‌پردازان این حوزه می‌توان به آن دست یافت. درباره‌ی نامگذاری و طبقه‌بندی مؤسسات خیریه، نظرات مختلفی وجود دارد که هر یک، یکی از ابعاد این مؤسسات را نشان می‌دهد. در برخی از طبقه‌بندی‌ها، مؤسسات خیریه را به دو دسته‌ی دولتی و مردمی تقسیم کرده‌اند. این تقسیم‌بندی بیشتر بر چارچوب نظریات "بلا"^۱ و "اسکات"^۲ قابل انطباق است. البته دسته‌ای از جامعه‌شناسان تنها قائل به وجود یک نوع مؤسسه خیریه، آن هم در قالب تشکیلات مردمی هستند. بر پایه این دیدگاه، مؤسسات خیریه از مؤسسات جامعه مدنی شمرده می‌شوند و در راستای عدالت اجتماعی مستقل از دولت، بخشی از نیازهای مردم را برآورده می‌کنند. البته در حالی این نیازها برطرف می‌شود که برای مؤسسات مزبور و اشخاص نیازمند جامعه، هرگز رابطه‌ی حق و تکلیف برقرار نمی‌شود. از سوی دیگر، در دوران معاصر پس از رشد نظریه "دولت رفاه"، رفاه اجتماعی از وظایف حاکم تلقی می‌شد که طبیعتاً بین دولت و مشمولان برنامه‌های رفاه اجتماعی، رابطه حقوقی ایجاد می‌کرد. در ایران پس از بروز تحولات اجتماعی و سیاسی در بحبوحه‌ی انقلاب مشروطه، به وظایف دولت توجه ویژه‌ای شد که با مفهوم کلاسیک آن تا اندازه‌ای فاصله گرفت. با استقرار نظام پهلوی و شکل‌گیری دولت مدرن، توقع از دولت در رابطه با مطالبات مردم معنی یافت و در نتیجه، رویکرد اجرای این وظایف نیز متفاوت شد. در واقع دولت با ارائه خدمات عام‌المنفعه، نظیر بهداشت و آموزش و پرورش و امور عمرانی، به تدریج موظف به توجه به مشکلات اجتماعی و رفاهی مردم شد. بر این اساس، بر خلاف اشکال سنتی امور خیریه، نظیر موقوفات و سازمان‌های خیریه که نقش آنها در دستگیری نیازمندان آزادانه و محدود به امکانات - شان شمرده می‌شد، دولت باید امکانات رفاهی مردم را به‌عنوان نخستین تکلیف حاکمیت سیاسی، متقبل و آن را در دسترس مردم قرار می‌داد (ملک‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۵-۲۶). از آنچه گفته شد، می‌توان به تفاوت عملکرد دو حوزه امور خیریه سنتی با امور خیریه نوین پی برد. هم‌چنین این بحث، ما را با روند دولتی شدن برخی از مؤسسات خیریه نیز آشنا می‌کند. چنان که مطالبی که

گفته شد در زمینه‌ی تغییر رویکردی می‌تواند زمینه‌های پیدایی عرصه‌های جدیدی در امور خیریه که با حضور زنان فعال شود را نیز قابل درک سازد.

مصادیق گوناگون وقف علمی در بیرجند

علل و عوامل متعددی در توجه به وقف علمی در بیرجند و مصادیق گوناگون آن تأثیرگذار بوده است. در میان این عوامل متعدد، باید به ظرفیت‌های فرهنگی این منطقه و سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی، بویژه بینش و منش برخی از واقفان و خیرین این شهر اشاره کرد. در میان عوامل اثرگذار، آگاهی، تدین و باورهای دینی، مسئولیت‌پذیری، حس همدردی اجتماعی واقفان و اقتضائات و نیازهای اجتماعی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد (غوث، ۱۳۹۱: ۳۴).

در مطالعه‌ی گونه‌شناسی و وقف علمی در بیرجند، دو بُعد را باید مد نظر قرار داد. بُعد اول مربوط به انواع موقوفات علمی، کارکردها و تأثیرات آن و بُعد دوم مربوط به واقفان است. در بحث واقفان، علاوه بر طبقه و پایگاه اجتماعی، تحصیلات، انگیزه‌ها و جنسیت مطرح می‌گردد. در هر دو بُعد، یعنی هم از بُعد موقوفات و هم از بُعد واقفان، با یک گستره‌ی متنوع مواجه می‌شویم. برای نمونه، از نظر طبقاتی و پایگاه اجتماعی، در میان واقفان علمی در بیرجند می‌توان به حکام و امرای محلی، نخبگان علمی و توده مردم اشاره کرد. از نظر جنسیتی نیز علاوه بر مردان، زنان این خطه نیز در زمینه‌ی وقف علمی نقش ایفاء کرده‌اند که حدود پنجاه درصد از سهم موقوفات را به خود اختصاص داده‌اند.

از بُعد موقوفات علمی نیز در این شهر می‌توان مصادیق متنوعی چون تأسیس مدرسه، تأسیس کتابخانه، تأسیس اردوگاه فرهنگی جهت دانش‌آموزان، اعانه جهت خرید کتاب، حقوق کتابدار، خرید لوازم‌التحریر برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت، تعلیم کودکان بی‌بضاعت، اعطای کمک هزینه به طلاب و اهدای نسخ خطی را نام برد.

بی‌تردید نهاد وقف در تربیت انسان‌های متعهد و بالندگی فرهنگ دینی مؤثر بوده است. اکثر محققان به جایگاه وقف در گسترش علم و دانش توجه داشته‌اند. بنا بر دیدگاه آنان، وقف می‌تواند

سبب رشد نیروی انسانی شود که خود یکی از عوامل مهم در بهبود توسعه همه‌جانبه است، چرا که بدون افراد تحصیل کرده و آموزش دیده در تمام سطوح، هیچ مهارت و برنامه‌ریزی علمی برای توسعه نمی‌تواند به‌درستی ارائه شود. گذری بر تاریخچه وقف، خود‌گویای این امر است که بخش قابل ملاحظه‌ای از وقفیات به مراکز علمی و آموزشی، نظیر دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز تحقیقاتی اختصاص دارد که خود از رویکرد آموزشی و پژوهشی وقف حکایت می‌کند. به‌طوری که بسیاری از بزرگان جهان اسلام نیز به مدد این موقوفات، از میان طبقه محروم جامعه در مراکز آموزشی رشد کرده و مدارج بالای علمی را کسب کردند.

یکی از آثار و جلوه‌های برقراری تناسب میان اهداف وقف و توسعه علم نیز این است که بتوان استفاده از موقوفات را در مسیر تجاری‌سازی علم و فناوری قرار داد (ثقفی و افتخاری، ۱۳۹۶: ۴۹) و به‌عبارت دیگر، بتوان علاوه بر روش‌های سنتی وقف، نظیر وقف املاک برای کلاس درس، مدرسه و دانشگاه، یا برای پرداخت شهریه طلاب و دانشجویان و مخارج تحصیل آنها از منافع املاک موقوفه، حرکتی با هدف ارتقای علم و دانش ترویج شود و به منصف ظهور برسد (میرهاشمی و سرهنگیان، ۱۳۹۳: ۸۰). این دست اقدامات در مطالعه‌ی گونه‌شناسی و وقف علمی در بیرجند به کرات دیده می‌شود که در ذیل به آن پرداخته خواهد شد.

مدرسه شوکتیه

این مدرسه در ذی‌الحجه ۱۳۲۵ ق. برابر با بهمن ۱۲۸۶ ش. توسط محمدابراهیم علم مشهور به شوکت‌الملک دوم تأسیس شد. بسیاری از کسانی که درباره‌ی مدرسه شوکتیه قلم زده‌اند، افتتاح این مؤسسه آموزشی را «مهم‌ترین، برجسته‌ترین، مؤثرترین و مفیدترین» (ناصر، ۱۳۸۲: ۶۵) رخداد پس از مشروطیت در بیرجند به‌شمار آورده‌اند. این مدرسه را برخی در ردیف مدرسه دارالفنون دانسته‌اند و عده‌ای نیز بعد از دارالفنون، شوکتیه را اولین مدرسه جدیدی می‌دانند که در بیرجند تأسیس شده است. ارشاد سرایی (۱۳۸۷: ۲۰) عقیده دارد که شوکت‌الملک با الهام گرفتن از مدرسه دارالفنون، به فکر ایجاد مدرسه‌ای در بیرجند افتاد. وی برای تأمین درآمد این مدرسه، از محل درآمد موقوفات برادر بزرگش، امیراسماعیل خان شوکت‌الملک اول بودجه‌ای را به

این مدرسه اختصاص داد و برای این کار، موافقت علمای بزرگ بیرجند را اخذ کرد.

امیر اسماعیل خان به علت نداشتن اولاد، برخی از اموال و املاک خود را وقف امور خیریه نمود و تولیت آن را در زمان حیات به برادرش محمدابراهیم خان سپرد. محمدابراهیم نیز پس از برگشت از تهران برای این که ادای دین کرده باشد، تصمیم گرفت که مدرسه‌ای نظیر مدرسه دارالفنون در محل حسینه شوکتیه، توسط استادان یزدی به نام‌های استاد محمدکاظم و استاد محمدجواد ایجاد کرد (درویش، ۱۳۶۶: ۴۴۵). حتی در این زمان که فردی به نام معدل‌الدوله کاشی برای اخذ مالیات، به سیستان و بیرجند آمد، امیر از او در خصوص مصرف درآمد موقوفات برای تأسیس مدرسه‌ای جدید مشورت گرفت. شوکت‌الملک با تشویق‌های معدل‌الدوله در اتمام تأسیس مدرسه مصمم‌تر شد. به دنبال تأسیس مدرسه شوکتیه با راهنمایی‌های معدل‌الدوله، وی اولین معلمان مدرسه را از کاشان انتخاب کرد و به استخدام درآورد (منصف، ۱۳۵۴: ۱۲۷-۱۲۸). در واقع، تا قبل از تأسیس این مدرسه، آموختن علوم به طبقات باسواد جامعه، نظیر روحانیون، وعاظ، مأموران دولتی و کسبه اختصاص داشت و سایرین اجازه تحصیل نداشتند و گاه تحصیل در مدرسه، مختص خوانین بود (درویش، ۱۳۶۶: ۴۴۳) و این خود مهم‌ترین انگیزه‌ای بود که امیر را در جهت عملی کردن اقدامش مصمم‌تر ساخت (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۶۶).

متعاقب مدارس شوکتیه بیرجند، مدارس دیگری در قاین، نهبندان، درمیان (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۸۹۹۸/۱)، سربیشه، دشت بیاض، زیرکوه، گزیک، خوسف، درخش، گل فریز، مود، گیو، موسویه، مختاران، زهان، آبیز و شوسف (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۷۲۶۹۲/۱) تأسیس شد که هزینه آنها از محل اعتبارات شوکتیه بود. افتتاح چندین دبستان در قاین و جاهای دیگر نیز از دیگر اقدامات امیر بود (تاجبخش، ۱۳۸۲: ۸۳۷). از دیگر این مدارس، می‌توان به مدرسه قدیمی درمیان، مدرسه جعفریه قاین (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۹۰۱۷/۱) و مدرسه عتیقه زهان (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۹۷۳۵۵/۱) نیز اشاره کرد. در این مدارس، طلاب به آموزش علوم شرعی

می پرداختند و در هر روستا نیز مکتب‌خانه‌هایی رواج داشت که به آموزش قرآن روی می‌آوردند. این اقدام تا آن‌جا پیش می‌رود که سیدمحمد فرزانه به تقاضای شوکت‌الملک دوم برای راه‌اندازی مدارس شوکتیه زابل و زاهدان نیز به این مناطق رهسپار می‌شود و علی‌رغم مخالفت بعضی از افراد و سرداران متعصب منطقه، در این کار موفق می‌شود و توانست اعتماد مردم آن مناطق را هم جلب کند. تأسیس مدارس شوکتی در مناطق مختلف بیرجند سبب شد تا بر تعداد باسوادان افزوده شود و زمینه‌های گسترش آموزش و پرورش در مدارس همجوار را ایجاد کند (بهنیا، ۱۳۸۰: ۲۲۸).

اعتصام‌الملک (۱۳۵۱: ۳۱۹)، نائب اول وزارت امور خارجه در دوره ناصرالدین‌شاه، در ایام مأموریت به بیرجند، در خصوص شمار موقوفات مراکز آموزشی بیرجند می‌نویسد: «در منطقه قائنات، سه مدرسه علمیه وجود دارد. یکی در شهر قاین، یکی در بیرجند و دیگری در بلوک درخش، مدرسه قاین و بیرجند را از نزدیک دیده‌ام و اوضاع مدرسه درخش را نیز از آقامحمدعلی درخشی که به دیدن من آمد، پرسیده‌ام. به هر یک از این مدارس، سالی هفتصد تومان از محصول املاک خودش، وظیفه طلاب می‌دهد».

با تأسیس مدارس جدید، بسیاری از افرادی که فارغ‌التحصیل مدرسه شوکتیه بودند، در نقش معلم به تدریس در مدرسه مشغول می‌شدند و این خود گویای جایگاه این مدرسه در رشد علم در این منطقه است و با تأسیس شوکتیه، آموزش برای دختران که تا آن زمان ممنوع بود نیز میسر شد (گنجی، ۱۳۸۶: ۴۲). اقدامات طبقه روحانیون و مراجع بیرجند، در این زمینه بسیار تأثیرگذار بود. آیت‌الله هادوی جزو اولین مراجعی بودند که دختران خود را برای تحصیل به مدرسه شوکتیه فرستادند. حتی در کنار ایشان، آیت‌الله محمدباقر گزاری نیز فرزندان خود را به این مدرسه فرستادند (منصف، ۱۳۵۴: ۱۱۸) و همچنین در زمینه صرف عواید موقوفات در جهت تأسیس مدارس جدید در منطقه و تحصیل محصلان بیشتر به شوکت‌الملک دوم مشاوره و راهنمایی می‌دادند (زنگویی، ۱۳۸۵: ۳۷). نفوذ روحانی حاج شیخ محمدهادی هادوی و قدرت حاکمه شوکت‌الملک دوم، مورد استقبال شایان اقشار مردم قرار گرفت (آیتی، ۱۳۸۲: ۱۲). همچنین وی از معلمین خارجی برای تدریس در مدرسه دعوت کرد که اغلب این افراد از کنسول

روس، انگلیس و یا بانک شاهنشاهی بودند. از این دست می‌توان به رومینو^۱، سیدرضی خان هندی، ژوزف بریان^۲ و ... اشاره کرد که به علت مأموریت در بیرجند، در آموزش مدرسه شوکتیه هم همکاری می‌کردند (راشد محصل، ۱۳۸۲: ۲۰).

شوکت‌الملک دوم به جهت تشویق دانش‌آموزان بی‌بضاعت برای آنها حقوق و جیره سالانه معین کرد (منصف، ۱۳۵۴: ۱۱۳؛ راشد محصل، ۱۳۸۸: ۲۴). امیر از محل درآمد موقوفات خود به سی شاگرد، ماهیانه‌ای که عبارت از روزی نیم من گندم و روزی پنج شاهی پول خودش بود، می‌پرداخت و سالی دو دست لباس و دو جفت کفش نیز به هر شاگرد، موظف داده می‌شد و کتاب اکثر شاگردان غیر موظف را مدرسه تهیه می‌کرد. عجب این‌که روزی پنج شاهی پول، برای زندگی ساده یک نفر محصل کافی بود، زیرا روغن منی پنج قران و گوشت منی پانزده شاهی و سایر مایحتاج به همین نسبت ارزان بود (ایمان، ۱۳۳۹: ۳۴). بررسی زندگینامه مشاهیر علم و ادب و سیاست در این خطه نشان می‌دهد که بیشتر این بزرگان، از تحصیل‌کردگان مدرسه شوکتیه بوده‌اند (علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۲: ۵) و این نکته نشانگر تأثیر مدرسه شوکتیه در رشد و بالندگی فرهنگی بیرجند می‌باشد. از سوی دیگر، در کنار توجه خیرین و واقفان به گونه‌های مختلف وقف علمی در قالب‌های سنتی و مدرن که خود مبین ظرفیت‌های این خطه از نظر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی است، از دیگر اقدامات مشاهیر علم و ادب و سیاست این منطقه در تکوین و توسعه این‌گونه موقوفات به شرح ذیل است:

- اختصاص زمینی در شمال اکبریه به آموزش و پرورش بیرجند جهت ساخت مدرسه‌ای به نام ابراهیم صهبا (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۶۹۱۰/۱) و مجتمع آموزشی و ورزشی توسط دفتر صاحبکاری علم در سال ۱۳۵۲ش. (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۴۵۰۶/۱).

- مکاتبات انجام شده در مورد واگذاری زمین و تعمیر مدارس گیو و موسویه از سوی امیراسدالله علم در سال ۱۳۲۵ش. (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند

شماره ۵۹۲۲/۱).

- گزارش همراهی و کمک اهالی سرچاه تازیان جهت تأسیس مدرسه ملی این روستا و موضوع بودجه مدرسه درخش در سال ۱۳۴۶ش. (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۷۲۶۴۲/۱).

مدرسه معصومیه

حوزه علمیه معصومیه بیرجند در سال ۱۱۶۱ه.ق. توسط امیرمعصوم‌خان خزیمه یکی از فرزندان امیراسماعیل‌خان خزیمه، از محل موقوفات برادرش، امیرعلم‌خان اول ایجاد شد. این مدرسه محل تربیت طلاب علوم دینی بود که در حجره‌های آن سکونت اختیار کرده و از محل موقوفات امیرعلم‌خان و کمک‌های درسی زندگی می‌کردند (گنجی، ۱۳۸۲: ۳۵؛ بهنیا، ۱۳۸۰: ۳۴۷) که در ذیل به چند مورد از موقوفات وابسته به این مدرسه اشاره می‌شود:

در وقف‌نامه امیرمعصوم‌خان خزیمه، وقف بیست فنجان آب قنات بیرجند و اراضی تابعه جهت طلاب علوم دینی در سال ۱۱۸۳ق. از جمله موارد مصرف این موقوفه به هزینه طلاب بی‌بضاعت علوم دینی ساکن و غیر ساکن مدرسه معصومیه و رد مظالم نیز اشاره شده است (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقف‌نامه عادی امیرمعصوم‌خان، کلاسه پرونده الف- ۱۹۵، نقل در فاریابی و شاطری، ۱۳۹۸: ۷۵).

علاوه بر بیرجند در توابع و روستاهای اطراف نیز موقوفات متعددی به مدرسه طلاب و کمک هزینه تحصیل آنان اختصاص یافته است. در این زمینه می‌توان از موقوفات درخش و واقفانی که در این عرصه فعالیت داشته‌اند، به شرح ذیل اشاره کرد:

- وقف‌نامه زین‌العابدین: واقف رقبات متعدد برای مدرسه علمیه.

- وقف‌نامه ملامحمد بیدسکی: واقف ۱۱۰ فنجان از قنوات تنگل و دارکنج بیدسک جهت مدرسه علمیه درخش.

علاوه بر موارد فوق در بخشی از موقوفات درخش، مربوط به ۱۳۰۳ش. که به تأیید آقا محمدمسیح مجتهد رسیده است، رقباتی در اوجان علیا، فورجان، آسیابان، سراب، ساقدر،

آسومعراج، تیدان و مزار، گلون آباد، شیرگ گل محمد به مدرسه طلاب و کمک هزینه آنان اختصاص داده شده است (شاطری، ۱۳۹۱ الف: ۲۱۲-۲۱۴).

- **وقف نامه آخوند ملاعلی اکبر:** وقف ده فنجان از قنات روستای جومیان به همراه اراضی متعلق به آن بر طلاب علوم دینی در سال ۱۲۴۳ ق. مطابق این وقف نامه متولی می بایست هر سال پس از کسر وجوهات ملکی و ده درصد حق التولیه، مابقی را در میان طلاب علوم دینی برای مخارج تحصیلی تقسیم کنند (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقف نامه آخوند ملاعلی اکبر، کلاسه پرونده ع-۱۳۰، نقل در فاریابی و شاطری، ۱۳۹۸: ۷۵).

- **وقف نامه ملاعلی اصغر:** اختصاص چهار سهم از روستای بزقوچ علیا جهت تدریس طلاب مدرسه معصومیه بیرجند در سال ۱۲۹۸ ق. (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقف نامه ملاعلی اصغر، کلاسه پرونده ح-۳۹۲، نقل در همان: ۷۶). ملاعلی اصغر سرچاهی فرزند آخوند ملامحمدحسن سرچاهی مقیم بیرجند بوده، وی فقیهی توانا و مدرسی شایسته در معارف اسلامی در سده چهاردهم قمری است. در خصوص زندگی ملاعلی اصغر در کتاب *بهارستان* به نقل از بغیة الطالب این گونه آمده است: «العالم، الفقیه، الابصر، المولی علی اصغر بن المولی محمدحسن سرچاهی، شیخ اجازه احقر و مصنف کتب عدیده است» (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۰۳، نقل در شاطری و فاریابی، ۱۳۹۹: ۲۵۶). در کتاب *طبقات اعلام/الشیعه*، که دانشنامه ای در ۱۷ جلد در شرح احوال و آثار عالمان شیعه از قرن ۴ تا ۱۴ قمری، نوشته شیخ آقابزرگ طهرانی به زبان عربی است، شرح حال وی در جلد ۱۶ این گونه آمده است که ترجمه فارسی آن مرقوم می گردد: «ملاعلی اصغر سرچاهی، فقیهی دانشمند بود. او از بزرگان روزگار خویش محسوب می شد. چه به لحاظ علمی و چه عملی، مرد بزرگی بود هم در ظاهر و هم در باطن. از شخصیت های دانشمندی بود که در همه رشته های علمی دستی داشت و خود را نشان داد و درخشد. او پیش سیدحسن مدرس اصفهانی و بزرگان دیگر (حوزه اصفهان) درس خوانده بود. امام جمعه و جماعت بود و در میان مردم نام آشنا و دارای جایگاه بلند. با اعتبار و عزت و شرافت زندگی کرد، تا آن که در میلنه سال های دهه اول (قرن چهاردهم) بعد از ۱۳۰۰ قمری از دنیا رفت» (طهرانی، ۱۴۳۰ ق: ۱۵۷۲، نقل در شاطری و فاریابی، ۱۳۹۹: ۲۵۷). آخوند ملاعلی اصغر

پس از والدش آخوند ملا محمد حسن در مسجد چهاردرخت امامت جمعه و جماعت را عهده‌دار و تولیت برخی موقوفات به وی تفویض می‌شود (شاطری و فاریابی، ۱۳۹۹: همانجا). هم‌چنین وقف ۱۰۰ فنجان آب قنات روستای منجگان بر طلاب مدرسه قدیمه بیرجند، توسط حاج میرفضل‌علی در سال ۱۱۸۰ق. (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقف‌نامه ملاعلی‌اصغر، کلاسه پرونده ح - ۳۹۲، نقل در فاریابی و شاطری، ۱۳۹۸: ۵۷).

کمک هزینه طلاب مدرسه علمیه بیرجند

واقف امیر علم خان: در وقف‌نامه امیر علم خان (۱۲۶۱ق.) در این زمینه چنین آمده است: «... تمامی مجاری چهل و یک فنجان میاه از قنات جاریه قصبه بیرجند را مع الاراضی تابعه و کل مایتعلق بها شرعاً و عرفاً و قدیماً و جدیداً بر طلبه علوم سکنه مدرسه قدیمه قصبه بیرجند که مشغول تحصیل، تعلیم و تعلم علوم دینی باشند و متولی میاه مذکور فرمودند، مدرس مدرسه مذکوره را در هر عصر، هر که باشد، طریقه متولی آن که بعد از وضع وجوعات دیوانی ... تتمه حاصل میاه مذکوره را ... بقسط الشهور ماه به ماه بر سکنه حجرات که به تحصیل علوم مشغول باشند، تقسیم و تقسیط نماید و چنانچه بعضی از حجرات کسی ساکن نباشد، حصه او را بر سکنه باقی حجرات تقسیم نماید و هرگاه جمیع حجرات سکنه داشته باشد و شخص به قصد تحصیل علم وارد شود، هر یک از طلبه که او را در حجره خود ساکن گرداند، در حصه مجموع طلبه شریک محسوب خواهد بود و اگر متولی ساکن در حجره مدرسه نباشد، بقدر سهم یکی از طلبه ساکنین، هر ساله به او تعلق خواهد داشت» (شاطری، ۱۳۹۱: ۵۳-۵۴).

در این وقف‌نامه می‌توان اهتمام واقف - که از نظر طبقه اجتماعی، در زمره امرای محلی به‌شمار می‌آید - نسبت به طلاب علوم دینی را مشاهده کرد. آنچه که پیرامون نحوه تقسیم عایدات و هزینه‌کرد آن در میان طلاب در وقف‌نامه مذکور آمده، حاکی از دقت نظر واقف در زمینه هزینه‌کرد موقوفه است.

- **واقف حاج عبدالعلی خان:** یک وقف‌نامه مربوط به حاج عبدالعلی خان، فرزند حاج رضاقلی خان، فرزند امیر حسن خان، حکمران طبس وکیل‌الدوله بوده است. امیر علم خان سوم دارای چهار فرزند

بوده که از میان آنها یک دختر به نام نواب داشت که به زوجیت پسر عمه‌اش مرحوم حاج عبدالعلی‌خان از اولاد امیرحسن‌خان طبسی درآمد (منصف، ۱۳۵۴: ۲۵). او واقف مدرسه و مسجد بوده است. در خصوص موقوفه وی باید گفت که با توجه به کاربرد چندگانه مدرسه و مسجد، نظیر حسینییه برای عزاداری حضرت سیدالشهدا(ع) و مدرسه برای آموزش طلاب، نکاتی از سوی واقف در مورد مصارف موقوفه ذکر شده است که نشان از اهمیت آن نزد وی در امر آموزش بوده است. او در این موقوفه به موارد زیر اشاره کرده است:

- خرید کتاب سالانه و وقف نمودن آن به کتابخانه مدرسه جهت استفاده طلاب مدرسه؛
- توجه نمودن به قشر ضعیف جامعه و قرار دادن معلم در مدرسه برای آموزش اطفال تهیدست؛
- توجه به پایداری و ماندگاری مدرسه با اشاره کردن به تعمیر همه ساله مدرسه و اجرت برف‌انداز و ناودان؛

- اجرت به مدرسینی که مشغول تحصیل هستند؛

- استخدام خادم و ساکن شدن وی جهت خدمات به مدرسه و طلاب (فاریابی و شاطری، ۱۳۹۸: ۹۰).

محمدهادی هادوی بیرجندی نیز در یک وقفنامه مربوط به سال‌های ۱۳۲۲-۱۳۲۳ ق. به تهیه استشهادی مبنی بر وقف املاک توسط حاج عبدالعلی‌خان به منظور مصارفی چون امور خیریه و امور فرهنگی، نظیر ساخت مدرسه و برگزاری مراسم تعزیه نیز اشاره کرده است. سند فوق دارای ۲۲ مهر شهود است (آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۲۵۵۳/۱). در این وقفنامه شیخ هادوی دو مرتبه بر صحت وقفنامه تأکید می‌کند (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقفنامه عادی حاج عبدالعلی‌خان مربوط به سنه ۱۳۱۵ ق.، کلاسه پرونده ح-۲۱۲، نقل در شاطری و فاریابی، ۱۳۹۹: ۳۰۲). در جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۰ هجری قمری نیز، حاج عبدالعلی‌خان املاک متعددی را به مرحوم هادوی مصالحه می‌نماید که بر مصارف مختلف از جمله مدرسه علمیه، مسجد و آب‌انباری که

خود حاج‌عبدالعلی‌خان متصدی ساخت آن بوده، وقف گردد. این موقوفه از جمله موقوفات مهم و دارای رقبات متعدد است (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی، آرشیو، وقف‌نامه حاج شیخ محمدهادی هادوی حسب‌الصلح حاج‌عبدالعلی‌خان مربوط به سنه ۱۳۲۰ق.، کلاسه پرونده ع-۳۷۳، نقل در شاطری و فاریابی، ۱۳۹۹: ۳۰۳). در سال ۱۳۳۰ قمری هم استشهادنامه‌ای از بزرگان، علماء، اعیان و تجار تهیه شده و طی این امر نوشته شده است که طبق وقف مدرسه و تعمیر آن توسط حاج‌عبدالعلی‌خان، ایشان دست به کار شده و شروع به تعمیر مدرسه کرده‌اند، اما در این بین، فوت ایشان سبب معوق ماندن زمان ساخت مدرسه شده است. افراد و بزرگان بسیاری این امر را تأیید می‌کنند که از جمله آنها شیخ محمدباقر آیتی می‌باشد (اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی، آرشیو، استشهاد موقوفه حاج‌عبدالعلی‌خان مربوط به سنه ۱۳۳۰ق.، نقل در شاطری و فاریابی، ۱۳۹۹: ۳۰۴).

تعلیم کودکان بی‌بضاعت در هریوند

واقف فاطمه‌بیگم بنت مرحوم میرمحمدحسین: در وقف‌نامه فاطمه‌بیگم (۱۳۴۹ق.) چنین آمده است:

«وقف مؤبد و حبس مخلد نموده، فاطمه‌بیگم، بنت مرحوم میرمحمدحسین، ساکن مزرعه نیک فوق هریوند، همگی و تمامی یک سهم میاه از مزرعه نیک را مع‌الاراضی و اشجار گردو و غیره که مراد شش نهال گردوی واقفه است، بر دوران مکتب‌خانه در هریوند که اطفال یتیم بی‌بضاعت را در هریوند تعلیم قرائت قرآن مجید و کتب فارسیه تا اندازه عایدات ملک مزبور وفا نمود، تعلیم نمایند و تولیت ملک مزبور را تا زمان حیات با خود و بعد حیات خود با اخوی خود، میرمحمودبیک قرار داد و بعد از ایشان با اولاد ذکور متولی و با فقد ذکور و اناث متولی با ملای متدینی که مکتب‌دار باشد در مزرعه هریوند و نظارت ملک مزبور را با آقای عسکری حاجی آقا محمدحسین قرار داد که منافع ملک مزبور تحت نظارت ایشان به مصرف برسد و حق التولیه ده یک و حق النظاره را هم ده یک قرار داد» (شاطری، ۱۳۹۱ب: ۱۴۶).

وقفنامه مذکور نشان می‌دهد که ظرفیت‌های فرهنگی بیرجند و توابع آن، به گونه‌ای بوده است که بینش و دغدغه‌ها و علایق دینی و علمی یک زن در آن روزگار، او را بر آن می‌دارد تا دارایی خویش را صرف تعلیم کودکان بی‌بضاعت در روستای هریوند نماید. نکته قابل تأمل در این وقف-نامه این است که واقف در کنار تعلیم قرآن به کودکان، آموزش کتاب‌های فارسی را تا به اندازه‌ای که عایدات موقوفه اجازه دهد نیز مدنظر قرار داده است.

ایجاد کتابخانه، خرید کتب، حقوق کتابدار

واقف امیرحسین خان خزیمه: این وقفنامه که مربوط به سال ۱۳۸۰ قمری است، مصارف مربوط به موقوفه - شامل شش دانگ قنات و مزرعه جدیدالاحداث پرویزآباد با تمام ملحقات و متعلقات از اراضی و منازل واقع در بلوک زیرکوه که مدار سهمش بر دوازده و هر سهمی صدو بیست فنجان بوده - به قرار ذیل ذکر شده است: «... کتابخانه مذکور در هر زمان در محوطه تمرکز خواهد داشت ... و درآمد عین موقوفه را حسب‌المصالح به مصرف تعمیر و ابتیاع کتب مفیده و استنساخ کتبی که کمتر به طبع رسیده و مصارف آب و روشنایی و فرش و اجرت یک نفر خادم که مستحفظ کتابخانه بوده و البته شب‌ها را نیز در همانجا به سر برد و یک نفر مدیر کتابخانه که از اهل علم و سواد و کتابشناسی انتخاب خواهد شد برساند ... از آنجا که منظور از تأسیس این کتابخانه انتفاع و استفاده عموم است در روزهای جمعه و ایام مخصوص نیز مفتوح خواهد بود» (همان: ۱۶۴-۱۶۵).

خرید لوازم‌التحریر جهت دانش‌آموزان بی‌بضاعت خراشاد

واقف پرویز رحیمی خراشاد: واقف شش دانگ یک قطعه زمین را در سال ۱۴۱۱ قمری که به صورت یک درب مغازه درآمد، جهت خرید لوازم‌التحریر دانش‌آموزان بی‌بضاعت مدارس خراشاد که توسط مدیران و مسؤولان مدارس مذکور معرفی خواهند شد، اختصاص داده است (همان: ۱۶۷-۱۶۸).

اردوگاه فرهنگی جهت دانش آموزان

واقف احمد، امان الله و سیروس مشار: در سال ۱۴۱۲ قمری، واقفان تمامی ۹۶۶ سهم و دو سوم سهم مشاع از کل ۱۴۴۰ سهم مزرعه و قنات حسن آباد واقع در بخش ۷ بیرجند را جهت ایجاد اردوگاه فرهنگی - تربیتی دانش آموزان اداره آموزش و پرورش منطقه درمیان و سایر دانش - آموزان کشور و برگزاری سمینارهای علمی در سطح مملکت واگذار نموده است. براساس وقف نامه مذکور، واقفان این اقدام را به امید رفع محرومیت از منطقه و زدودن فقر فرهنگی و رشد جریان - های آموزشی، پژوهشی و تربیتی انجام داده اند (همان: ۱۷۳-۱۷۴).

اهدای کتب و نسخ خطی ارزشمند توسط سیدمحمد مشکوة

مرحوم مشکوة از مفاخر و شخصیت های نام آور کشورمان است که شرح احوال وی، تحصیلات، تألیفات و اقدامات علمی او در کتب متعدد از جمله در پژوهش های تاریخ محلی بیرجند به تفصیل آمده است.^۱ مهم ترین اقدام فرهنگی که در کارنامه علمی سیدمحمد مشکوة ثبت و ضبط شده است، اهدای نسخ خطی کتابخانه شخصی وی به دانشکده حقوق دانشگاه تهران است. بنا بر اظهارات محمدحسن گنجی همین کتب اهدایی، هسته اولیه کتابخانه بزرگ دانشگاه تهران را فراهم آورد (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۲: ۲۵۰). در مورد اهمیت و ارزش این نسخه ها، محمدتقی دانش پژوه مطالبی را نگاشته و ضمن اشاره به مزیت، برتری و ارزش این کتاب ها، این آثار را گواه دانایی و آگاهی گردآورنده دانشمند آن، سیدمحمد مشکوة می داند (علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۲: ۱۴۲). دانش پژوه مزایای این کتاب ها را این گونه برشمرده است:

- نسخه های شاهنامه با آرایش های دلپسند؛
- متن های نادر فلسفی و کلامی؛
- متن هایی که در روزگار مؤلف نوشته شده است؛
- نسخه هایی که دارای خط دانشمندان، یا ابلاغ و اجازه آنهاست؛

۱. ر. ک. به: تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند (علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۲: ۱۱۲؛ سپهر، ۱۳۴۱: ۴۰۱).

- متن‌های اخبار که دانشمندان تصحیح نموده‌اند؛
- متن‌های چاپ نشده؛
- متن‌های فقهی به خط مؤلفان؛
- ترجمه پارسی متن‌های فلسفی و ادبی و فقهی و اخبار (دانش‌پژوه، ۱۳۳۲، ج ۳، مقدمه).

اهدای کتب وقفی قرآن

یکی دیگر از مصادیق وقف علمی، اهدا و وقف قرآن و برخی از کتب خطی است. در این زمینه می‌توان به وقف‌نامه‌های متعددی که در منطقه‌ی درمیان موجود است، اشاره کرد. در این منطقه به دلیل وجود مدرسه علمیه و پایبندی به فرهنگ وقف، قرآن‌ها و کتب خطی متعددی وقف شده‌اند. اسامی برخی از واقفان قرآن و کتب خطی در منطقه فوق‌الذکر در ذیل آمده است:

- میرزا محمد رفیع خان، وقف دو جلد قرآن بر مسجد علیای قریه درمیان در سال ۱۲۸۶ ق؛
- وقف قرآن خطی توسط محمد حسین بن شیخ محمد حسن خان جامی‌الاحمدی بر طلاب مدرسه علمیه درمیان در سال ۱۲۹۰ ق؛
- وقف قرآن خطی بر مدرسه علیای درمیان در سال ۱۳۰۷ ق. توسط والده کربلایی محمد قلی-خان؛

- وقف کتابی در آموزش قرآن کریم به سبک مکتب‌خانه و حوزه‌های علمیه قدیم توسط حاجی میرزا عطا محمد خان (نوه میرزا رفیع خان دوم).

مدارس علمیه درمیان از قدیمی‌ترین مدارس علمیه در منطقه است که تا قبل از سال ۱۲۹۰ شمسی که اولین دوره آموزش‌های رسمی در درمیان برگزار شد، از مراکز مهم آموزشی محسوب می‌شده، به طوری که موقوفات، کتب و قرآن‌های خطی وقف بر مدرسه، نشان از قدمت این مدرسه دارد. وجود قرآن‌ها و کتب خطی وقفی مربوط به سال‌های ۱۲۸۶ و ۱۲۹۸ قمری از اختصاص وجود یک سهم موقوفه از محمدآباد طبس مسینا برای این مدرسه خبر می‌دهد (شاطری، رفیعی و نجاتی، ۱۳۹۴: ۱۵۷).

- وقف کتاب خطی شرح عقاید/النسفی^۱، موضوع این کتاب همان طور که از نام آن برمی آید، عقاید است که در مدرسه درمیان تدریس می شده است. این کتاب نوشته‌ی عمرالنسفی از علمای اهل سنت است (همانجا: ۱۴۴).

- وقف کتب خطی به مدرسه جعفریه زهان که یکی از مدارس بسیار قدیمی در زهان است و قدمت تأسیس آن به اواخر عهد صفوی می‌رسد. در دوره افشار و زند کتابخانه مدرسه جعفریه زهان اهمیت زیادی پیدا کرد. در آن دوران نسخ خطی بسیاری از سوی خیران بر کتابخانه وقف شده که در حاشیه این نسخ خطی، به اسم واقف یا به نام مدرسه علمیه تصریح شده است (عباسی، ۱۳۹۷: ۱۴۷). وجود مدرسه علمیه زهان و جوّ مذهبی منطقه در ادوار مختلف تاریخ، سبب ماندگاری سنت دینی و مردمی وقف بوده است. اوقاف زهان در کنار مصارف وقفی برای ایام محرم و مراسم روضه‌خوانی امام حسین (ع)، بیشتر مربوط به اقدامات فرهنگی است، نظیر وقف کتاب برای طلاب حوزه علمیه. قدیمی‌ترین کتب موجود وقف شده بر مدرسه علمیه زهان، مربوط به عهد شاه‌طهماسب دوم صفوی است که از اواسط قرن ۱۲ قمری به بعد، یعنی حدود ۳۰۰ سال پیش، این سنت در دوره‌های مختلف در زهان تداوم داشته است. شایان ذکر است که با توجه به این‌که صفویان، مذهب تشیع را در کشور رسمی اعلام کردند و به دنبال توسعه مذهبی امامیه از طرق مختلف، از جمله تأسیس مدارس علمیه بودند، منطقه قهستان را مناسب این مهم دیدند (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۴۱۷).

نتیجه

ظرفیت‌های فرهنگی بیرجند، منش واقفان و باورهای اعتقادی، از جمله عواملی است که در شکل‌گیری گونه‌های مختلف وقف علمی در بیرجند دخیل بوده است. عمده‌ترین مصادیق وقف علمی را می‌توان در تأسیس مدارس علمیه و مدارس جدیدی چون شوکتیه، پرداخت کمک هزینه تحصیلی به طلاب، تعلیم کودکان بی‌بضاعت، ایجاد کتابخانه، خرید کتب، پرداخت حقوق کتابدار،

۱. شرح عقاید اهل سنت

خرید لوازم التحریر جهت دانش‌آموزان بی‌بضاعت، ایجاد اردوگاه فرهنگی جهت دانش‌آموزان، اهدای کتب و نسخ خطی و وقف قرآن ملاحظه کرد. موارد فوق مبین تنوع گونه‌های مختلف وقف علمی در این شهر می‌باشد. علاوه بر این مصادیق متنوع که در بالا بدان اشاره شد، واقفان علمی در این خطه از نظر جنسیت، پایگاه اجتماعی و تحصیلات نیز از تنوع و تکثر برخوردارند. این نکته خود نشان دهنده ظرفیت‌های بالای منطقه از بُعد سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی است. در مجموع می‌توان گفت که هویت فرهنگی بیرجند، تا حد زیادی مرهون تلاش‌های واقفان علمی در این عرصه می‌باشد.

منابع

- آیتی، ابوالحسن (۱۳۸۲). *خاطراتی از بیرجند و رویدادهای سیاسی*. بیرجند: رزقی.
- ارشاد سرابی، اصغر (۱۳۸۷). "مدرسه شوکتیه بیرجند: چگونگی تأسیس، آموزش، کتاب‌ها، معلمان و امتحانات". *آینه پژوهش*، دوره ۱۹، ش ۵ (بهمن و اسفند): ۲۰-۲۷.
- اعتصام‌الملک، خانلرخان (۱۳۵۱). *سفرنامه میرزاخانلرخان/اعتصام‌الملک*. به کوشش منوچهر محمودی. تهران: بی‌نا.
- ایمان، رحیم علیخان (۱۳۳۹). *تذکره منتخب اللطائف*: تهران: تابان.
- برنامه ششم توسعه کشور، مصوب ۱۳۹۶.
- بهنیا، محمدرضا (۱۳۸۰). *بیرجند، نگین کویر*. تهران: دانشگاه تهران.
- تاجبخش، احمد (۱۳۸۲). *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران*. شیراز: نوید.
- ثقفی، فاطمه؛ افتخاری، حسین (۱۳۹۶). "تبیین مهم‌ترین چالش‌ها و عوامل موفقیت تجاری-سازای دستاوردهای پژوهشی". *نشر مدیریت فردا*، دوره پانزدهم، ش ۵۰ (بهار): ۴۷-۶۸.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۳۲). *فهرست کتابخانه/هدایی سیدمحمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران*، ج ۳. تهران: دانشگاه تهران، مرکز اسناد.
- درویش، جمشید (۱۳۶۶). *بررسی موانع و عوامل پیشرفت‌های فرهنگی و آموزشی سیستان و بلوچستان و جنوب خراسان*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- راشد‌محصل، محمدرضا (۱۳۸۲). *جستاری در تاریخ، فرهنگ و آموزش نوین بیرجند*. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۸). *از شوکتی تا دولتی*. به کوشش محمود رفیعی. تهران: هیرمند.
- زنگویی، حسین (۱۳۸۵). *شاعران قهستان*. تهران: نشر تاریخ ایران.
- سپهرم، امیرمسعود (۱۳۴۱). *تاریخ برگزیدگان و عده‌ای از مشاهیر ایران و عرب*. تهران: زوار.
- شاطری، مفید (۱۳۹۱الف). *جغرافیای تاریخی و فرهنگی درخس*. مشهد: پاپلی.
- _____ (۱۳۹۱ب). *گزیده اسناد وقف خراسان جنوبی*. تهران: فکر بکر.

- شاطری، مفید؛ فاریابی، مرضیه (۱۳۹۹). *وقف عالمان و حاکمان در بیرجند و قایمات*. بیرجند: چهاردرخت.

- شاطری، مفید؛ رفیعی، محمود؛ نجاتی، بهناز (۱۳۹۴). *درمیان‌نامه، با اشاراتی به فورگ*. بیرجند: چهاردرخت.

- طرفداری، علی محمد (۱۳۹۱). *جستارهایی درباره بیرجند*. به اهتمام محمود رفیعی. تهران: هیرمند.

- عباسی، علی اکبر (۱۳۹۷). *زهان، دیار یاقوت سرخ: تاریخچه و آثار تاریخی*. بیرجند: صبح امروز.

- علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۸۲). *تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند*. بیرجند: رزقی.

- _____ (۱۳۹۲). *جستاری در احوال و مفاخر خراسان جنوبی*. تهران: فکر بکر.

- غوث، کمال (۱۳۹۱). *گنج‌نامه ناحیه هردنگ*. تهران: فکر بکر.

- فاریابی، مرضیه؛ شاطری، مفید (۱۳۹۸). "کارکردهای آموزشی موقوفه حاج‌عبدالعلی‌خان در شهر بیرجند". *مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان*، سال چهاردهم، ش ۱ (پاییز): ۷۵-۹۳.

- قاسمی‌پویا، اقبال (۱۳۷۷). *مدارس جدید در دوره قاجاریه، بانیان و پیشه‌وران*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- گنجی، محمدحسن (۱۳۸۲). "بیرجند در ۱۳۰۰ شمسی". در: *جستاری در تاریخ، فرهنگ و آموزش نوین بیرجند*. به کوشش محمدرضا راشد محصل. بیرجند: رزقی.

- _____ (۱۳۸۶). *به سان رود*. بیرجند: پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری شهر تاریخی بیرجند.

- ملک‌زاده، الهام (۱۳۹۲). *مؤسسات خیریه رفاهی- بهداشتی در دوره رضاشاه*. تهران: نشر تاریخ ایران.

- منصف، محمدعلی (۱۳۵۴). *امیر شوکت‌الملک علم، امیر قاین*. تهران: امیرکبیر.

- میرهاشمی، زهراسادات؛ سرهنگیان، محمد (۱۳۹۳). "امکان استفاده از نهاد وقف در تجاری- سازی دانش و فناوری و الگوهای پیشنهادی آن". *سیاست‌های مالی و اقتصادی*، سال هشتم،

ش ۲ (زمستان): ۶۳-۸۲.

- ناصح، ذبیح‌الله (۱۳۸۲). "افتتاح دبستان شوکتی". در: جستاری در تاریخ، فرهنگ و آموزش نوین بیرجند. به کوشش محمدرضا راشد محصل. بیرجند: رزقی.

- وقف علم و فناوری (۱۳۹۵). دفتر همکاری های علمی و امور نخبگان شهید فهمیده منطقه شمال شرق با همکاری اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان رضوی. مشهد: دبیرخانه کمیته یاوران وقف علم و فناوری.

اسناد

- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۲۵۵۳/۱
- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۴۵۰۶/۱
- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۵۹۲۲/۱
- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۶۹۱۰/۱
- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۸۹۹۸/۱
- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۹۰۱۷/۱
- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۷۲۶۴۲/۱
- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۷۲۶۹۲/۱
- آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی. آرشیو، سند شماره ۹۷۳۵۵/۱
- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقف‌نامه آخوند ملاعلی‌اکبر، کلاسه پرونده ع-۱۳۰.
- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقف‌نامه حاج شیخ محمدهادی هادوی حسب‌الصلح حاج عبدالعلی خان مربوط به سنه ۱۳۲۰ ق، کلاسه پرونده ع-۳۷۳.
- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقف‌نامه عادی امیرمعصوم خان، کلاسه پرونده الف-۱۹۵.

- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقف‌نامه عادی حاج عبدالعلی خان مربوط

به سنه ۱۳۱۵ق.، کلاسه پرونده ح-۲۱۲.

- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، وقف‌نامه ملاعلی‌اصغر، کلاسه پرونده

ح-۳۹۲.

- اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی. آرشیو، استشهاد موقوفه حاج‌عبدالعلی‌خان

مربوط به سنه ۱۳۳۰ق.

Scientific dedication and its impact on Birjand cultural development

Elham Malekzade¹, Akram Naseri²

Abstract

Among the various types of waqf, both traditional and modern, the scientific endowment has a long range of social and cultural functions. Studies on the history of waqf and charity in Birjand reveal numerous evidences of the actions of scientific scholars at various socio-cultural levels. The purpose of this paper is to investigate different types and instances of scientific endowment in Birjand by descriptive-analytical method. The findings of this study show that the cultural identity of the city is the result of the development and development of various forms of scientific endowment in traditional and modern forms. Another achievement of this study is the diversity of the social and gender base of scientific scholars in the region, as well as the capacity of this line in terms of social and cultural capital.

Keywords: Scientific dedication, Birjand, Shokatiyeh School.

1. Assistant Professor of History, Institute for Humanities and Cultural Studies, Responsible Author
elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

2. Ph.D in Iran History, Lecturer in University of Birjand

akram_naseri@yahoo.com

Research on Naser al-Din Shah Qajar Coins Minted in Herat Using PIXEElement Analysis

Hossien Koohestani Andarzi¹, Zohreh Jozi², Zahra Nasrollahi³, Mohammad Amin Saadatmehr⁴,
Maryam Yaghezahi⁵, Hanie Hosseinnia Amirkalai⁶

Abstract

After the sudden death of Yar Mohammad Khan Zahir al-Dawla (1258-1267 AH), in 1267 AH, a lot of violence arose in Herat; In the midst of this turmoil, many people came to power under and under the auspices of the Iranian government, and eventually Dost Mohammad Khan Barkzai (1258-1280 AH) separated Herat from Iran forever in 1279 AH. During the turmoil in Herat (1267-1280 AH), coins were named Naser al-Din Shah (1264-1313 AH) were also dated to 1269, 1273-1279 AH. Multiplied in this city; Further attention to these coins raises two issues, one is that the monetary system of the Nasserite era did not follow a specific structure, and the coins of each place were minted with different grades, and the other was usually minted during tense periods. The economic power of each city was weakened, and the value of the coin was greatly reduced; Therefore, the elemental analysis of the coins of this period, using the PIXE method, due to its speed, high accuracy and non-destructiveness, can provide a good analysis of this situation; Therefore, 21 coins in 9 different dates were analyzed to study this issue. As a result, it was determined that the silver grade of these coins was higher than %90, compared to the main mints, namely Mashhad (%84), Tabriz (%82), Tehran (%90), Isfahan (%84), and Shiraz (%90) is in a high positions, and this shows the citizenship of the main coinage system, the Tehran system, which has not been deducted from the standard of these coins even at the height of tensions. Finally, valuable information was obtained on how to decompose coin metal with copper and iron metals, and the type of silver mines used, namely Cerussite mines.

Keywords: Herat, Numismatics, Naser al-Din Shah Qajar, PIXE Experiment, Archaeometry

-
- | | |
|---|--------------------------------|
| 1. Assistant Professor of Archeology, University of Birjand | hkoohestani@birjand.ac.ir |
| 2. Assistant Professor of Archeology, University of Sistan & Baluchestan | zj332244 @ gmail. com |
| 3. Master of Archeology, University of Sistan & Baluchestan | z.nasrollahi93@ gmail.com |
| 4. PhD candidate in Archeology, Mazandaran University, Responsible Author | ma.saadatmehr @gmail.com |
| 5. Master of Archeology, University of Sistan & Baluchestan | maryamyaghezahi1397 @gmail.com |
| 6. Master of Archeology, Mazandaran University | hanieamiri7 @gmail.com |

An Analysis of the historical Performance of the Great Khorasan in Religious and Artistic Developments of Eastern Iran during the Parthian Period

Maryam Zohourian¹, Saman Farzin²

Abstract

The Great Khorasan has played an influential role in regional exchanges of the eastern Iran throughout the Iranian historical period and provides researchers with comprehensive information in this regard. However, information about the performance of Khorasan region during the Parthian period is very limited due to the destruction of historical works and sources by Sassanians as well as the passage of time. Accordingly, the purpose of this comparative-analytic study is to analyze the performance of the Great Khorasan as the first headquarter of the Parthians in religious and artistic contexts of this period. This research is performed with reference to the primary sources and archaeological evidence obtained from this period. Therefore, the present study seeks to answer the following questions: How could the Great Khorasan pave the way for religious and artistic structural developments during the Parthian period? Which regions have been most influenced by the religious and artistic developments of the Great Khorasan? In this regard, according to the findings of the present study, it can be stated that the performance of the Great Khorasan in the Parthian period has been trans-regional and based on religious and cultural tolerance. Also, due to its location in the east and west linking corridor, With the spread of Buddhism, Mehr and Zarathustra gained religious influence in eastern Iran, India, China, and even Byzantine Rome. And because of works of art such as sculpture, pottery and glassmaking, it made an artistic impact in India and China. In addition, by analyzing the etymology of the Pahlavi script and language in the Parthian period, we found that this region has had a trans-regional cultural impact by developing the Pahlavi script and language within Iran, Tajikistan and Afghanistan.

Keyword: Great Khorasan, Parthian, Art , Religion, Culture.

1 . Assistant Professor of Archeology, College of Art, University of Birjand, Responsible Author
Zohourian@Birjand.ac.ir

2. Assistant Professor of Archeology, College of Art, University of birjand Farzin@ Birjand.ac.ir

The Study of The Role of Self-efficacy In Happiness With Mediation of Hope Among Primary Teachers

Hossein Khosravi¹, Hadi Pourshafi², Fateme Taherpour³

Abstract

The purpose of this research is to study the role of self-efficacy in happiness with mediatory role of hope among primary teachers. The study adopted a descriptive – correlational method. The statistical population of the study consisted all primary teachers in Birjand, from which 1500 members were selected as the participants of 306 members using cluster sampling with proportional distribution. Self-efficacy and hopefulness was examined using questionnaire Lutans (2007) and happiness was examined using Shirom questionnaire (2004). Through Cronbach's alpha coefficient, reliability coefficients were obtained equal to 0.84 & 0.91. Data analyses at quantitative part was done through descriptive statistics (frequency, average and standard deviation) and inferential statistics (correlation, variance analyses, regression and structural equation modeling). The results of research indicated that self-efficacy with Beta=0.55 predicts happiness and with Beta= 0.73 predicts hopefulness. Also hope with Beta= 0.68 predicts teacher's happiness. The findings showed that hope with mediating role between self-efficacy and happiness is an effective factor and the research model has a good fit.

Keywords: self-efficacy, happiness in workplace, hopefulness, elementary school teachers in Birjand

1. Master in Education Management, University of Birjand

2. Associate Professor of Behavioral Sciences, University of Birjand

3. Assistant Professor of Behavioral Sciences, University of Birjand

H.khosravyb@birjand.ac.ir

Hpourshafei@birjand.ac.ir

Fateme .taherpour @birjand .ac.ir

Attitudes of the pilgrims of Astan Quds Razavi towards the people of Mashhad With the approach of developing tourism in religious cities

Milad Pourrajabi¹ , Majid Fooladian²

Abstract

The expansion of tourism in different regions has led to the introduction of tourism as the largest industry in the world. adequate tourism environment leads to the growth of the region and region economy and its reproduction affects the cultural mechanisms and behaviors of people in the region. the research method of this research is phenomenology. For data collection, sampling of 37 participants between the ages of 19 and 65 years, the interview was semi-structured and thematic analysis was used to analyze the data.

Findings in the field of semantic contexts include 30 statements related to the attitude of pilgrims, which were reduced to five semantic sub-themes and were classified into three areas. these three areas are individual attitude (systemic attitude), family (rotation of factors shaping attitudes) and society (structural relationships between semantic contexts that perpetuate attitudes). attention to the attitude of pilgrims and its relationship with tourism in the region plays a key role in socio-cultural planning and policy-making. In this regard, structural, rotational and multi-causal relationships should be considered.

Keywords: development, tourism, cultural sites, semantic context, religious cities.

1. PhD candidate in Sociology, Ferdowsi University of Mashhad, responsible author
milad.porrajabi@gmail.com

2. Assistant Professor of Sociology of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad
fouladiyan@um.ac.ir

Reading the text and analyzing the content of the endowment letter of Haj Mohammad Rafi Theological School in Tabas

Mohammad Bagheri¹, Hamidreza Sanaei²

Abstract

Waqf, a long-standing and living Islamic tradition, has been prevalent in Islamic lands, especially in Iran, since yesterday with various motives. The history of endowment in Iran, The Islamic period dates back to the first centuries AH and is often dedicated to the endowment of real estate for both religious and educational institutions, mosque and school. In the second half of the 12th lunar century, Haj Mohammad Rafi, the son of Ali Naqi Diheshki, founded a school in the city of Tabas and dedicated it to the teaching of religious science. The purpose of the present article is to read the endowment letter and review the content and access to the various information contained in it, and to achieve this purpose, it uses a descriptive-analytical method. Examining the endowment letter shows the school's firm belief in Shiite teachings and provides the reader with first-hand and useful information about Tabas during the endowment, how the school is run, the trustee, and the conditions for using the endowment. According to the endowment letter, the tutelage of this school has been entrusted to the founder and after him, the eldest son and then the male children of his generation. If the male children also die, the Friday Imam of Tabas will be in charge of the endowment. Among the useful historical information of the text of the endowment letter at the time of the formation of the endowment, we can name some of the elders of Tabas, especially Khajeh Mohammad Ali Diheshki, brother of the endowment and Mullah Mohammad Mehdi, son of Haji Mohammad Saleh, the Friday Imam of Tabas. Also information about water system in this city is pointed out.

Keywords: endowment, endowment letter, Tabas, Haj Mohammad Rafi school

1. PhD student in Islamic History, University of Tehran

M84bagheri@gmail.com

2. Assistant Professor of Islamic History and Civilization at Ferdowsi University of Mashhad
hr.sanaei@um.ac.ir

Table and content

Reading the text and analyzing the content of the endowment letter of Haj Mohammad Rafi Theological School in Tabas/ Mohammad Bagheri Hamidreza sanaei	7
Attitudes of the pilgrims of Astan Quds Razavi towards the people of Mashhad With the approach of developing tourism in religious cities/ Milad Pourrajabi , Majid Fooladian	35
The Study of the Role of Self-efficacy In Happiness With Mediatory Role of Hope Among Primary Teachers/ Hadi pourshafi, Fateme Taherpour	65
An Analysis of the historical Performance of the Great Khorasan in Religious and Artistic Developments of Eastern Iran during the Parthian Period/ Maryam Zohourian, Saman Farzin	83
Research on Naser al-Din Shah Qajar Coins Minted in Herat Using PIXEElement Analysis/ Hossien Koohestani Andarzi, Zohreh Jozi, Zahra Nasrollahi, Mohammad Amin Saadatmehr, Maryam Yaghezahi, Hanie Hosseinnia Amirkalai	115
Scientific dedication and its impact on Birjand cultural development/ Elham Malekzade, Akram Naseri	143

Referees of This Period. (Alphabetical Order)



Mohammad bagher Akhoundi/ Assistant Professor, University of Birjand
Mohammad Eskandarisani/ Assistant Professor, University of Birjand
Samira Pour/ Assistant Professor, University of Birjand
Mohammad Hajipour/ Assistant Professor, University of Birjand
Seyed Saeed Hosseini/ Assistant Professor, Azad University of Gonabad
Yaghoub Khazaii/ Assistant Professor, Imam Khomeini International University
Mojtaba Khalifeh/ Assistant Professor, University of Birjand
Mofid Shateri/ Associate Professor, University of Birjand
Zahra Alizadeh birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
Masoud Moradi/ Associate Professor, University of Sistan & Baluchestan
Ali Najafzadeh/ University of Birjand
Hassan Hashemi zarjabad/Associate Professor, Mazandaran University

In The Name Of God

Scientific Quarterly of Social-Cultural Studies of Khorasan

Serial: 55

ISBN 1735-8256

Spring 2020 ,3rd Number ,14th year

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Nabizadeh, Naser
PhD

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra,

Executive editor: Ramezani, Mahmoud

Executive manager: Zerang, Mahin

The Editorial Committee

1. Mohammad Bagher Akhoundi/ Assistant Professor, University of Birjand
 2. Habib Allah Ahmadi/ Professor, University of Shiraz
 3. Zahra Alizadeh Birjandi/ Associate Professor, University of Birjand
 4. Mohammad Behnamfar, Professor of Persian language and literature, University of Birjand
 5. Bibi Aghdas Asghari/ Assistant Professor, Islamic Azad University, Gonabad
 6. Alexander Chulukhadze/ Associate Professor of Persian Language and Literature, Iranian and Middle East Studies, University of Georgia
 7. Mohammad Ali Beidokhti/ Assistant Professor, University of Birjand
 8. Ahmad Kamyabi Mask/ Professor, University of Tehran
 9. Mohammad Reza Majidi/ Associate Professor, University of Tehran
 10. Javad Mikaniki/ Associate Professor, University of Birjand
 11. Hadi Pour Shafei/ Associate Professor, University of Birjand
 12. Mohammad Taghi Rashed Mohassel/ Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies
 13. Mofid Shateri/ Associate Professor, University of Birjand
-

Editors: Nasrollahi, Seyyed Noorollah

Translator and English Editor: Dehghani, Shahrzad

Technical affairs: Chaharderakht publications

Lithography & Press: Ofogh Hezareh sevom kavir institution

Circulation: 100 **Price:** 350000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction
Research Society Office **Tel:** 056-32323393 **Fax:** 056-32323277

Email: pazhoheshkhorasanj@farhangmail.ir

http://Farhangekhorasan.ir

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The authors are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.



فرآیند دریافت وجه جهت پذیرش نهایی مقالات

نگارندگان محترمی که مقاله ایشان پس از طی مراحل داوری و بررسی نهایی مورد پذیرش قرار گرفته است، می‌بایست مبلغ ۲۰۰ هزار تومان بابت پذیرش نهایی به شماره حساب ۳۶۱۱۷۱۰۰۴۳۴۴۹۳۷ بانک قرض الحسنه مهر ایران مؤسسه فرهنگی - هنری افق هزاره سوم کویر واریز و تصویر فیش پرداختی را از طریق سامانه ارسال فرمایند.

(مقالاتی که فاقد فیش واریزی هستند در اولویت چاپ قرار نخواهند گرفت.)